

### آزار و اذیت زنان شدت گرفت

- صدها نفر به اتهام بدحجابی بازداشت و مورد اذیت قرار گرفتند
- مشاور وزیر کشور در امور بانوان: صحیح نیست چادر را بعنوان حجاب اجباری برای زنان در بیاوریم

فروشگاه و رستوران که لباس های زنانه می فروختند یا محل آمد و شد بانوان بودند، تعطیل شده اند. پیش از این بگروین و بندها، عبدالله عقباتی اعلام کرده بود بدحجابها باید در انتظار مجازاتهای سنگین و سختی باشند. همچنین نیروی انتظامی تهران بزرگ در اطلاعیه ای به مردم هشدار داده بود که اگر پوشش اسلامی را رعایت نکنند به هنگام عبور از خیابانها یا در داخل اتومبیل هایشان بازداشت خواهند شد. آیت اله جنتی نیز که اکنون ریاست ستاد امریه معروف و نهی از منکر را برعهده دارد سه هفته پیش بدحجابان و منکران خود را در میدان جنگ بداند و غرش کند.

شدت آزار و اذیت زنان که در بسیاری موارد به مقاومت مردم در مقابل نیروهای انتظامی و عوامل حکومت انجامیده است به اختلاف نظرمیان مقامات رژیم در برخورد به امریه معروف و نهی از منکر و نحوه اجرای آن دامن زده است. در ادامه در صفحه ۲

آزار و اذیت زنان که در هفته های اخیر و بدنبال پایان انتخابات ریاست جمهوری و آغاز فصل گرما شدت یافته است، در دو هفته گذشته به اوج رسید و هزاران نفر از زنان و دختران مردم در تهران و شهرهای مختلف کشور به اتهام بد لباسی و بدحجابی توسط گشت های ویژه نیروهای انتظامی بازداشت و مورد اذیت قرار گرفتند.

گزارشهای رسیده از تهران و دیگر شهرستانها حاکی است که گشت های نیروی انتظامی موسوم به "گشت های ویژه ارشاد" در نقاط پر رفت و آمد شهرها استقرار یافته و به کنترل پوشش و نحوه رفتار آنها میپردازند. روزنامه سلام از قول عبدالله عقباتی فرمانده ناحیه انتظامی تهران بزرگ نوشته است: بیش از ۸۰۰ نفر بدلیل بد لباسی در تهران بازداشت شده اند. همین گزارشها حاکی است: ماموران انتظامی حکومت صدها اتومبیل را متوقف و سرنشینان آنها را بازداشت کرده به "پارکینگهای مخصوص" انتقال داده اند. همچنین دهها

### فشار برای تغییر در کابینه آینده رفسنجانی افزایش یافت

- کیهان هوایی: "گروههای فشار" رفسنجانی را برای تغییر وزرا تحت فشار قرار داده اند
- روزنامه سلام: انتخابات "شکستگرا" را نمایان ساخت

ناکامی جمهوری اسلامی در جلب آرای مردم در جریان ششمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و نتایج این ناکامی بزرگ در تحولات سیاسی آینده، در دو هفته گذشته، همچنان به عنوان یکی از موضوعات مورد بحث در جامعه بود.

**جنگ آماری**

مستولان رسمی رژیم کوشیدند با ارایه آمار دستکاری شده تعداد شرکت کنندگان در انتخابات را چند درصدی افزون تر اعلام کنند. وزیر کشور طی مصاحبه ای ضمن تکذیب اطلاعات و ارقام ارایه شده توسط روزنامه ها، اعلام کرد که ۵۶/۹۷ درصد واجدین حق رای در انتخابات شرکت کرده اند. او گفت که ۵۵/۱۹ درصد روستائیان و ۵۸/۴۵ درصد روستائیان واجد شرایط در انتخابات حضور یافته اند. به گفته وی مطابق داده های دفتر آمار اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور، ۳۰

میلیون و ۸۱۱ هزار و ۵۱۰ نفر حق رای داشته اند که رژیم برای ۲۹ میلیون و ۸۱۱ هزار و ۹۱۰ نفر آنها امکان رای دادن فراهم کرده و آمار ۵۷ درصدی وزارت کشور نیز بر پایه رقم اخیر است. در جهت اثبات درستی این ارقام، مستولان رژیم رقمهای جدیدی در مورد نرخ رشد جمعیت اعلام کردند. به گفته وزیر کشور در مصاحبه خود، نرخ رشد جمعیت ۲ درصد بوده است. چند روز پس از این مصاحبه وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نرخ رشد جمعیت را ۲/۳ درصد اعلام کرد. ارایه آمارهای فوق پس از آن صورت گرفت که روزنامه سلام تعداد صاحبان حق رای را بین ۳۳ تا ۳۴ میلیون نفر و تعداد شرکت کنندگان را ۴۹ درصد اعلام نمود. مسئول روابط عمومی مرکز آمار ایران در پاسخ به پرسش این روزنامه اعلام کرد: ما اطلاعات خود را در سالنامه آماری سال ۷۰ بیان کرده ایم و هیچ ادامه در صفحه ۲

### زمینه ها و انگیزه های حمله موشکی آمریکا به بغداد

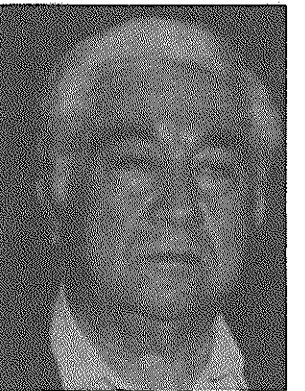
حمله موشکی آمریکا به بغداد در صبحگاه روز شنبه ۵ تیرماه به بازتاب و پرشش های متعددی در عرصه بین المللی انجامید. کاخ سفید در توجیه این اقدام خود سرانه و شبه تروریستی این استدلال را مطرح نمود که گویا در جریان دیدار جرج بوش رئیس جمهور سابق آمریکا از کویت در ماه آوریل گذشته، یک گروه تروریستی از سوی سازمان امنیت بغداد قصد تروری را داشته است.

راست این است که اتهامات وارده به رژیم عراق در هیچ دادگاه صالح بین المللی مورد بررسی قرار نگرفته است و تازه اگر چنین هم میبود، میبایست برای مجازات حکام بغداد مراجع ذیصلاح بین المللی و انهم نخست از مجاری سیاسی وارد شوند. استناد نا بجای آمریکا به اصل ۵۱ سازمان ملل که حق دفاع از خود را در برابر تجاوز و حمله یک کشور بیگانه، برای هر دولتی به رسمیت می شناسد، کمتر توانست در متقاعد کردن مجامع بین المللی و محافل سیاسی جهان به درستی حمله موشکی به عراق موثر افتد. شورای امنیت سازمان ملل که به خواست واشنگتن برای بررسی دلا پل این حمله تشکیل جلسه داده بود، برخلاف انتظار د ولتمردان آمریکا از تایید این اقدام خودداری نمود.

با به قدرت رسیدن کلینتون و حساب بیشتر کاخ سفید بر روی بغداد در فشار آوردن به جمهوری اسلامی، و حفظ موازنه نظامی میان دو کشور از فشار بر رژیم عراق تا حدودی کاسته شد و بر خلاف دوران بوش تهدید های مبتنی بر سرنگونی این رژیم به میزان زیادی کاستی گرفت. این روند چندان خوشایند حکام کویت نبود. از این رو آنها تا کید بر شرکت احتمالی رژیم عراق در طرح تروریسم بوش را به عنوان حربه موثری در تشدید دوباره خصومت میان واشنگتن و بغداد مورد استفاده قرار دادند. کش و قوسهای متعدد کلینتون در عرصه سیاستهای داخلی و خارجی سبب کاهش محبوبیت وی در میان بخشهایی از مردم شده است. پاره ای از محافل سیاسی و رسانه های گروهی آمریکا پیوسته وی را به ضعف رهبری و گسجسری در اداره کشور متهم میکنند. برخورد انفعالی در قبال مسئله بوسنی و هرزه گوین، ناکامی لشکر کشی به سومالی، تعلل در اجرای وعده های انتخاباتی، حمایت اکثریت ضعیفی از نمایندگان کنگره و سنا از برنامه اقتصادی کاخ سفید، حذف بخشی از بودجه ارتش و کاستن از پایگاهها و نیروهای آمریکایی در خارج و ۰۰۰ همه و همه وجهه کلینتون را هم در میان مردم و هم در نزد ارتش و محافل سیاسی خدشه دار ساخته اند. از این رو وی به یک اقدام نظامی و پیر هیا هویت باز داشت تا هم محافل درون ارتش، کنگره و سنا را خشنود کند و هم افکار عمومی را تا حدودی از مسائل داخلی آمریکا منحرف نماید.

گفتن ندارد که حمله موشکی آمریکا به بغداد از تنبیه و توبیخ رژیم عراق فراتر می رود و در عمل حاوی هشدار ای است به جمهوری اسلامی که این روزها به خاطر سستی با غرب، حمایت از گروههای بنیاد گرای افراطی و تروریستی و کوشش در راه دستیابی به جنگ افزارهای هسته ای بیش از پیش مورد تهاجم و فشار آمریکا و دیگر کشورهای غربی قرار گرفته است. به سخن دیگر موشک پرانی به سوی بغداد حاوی این پیام هم بود که اگر حکام تهران از سیاست جاری خود در زمینه های یاد شده دست نکشند از حملات مشابه در امان نخواهند بود. رهبران تهران نیز بلافاصله این پیام را دریافتند و سراسیمه و آشفته به محکوم کردن اقدام ادامه در صفحه ۲

### جنایت تازه بنیاد گرایان اسلامی در ترکیه



عزیزنسن

بنیاد گرایان اسلامی هتل محل اقامت عزیزنسن را به آتش کشیدند

● در این جنایت هولناک، ۴۰ نفر کشته شدند

● خود را از دست دادند

روز جمعه گذشته، مرکز استان سیواس در آناتولی مرکزی ترکیه، شاهد شورش شدید بنیاد گرایان اسلامی بود که در نتیجه آن حداقل ۴۰ نفر کشته شدند و ۱۵۰ نفر زخمی گردیدند. شورش بنیاد گرایان اسلامی در پی سخنرانی عزیزنسن ۷۸ ساله نویسنده مشهور ترک در یک اجتماع فرهنگی صورت گرفت. شورشیان خشم خود علیه عزیزنسن را که از چند هفته قبل دست به انتشار ترجمه ترکی کتاب "آیات شیطان" در یک نشریه چپ بنام "آیدین لیک" زده است، با حمله به هتل محل اقامت او و به آتش کشیدن این هتل نشان دادند. به عزیزنسن آسیبی وارد نیامد ولی ۴۰ تن از مهمانان هتل زنده زنده در آتش سوختند.

طبق اطلاع مقامات امنیتی ترکیه، قبل از وقوع این حادثه هولناک، جمعیت کثیری از بنیاد گرایان اسلامی در حالیکه شدت تحریک شده بودند، بعد از

- بنیاد گرایان اسلامی هتل محل اقامت عزیزنسن را به آتش کشیدند
- در این جنایت هولناک، ۴۰ نفر کشته شدند
- خود را از دست دادند

روز جمعه چهارم تیرماه، کنفرانس حقوق بشر سازمان ملل متحد پس از دو هفته دروین پایتخت اتریش به کار خود پایان داد. در این کنفرانس، پیشرفت هایی در زمینه عمومیت بخشیدن به حقوق بشر برای همه کشورهای عضو سازمان ملل حاصل شد و توافق گردید در این سازمان، یک کمیساری عالی حقوق بشر ایجاد شود.

سند پایانی کنفرانس با عنوان "بیانیه وین" که از سوی نمایندگان ۱۷۱ کشور مورد تصویب قرار گرفت، بر "جهان شمول بودن" حقوق بشر که در آستانه تشکیل کنفرانس مورد انکار برخی از دولت ها نظیر جمهوری اسلامی بود، تاکید دارد. در این بیانیه همچنین آمده است هر فرد حق بهره وری از توسعه را دارد.

تلاش برای تاسیس یک دادگاه بین المللی حقوق بشر و نهاد ضابط آن، در کنفرانس وین به نتیجه نرسید. حتی ایجاد کمیساری عالی حقوق بشر نیز تا آخرین ساعات کنفرانس مورد مخالفت برخی دولتهای سرکوبگر قرار داشت، اما کنفرانس عاقبت مجمع عمومی سازمان ملل را فراخواند با اولویت به ایجاد این نهاد بپردازد.

کنفرانس وین تصمیم گرفت

### کنفرانس جهانی حقوق بشر به کار خود پایان داد

روز جمعه چهارم تیرماه، کنفرانس حقوق بشر سازمان ملل متحد پس از دو هفته دروین پایتخت اتریش به کار خود پایان داد. در این کنفرانس، پیشرفت هایی در زمینه عمومیت بخشیدن به حقوق بشر برای همه کشورهای عضو سازمان ملل حاصل شد و توافق گردید در این سازمان، یک کمیساری عالی حقوق بشر ایجاد شود.

سند پایانی کنفرانس با عنوان "بیانیه وین" که از سوی نمایندگان ۱۷۱ کشور مورد تصویب قرار گرفت، بر "جهان شمول بودن" حقوق بشر که در آستانه تشکیل کنفرانس مورد انکار برخی از دولت ها نظیر جمهوری اسلامی بود، تاکید دارد. در این بیانیه همچنین آمده است هر فرد حق بهره وری از توسعه را دارد.

تلاش برای تاسیس یک دادگاه بین المللی حقوق بشر و نهاد ضابط آن، در کنفرانس وین به نتیجه نرسید. حتی ایجاد کمیساری عالی حقوق بشر نیز تا آخرین ساعات کنفرانس مورد مخالفت برخی دولتهای سرکوبگر قرار داشت، اما کنفرانس عاقبت مجمع عمومی سازمان ملل را فراخواند با اولویت به ایجاد این نهاد بپردازد.

کنفرانس وین تصمیم گرفت

روز جمعه چهارم تیرماه، کنفرانس حقوق بشر سازمان ملل متحد پس از دو هفته دروین پایتخت اتریش به کار خود پایان داد. در این کنفرانس، پیشرفت هایی در زمینه عمومیت بخشیدن به حقوق بشر برای همه کشورهای عضو سازمان ملل حاصل شد و توافق گردید در این سازمان، یک کمیساری عالی حقوق بشر ایجاد شود.

سند پایانی کنفرانس با عنوان "بیانیه وین" که از سوی نمایندگان ۱۷۱ کشور مورد تصویب قرار گرفت، بر "جهان شمول بودن" حقوق بشر که در آستانه تشکیل کنفرانس مورد انکار برخی از دولت ها نظیر جمهوری اسلامی بود، تاکید دارد. در این بیانیه همچنین آمده است هر فرد حق بهره وری از توسعه را دارد.

تلاش برای تاسیس یک دادگاه بین المللی حقوق بشر و نهاد ضابط آن، در کنفرانس وین به نتیجه نرسید. حتی ایجاد کمیساری عالی حقوق بشر نیز تا آخرین ساعات کنفرانس مورد مخالفت برخی دولتهای سرکوبگر قرار داشت، اما کنفرانس عاقبت مجمع عمومی سازمان ملل را فراخواند با اولویت به ایجاد این نهاد بپردازد.

کنفرانس وین تصمیم گرفت

### برگزاری نمایش "هفته قوه قضائیه"

هفته قوه قضائیه از اول تا هفتم تیرماه برگزار گردید. در این هفته مطابق هر سال مسئولین قوه قضائیه جمع شدند و سران حکومت در مورد مسائل قضایی سخنرانی کردند. خامنه ای اظهار داشت که دستگاه قضایی باید با متخلفین بدون ملا حظة موقعیت آنها، برخورد کند و رفسنجانی نیز در مراسم افتتاح چهارمین گرد همایی مسئولین قضایی کشور گفت: بدون یک قضاوت کاملاً صحیح با دیدگاهی اسلامی نباید توقع داشت که جامعه به استحکام و آرامش دست یابد. او افزود که: ما بر اساس اعتقاد دینی خود، غنی ترین منابع را برای امر قضاوت در اختیار داریم. رفسنجانی در این سخنرانی خواستار حمایت های قانونی، سیاسی و مادی برای هر چه بیشتر مستقل شدن قضاوت در کشور شد.

مشکینی رئیس مجلس خبرگان نیز اعلام کرد که بهترین افراد صالح در راس امور حکومتی قوه قضائیه کشور قرار دارند. موسوی تبریزی دادستان کل کشور اظهار داشت که حق شرعی و قانونی متهم را نباید سلب کرد و حضور وکیل برای متهم در دادگاه الزامی است.

در شروع مراسم گرد همایی، شوشری وزیر دادگستری سخنرانی ایراد و اظهار نمود که: ایران تنها کشوری است که با توجه به نسبت جمعیت در مقایسه با سایر کشورها، از آمار و تنوع کمتری از جرایم برخوردار است.

یزدی رئیس قوه قضائیه نیز در آخرین روز مجمع مسئولین قوه قضایی صحبت کرد و از قضات کشور خواست تا با نصب العین قراردادن راهنمایی های خامنه ای و با آگاهی از به ترتیب زیر خواهد بود:

ادامه در صفحه ۲

**در این شماره:**

- دیدگاهها و آماجهای سازمان ————— در صفحه ۶
- درباره سمت گیری اجتماعی برنامه توسعه ————— در صفحه ۶
- پیشنهاد اصلاحی درباره "طرح موازین تشکیلاتی" ————— در صفحه ۶
- بحران در سوسیال دموکراسی اروپا ————— در صفحه ۷

**درباره تغییر کد پستی نشریه "کار"**

به آگاهی خوانندگان گرامی نشریه کار می رسانیم که از اول ژوئیه سال میلادی جاری به دلیل تبدیل کدهای پستی سابق به کدهای جدید در سراسر آلمان، کد پستی قبلی نشریه کار نیز تغییر می کند و از این پس، آدرس جدید به ترتیب زیر خواهد بود:

Ruzbeh  
Postfach 1810  
52020 Aachen  
Germany

## فشار برای تغییر کابینه آینده رفسنجانی افزایش یافت

ادامه از صفحه ۱

خامنه ای بر این وزارتخانه از سوی برخی نمایندگان مجلس مطرح شده است.

شایعات پیرامون تغییرات آتی کابینه، نشانگر آن است که دامنه این تغییرات از آن چه ابتدا تصور میشد گسترده تر است و خامنه ای و همدستان او قصد دارند با توجه به ضعف شدن قدرت رفسنجانی بیش از پیش خواسته های خود را بر او تحمیل کرده و وی را تحت کنترل قرار دهند. نشریه کیهان هوایی در سر مقاله شماره ۹ تیر خود زیر عنوان "گروه های فشار و سرنوش دولت آینده" از فشارهای پشت پرده نمایندگان وابسته به جناحی خاص در مجلس که کار خود را برای تضعیف جایگاه برخی از وزرا در مجلس از چند ماه قبل آغاز کرده اند، ابراز نگرانی نمود. کیهان هوایی از رفسنجانی خواستار قاطعیت در مقابله با این گونه فشارها و تحریرات شد و نوشت: "وزاری باید حذف شوند که تجملگرایی و رادرد دولت تقویت کرده اند نه نیروهای پاینده به ارزشها که از یکسو در قالب تنگ برخورد های جناحی نمی گنجدند و از سوی دیگر نگاه های خارجی در صدد حذف آنها بر آمده اند."

این جنگ پنهانی بین رفسنجانی و گروه های فشار که همان موافقان او در گروه بندی حاکم هستند، مهمترین مشغله حکومتمندان در یکماه آینده خواهد بود. یک واقعیت این است که در این جنگ رفسنجانی در موقعیت تدافعی قرار دارد، اما واقعیت بزرگتر و مهمتر این است که این جنگ در شرایطی که مجموعه "دستگاه قدرت در حاکمیتی شکستنده قرار گرفته است، نیروی تضعیف شده قدرت حاکم را میتواند بازم بیشتر تضعیف کند.

### جنگ بر سر کابینه آینده

در حالیکه انتخابات، موقعیت رفسنجانی را در میان مردم و حکومت تضعیف کرد، جناح بازار و رسالت خود را برای تحمیل خواسته های بیشتر بر رفسنجانی آماده میکنند. محور این فشارها و جدال در گروه بندی حاکم اکنون به ترکیب کابینه آینده منتقل شده است. اما از سخنان نمایندگان مجلس و از جمله رئیس آن پیداست که این تغییرات قطعی خواهد بود. اکنون سخن بر سر حدود این تغییرات است. شایعات گوناگونی در این مورد بر سر زبانهاست. روزنامه سلام در شماره سوم تیرماه خود گوشه هایی از این شایعات را علنی کرد. مطابق این شایعات قرار است حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهور کنار رود و به جای او علی کبرولایی وزیر خارجه فعلی بنشیند. از محمد هاشمی، دکتر هادی و محمد جواد لاریجانی بعنوان جانشینان احتمالی وی نام برده میشود. وزارت کشور از جمله وزارتخانه هایی است که تغییرات در آن قطعی بنظر میرسد. از یانهر، شوشتری، عسکراولادی و حسن روحانی بعنوان کاندیداهای وزارت کشور سخن میرود. از تغییرات احتمالی مهم دیگر تغییرات در وزارتخانه های اقتصادی کشور است که سیاستهای آنان نارضایتیها عمیقی در جامعه به وجود آورده است. شایعات در مورد تغییر وزیر اطلاعات نیز مطرح است. وزارت زیاده در ساختار جمهوری اسلامی دارد، اکنون تحت کنترل رفسنجانی است اما بنظر میرسد رقابتی وی از کنترل او بر این نهاد حساس ناخشنودند. تاکنون در مجلس چند بار ضرورت فرماندهی مستقیم

"مسئله بحث انگیز تبدیل شده است، اختصاص دهد. رفسنجانی در سخنان خود کاهش آزار را کاملاً طبیعی و زوال یک نواخت با مقداری نوسانات قابل توجیه خواند و گفت آرای انتخابات همیشه بین ۱۴ تا ۱۶ میلیون بوده است: "آلته یک کسی ممکن است بگوید رشد جمعیت بوده. البته رشد جمعیت از اول تا بحال بوده. رشد جمعیت یک چیز تازه ای مال این دوران نیست. . . رشد جمعیت همیشه مستهلک شده در این اعداد. وی در تحلیل خود این نکته را کاملاً مسکوت گذاشت که در این انتخابات آرای شرکت کنندگان بیش از ۲۰ درصد در مقایسه با انتخابات قبلی کاهش یافته است. رفسنجانی در ادامه تحلیل خود خاطر نشان ساخت: آنها ای که رای ندادند، سر نخش بیشتر در نقاط و جاهای مسئله دار کشور بود. اگر آمار مقایسه شود بهتر دیده میشود که چه شهرستانهایی بیشتر مسئله دارند. رفسنجانی کسانی را که به وی رای ندادند به بیجه هایی تشبیه کرد که از اورنجیده اند: "من این رای یک مسئله خانوادگی می دانم. در یک خانواده بیجه آدم برنجد یک تصمیم دیگری ممکن است بگیرد. اما این از آدم جدا نمی شود."

رفسنجانی در این سخنرانی بار دیگر نشان داد که نمی خواهد پیام اعتراضی مردم را دریابد و در سیاستهای خود تغییراتی ایجاد کند. او نتایج انتخابات را که برخی از محافل واقع بین تر حکومت "شکستندگی قدرت" در جمهوری اسلامی نامیدند به رنجش فرزندان پدر خانواده تشبیه کرده و ظاهراً امیدوار است و با وانمود میکند که از او فاصله گرفته اند پسویس باز گردند.

کارشناسی بیش از این اطلاعات مطلبی ندارد که در اختیار قرار دهد. به نوشته روزنامه سلام طبق سرشماری سال ۱۳۷۰ مرکز آمار، در مهرماه سال ۷۰ حدود ۳۱/۱ میلیون نفر بالای ۱۵ سال بوده اند. از آن موقع تا کنون حدود ۲/۶ میلیون نفر به این جمعیت اضافه شده و ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر فوت کرده اند. با احتساب اتباع خارجی مقیم ایران و هم چنین ایرانیان مقیم خارج، تعداد واجدین حق رای "بسیار بیشتر از ۳۳ میلیون نفر میشود. ماهیت این "جنگ آماری" و اضافه یا کم شدن چند درصدی به تعداد شرکت کنندگان در این انتخابات، البته نمی تواند واقعیت شکست جمهوری اسلامی را در چهار تغییر سازی سازد، اما در عین حال این "جنگ" نشانگر آن است که حکومت اسلامی تا چه حد در تنگنا مانده که برای اضافه کردن چند درصد به شرکت کنندگان انتخابات به چنین تلاشی دست میزند.

### رفسنجانی: توجیه نشده های من رای ندادند!

کاهش ۵ میلیونی آرای هاشمی رفسنجانی در انتخاباتی که به گفته خود وی به اندازه انقلاب برای او مهم بود، در میان مردم و محافل سیاسی ایرانی و خارجی بعنوان ضربه ای جدی به موقعیت منزلت وی تلقی شده است در حالیکه رفسنجانی در سخن و واکنش خود نسبت به نتایج انتخابات اعلام کرد "مشکل اساسی بازسازی کشور مرتفع شده، در نماز جمعه بعد از انتخابات مجبور شد یکی از خطبه های خود را تماماً به "تحلیل آرای مردم در انتخابات" که به گفته خود وی به یک

## یادداشت

### سازمانهای بین المللی حقوق بشر و جمهوری اسلامی

دومین اجلاس کنفرانس بین المللی حقوق بشر بکار خود پایان داد. گرچه نتایج آن چشمگیر نبود، ولی خصلت عموم بشری و جنبه جهانی حقوق بشر در سطح بین المللی آشکار تر گردید و حقانیت اتخاذ تدابیر لازم توسط مجامع بین المللی برای جلوگیری از نقض حقوق بشر در همه کشورها، پذیرش بیشتری پیدا کرد. در مقابل پیشرفت این روندها، نیروهای بازدارنده هم همچنان ایستادگی میکنند و موانع جدی برای تأمین حقوق بشر بوجود میآورند که میتوان به مقاومت حکومت های توتالیتر و دیکتاتور از یکسو و بهره جویی تعدادی از کشورهای غربی و بویژه آمریکا از مسئله حقوق بشر در جهت مقاصد سیاسی خود از سوی دیگر، اشاره کرد. این موضوع در مورد حکومت اسلامی از حدت بیشتری برخوردار است. رژیم اسلامی با سماجت در مقابل این روندها ایستاده و به عنوان مختلف از اجرای حقوق بشر سر باز میزند.

سران حکومت اسلامی با وجود عدم اعتقادشان به حقوق بشر، صلاح خود را در آن دیدند که در سازمانهای بین المللی حقوق بشر شرکت کنند، آنها بر این نظرند که تحریم این گونه سازمانها، به انزوی بیشتر حکومت منجر میگردد و تریبون آنها در اختیار دیگران قرار میگیرد تا بیشتر علیه رژیم اسلامی بتازند. لذا مصلحت اندیشان رژیم بر آن شدند که از یکسویه فریبکاری توسل جویند و از سوی دیگر با طرح حقوق بشر اسلامی و تمایزات فرهنگی، ملی و مذهبی کشورها بمقابله بین المللی برخیزند.

رژیم اسلامی در تبلیغات خود دو مسئله را علم کرده است: ۱. اسواستفاده کشورهای بزرگ بویژه آمریکا از مسئله حقوق بشر در سخنرانی سران رژیم مرتباً به برخورد های غرب و سازمان ملل متحد نسبت بمسائلی نظیر فلسطین و اسرائیل و بوسنی اشاره میشود. آنها میگویند چرا حقوق بشر در این موارد مطرح نمی گردد و تنها در مورد کشورهایایی که مخالف استکبار جهانی هستند، برجسته میشود. تکیه کلام گردانندگان حکومت آنست که حقوق بشر حربه غرب برای بز انوردن حکومت اسلامی است. دولت های غربی در مقابل استدلالات جمهوری اسلامی پاسخ چندان شایسته و مستدل ندارند. چرا که آنها در خیلی موارد منافع خود را مینا قرار میدهند نه جنبه انسانی و ارزشی موضوع را. بهمین جهت جمهوری اسلامی هم

### برگزاری نمایش "هفته قوه قضائیه"

تمام جوانب امر به پرونده های قضایی رسیدگی کنند. ظاهراً اختصاص یک هفته بعنوان "هفته قوه قضاییه" در رابطه با طرح مسایل قضایی کشور بوده است که از چندین سال قبل متداول شده است. ولی آنچه در سخنرانی سران حکومت مشاهده نمیشود پرداختن به مسائل اساسی قضایی کشور است. آنها تنها به توصیه و نصیحت کلی اکتفا کردند و گویا که جامعه ما با انبوهی از معضلات قضایی مواجه نیست. سالها است که دادگاهها بدون حضور وکیل تشکیل شده است. در حالیکه مجلس شورا حضور وکیل را در دادگاهها اجباری کرده است، اما هنوز هم، این مسئله در مواردی با جرادت نمیداند. سخنان دادستان کل کشور گواه این امر است.

## زمینه ها و انگیزه های حمله موشکی

ادامه از صفحه ۱

آمریکا پرده آختند. تفسیرها و اظهار نظرهای رسمی و غیر رسمی مقامات و محافل سیاسی رژیم جمهوری اسلامی در محکومیت حمله موشکی به بغداد تا جایی پیش رفت که گهگاه رنگ حمایت از رژیم بغداد را به خود گرفت.

اگر پیام جنبی موشک پراتی به بغداد را در ارتباط با تبلیغات سیاسی، روانی و فشارهای اقتصادی غرب بر ایران مد نظر قرار دهیم، باردیگر این واقعیت آشکار میشود که اوضاع پیرامون کشورمان همچنان شدت و حدت بیشتری می یابد. خصمانه تر شدن لحن پاره ای از دولتمداران آمریکا همچون وارن کریستوفر که ایران را یا ضعیف بین المللی خوانده است و یا سخنان مشاور کلینتون در امر خار و میانه د اثر بر لزوم همکاری و هماهنگی بیشتر اروپا و ژاپن با آمریکا در قبال سیاست و اقدامات ناخوشایند جمهوری اسلامی گواهی بر این واقعیت اند.

در واقع چنین بنظر میرسد که با رفع پاره ای ابهامات و تردیدها در سیاست کاخ سفید نسبت به جمهوری اسلامی تنها حجمات و فشارهای سیاسی و اقتصادی غرب علیه این رژیم بیش از پیش افزایش یافته است. اگر در اجلاس سران هفت کشور صنعتی که به زودی در توکیو برگزار خواهد شد، کلینتون در جلب همکاری و اتحاد عمل هم پیمانان آمریکا موفقیت بیشتری بدست آورد، اوضاع پیرامون ایران و آینده مناسبات غرب با رژیم جمهوری اسلامی بازم بحرانی تر خواهد شد.

در چنین هنگامه ای اگر جمهوری اسلامی به سیاست بخردانه و مبتنی بر مصالح ملی رو نیاورد و از ستیز کور و هیستریک با غرب و حمایت از گروه های تروریستی بنیادگرا دست نکشد، زمینه مناسبی برای انزوای بیشتر خود، تشدید فشارهای غرب و احتمالاً تهاجم نظامی خارجی فراهم خواهد آورد. در چنین حالتی امنیت، استقلال و ثبات ایران بیش از پیش در معرض مخاطراتی قرار خواهد گرفت که دود آن بیش از همه به چشم مردم ایران خواهد رفت؛ مردمی که، عملاً از دخالت فعال و آزادانه در سر نوشت خویش محرومند.

## آزار و اذیت زنان شدت گرفت

ادامه از صفحه ۱

حالی که امثال جنتی و عقباتی گستاخانه بسیج و نیروهای انتظامی را به شدت برخورد با مردم دعوت میکردند، آندسته از مقامات رژیم که به عواقب به ستوه آمدن مردم از این همه آزار و اذیت آگاه و از آن بیمناکند، به رویه نسبتاً ملایم بهرچند در حد اظهار نظر - روی آورده اند.

دو هفته پیش زهرا شجاعی مشاور وزیر کشور در امور بانوان در گفتگویی با روزنامه همشهری گفته بود: صحیح نیست جادورا بعنوان یک حجاب اجباری برای آحاد زنان در بیاوریم. وی گفت: مسئولان و افرادی که در زمینه حجاب بانوان تصمیم میگیرند باید قداست و احترام جادورا حفظ کنند زیرا اگر این پوشش را به صورت اجباری در آوریم براحق آن توهین خواهد شد. خانم شجاعی هم چنین گفت: متأسفانه در مورد حجاب اسلامی بعضی سخت گیریهای بیجا و بی رویه صورت گرفته است.

علی خامنه ای نیز که سال گذشته در همین روزها با سخنرانی خود درباره تهاجم فرهنگی دشمن موج آحیای امر بمعروف و نهی از منکر را برآه انداخت، هفته گذشته درد پداریا اعضای ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر از "ظرافت و حساسیت و ظایف این ستاد سخن گفت و بر استفاده از زبان و کلام در این زمینه تأکید کرد. خامنه ای در

حالی که امثال جنتی و عقباتی گستاخانه بسیج و نیروهای انتظامی را به شدت برخورد با مردم دعوت میکردند، آندسته از مقامات رژیم که به عواقب به ستوه آمدن مردم از این همه آزار و اذیت آگاه و از آن بیمناکند، به رویه نسبتاً ملایم بهرچند در حد اظهار نظر - روی آورده اند.

دو هفته پیش زهرا شجاعی مشاور وزیر کشور در امور بانوان در گفتگویی با روزنامه همشهری گفته بود: صحیح نیست جادورا بعنوان یک حجاب اجباری برای آحاد زنان در بیاوریم. وی گفت: مسئولان و افرادی که در زمینه حجاب بانوان تصمیم میگیرند باید قداست و احترام جادورا حفظ کنند زیرا اگر این پوشش را به صورت اجباری در آوریم براحق آن توهین خواهد شد. خانم شجاعی هم چنین گفت: متأسفانه در مورد حجاب اسلامی بعضی سخت گیریهای بیجا و بی رویه صورت گرفته است.

علی خامنه ای نیز که سال گذشته در همین روزها با سخنرانی خود درباره تهاجم فرهنگی دشمن موج آحیای امر بمعروف و نهی از منکر را برآه انداخت، هفته گذشته درد پداریا اعضای ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر از "ظرافت و حساسیت و ظایف این ستاد سخن گفت و بر استفاده از زبان و کلام در این زمینه تأکید کرد. خامنه ای در

## با کمکهای مالی خود

### مارایاری رسانید

## حمله وحشیانه نیروهای انتظامی به روستای "کلیشم" رودبار

مامورین رژیم، روستائیان را که خواهان تامین آب روستایشان بودند به گلوله بستند و ۲ تن را به قتل رساندند

نیروهای انتظامی رژیم با حمله به روستای کلیشم از توابع رودبار ۲ روستایی را به قتل رسانده و چندین نفر را مجروح کردند. این یورش بدنبال اختلاف اهالی این روستا با مقامات محلی بر سر تامین آب روستا اتفاق افتاد.

منابع آب مشروب و زراعی روستای "کلیشم" در جریان زلزله شمال بطور کامل خشک شد. پس از مراجعات مکرر اهالی روستا به ارگانهای محلی، با تایید کارشناسان سازمان آب قرار بر این شد که آب این روستا از چشمه ای واقع در اراضی روستای همجوار خولشکو تامین شود. کارشناسان آب تایید کردند که این تصمیم هیچ گونه تأثیری بر منابع آب روستای خولشکو نمیگذارد. این طرح مورد مخالفت دادستان رودبار که خود آن را امضا کرده بود، قرار گرفت. وی در برابر اعتراض روستائیان کلیشم به سیاست دامن زدن به اختلاف بین دو روستا پرداخت. نمایندگان روستائیان برای حل اختلافات خود به جلسه ای در اداره منابع طبیعی شهرستان رودبار دعوت شدند. پس از اتمام جلسه نمایندگان روستای کلیشم توسط نیروهای انتظامی دستگیر شدند و روستائیان دستگیر شده مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفتند. صفر علی محرابی یکی از

دستگیرشدگان حادثه را چنین شرح داد: "مرا برای بازجویی بردند. یک نفر با لباس شخصی با حضور سرهنگ مرادی غازیانی و سرهنگ دهقانزاده از من بازجویی کردند که یک دفعه سرهنگ مرادی غازیانی چنان به سرو صورتم با مشت زد که من داد و فریاد کردم. مسلسل فحش و ناسزا می گفت. سرهنگ دهقان زاده گفت: پوتین های مرا بیاورید می خواهم بروم روستای کلیشم را بکوبم. بعد ما را بردند بازداشتگاه تاریک و روز بعدش یعنی چهارشنبه ۲۶، ۳، ۷۲ تا ساعت چهارونیم بعد از ظهر ما را بدون آب و غذا نگهداشتند. بعد ما را آوردند کلیشم رها کردند. چند ساعت بعد از دستگیری نمایندگان، روستای کلیشم مورد هجوم نیروهای انتظامی قرار گرفت. هدف این یورش دستگیری فعالین روستا بود که به درگیری بین طرفین انجامید. نیروهای انتظامی به روی روستائیان آتش گشودند. در جریان این حمله ۲ تن کشته و دست کم ۱۲ نفر مجروح شدند.

کنتک بزندی یکی از اهالی بنام حسین نقدی جلو آمد و مانع کار شد که مرا بزنند و اگر حسین نقدی نبود مرا میکشند. علی صادقی که برای شرکت در مراسم ختم یکی از وابستگانش از قزوین به کلیشم رفته بود گفت: نیمه شب خانه دامادم بودم که آمدند دامادم را گرفتند. من گفتم به چه جرمی این آقا را گرفتید. گفت شما چکاره هستید. گفتم من میهمان هستم. گفتند همین را هم بگیرد. مرا هم گرفتند و بردند توی ماشین و به نرده ماشین وانت دستبند زدند و بردند داخل پاسگاه کلیشم چشم های مرا بستند. دستهای مرا دستبند زدند. بعد صدای تیراندازی شروع شد. مردم به اینها حمله کردند. بعد آنها افرادی را که گرفته بودند و در پاسگاه بازداشت بودند بعنوان سپر خودشان در برابر مردم قرار دادند، بلکه وقتی سنگ و چوب پرتاب میکنند به ما میخورد. بعد از این جریان گاز اشک آور زدند. یکی از بازداشت شده ها که چشم هایش را باز کرده بودند، چشم مرا باز کرد و من با دست بسته فرار کردم.

یکی دیگر از ناظران حادثه را چنین تشریح کرد: "در شب حادثه نیروهای نظامی و انتظامی با حدود ۱۵ دستگاه ماشین توپرتا، پاترول که چراغ گردان داشتند و یک دستگاه مینی بوس شیشه بلند وارد محل

## وضعیت فاجعه بار آموزش عالی از زبان مسئولین

اختصاص ۴۰ درصد از سهمیه دانشگاهها به وابستگان رژیم عمده ترین دلیل افت چشمگیر کیفیت آموزش عالی در ایران است

دکتر معین وزیر فرهنگ و آموزش عالی در پاسخ به سوال عباسپور نماینده تهران در مورد افت تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهها در مجلس حضور یافت تا از سیاستهای وزارتخانه خود دفاع کند. وزیر آموزش عالی علل افت کیفیت آموزش عالی را کم سوادی داوطلبان ورود به دانشگاهها، سیاست سهمیه بندی و اختصاص سهم ویژه به خانواده های وابسته به رژیم، مسایل و مشکلات معیشتی و اقتصادی دانشجویان، استفاده بی رویه از استادان دانشگاههای دولتی در دانشگاه آزاد و طرح اعزام ۶ ماهه دانشجویان به جبهه هادر زمان جنگ، نسبت داد و از جمله گفت: استفاده بی رویه از وقت استادان دانشگاههای دولتی بصورت حق التدریس در دانشگاههای غیر دولتی و مشکلات معیشتی اعضای علمی که باعث کاهش کیفیت تدریس و میزان وقت گزاری آنان در دانشگاههای اصلی خودشان میشود، یکی از مشکلات آموزش عالی است. دکتر معین افزود: برای مثال بار اصلی آموزش بیش از ۳۰ هزار دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی و بیش از ۱۴۵ هزار دانشجوی دوره های معادلی که توسط سازمان امور اداری و استخدامی بدون هماهنگی با آموزش عالی کشور مجوز داده شده، عملاً بر دوش اعضای هیئت علمی دانشگاههای دولتی خود ماست. وزیر آموزش عالی علیرغم طرح مشکلات فوق در مجموع از عملکرد وزارتخانه خود دفاع کرد و مدعی ادامه در صفحه ۱۰

## سخنانی که در حاشیه حکومت گفته می شود

مردمی و شخصیتهای مین پرست دهه های گذشته را مورد انتقاد قرار داد. نبوی گفت: "شما ببینید که چطور انقلاب مشروطه را از انقلاب ما گرفته اند. ببینید که چطور نهضت ملی شدن نفت را از انقلاب ما گرفته اند در حالی که انقلاب ما به نظر من، مکمل انقلاب مشروطه است. مکمل نهضت ملی شدن صنعت نفت است، مکمل نهضت ملی ایران است، مکمل ۱۵ خرداد است. حال ما فقط بیائیم و بگوئیم که این انقلاب، آن هم با یک خورده تخفیف فقط با ۱۵ خرداد ارتباط دارد ولی از همه آنها دیگر جداست و ضد همه آنهاست و آنوقت این جنبش ها و این افتخارات ملی را که واقعا پیشینه بسیار مهم و افتخار آمیزی برای ملت ما است، یکسره

بهباد نبوی: چرا پیشینه افتخار آمیز ملتمان را نفی می کنیم؟

بهباد نبوی از مسئولین سابق جمهوری اسلامی در سخنرانی "در سمنیارد کنترشیستی و تجدید حیات فکری، بی اعتنایی و ستیز جمهوری اسلامی نسبت به جنبشهای ملی-



سه سال از فاجعه زلزله مصیبت بار شمال کشوری گذرد. زلزله ای که بیش از ۵۰ هزار کشته برجای نهاد، صد هزار تن را بی خانمان ساخت و صد ها روستا و چندین شهر را ویران کرد. بخش عظیمی از ویرانی ها هنوز برجاست و هزاران هموطن ما چشم به راه بازسازی خانه ها و روستاهای خود مانده اند. آیا این کودکان یار یگر خانه ای خواهند داشت؟

## در حاشیه روستاها

### تلخی شکست

رفسنجانی با همه مهارتی که در بازیگری و تسلط بر خود در کس و قوس حوادث دارد، نتوانست از نتایج انتخابات ریاست جمهوری جا نخورد و تلخی شکستی که هیچ انتظارش را نداشت، به آسانی فرو دهد. در نخستین سخنرانی وی در نماز جمعه پس از انتخاب مجدد به ریاست جمهوری آثار این ضعف و شکست کاملاً هریدا بود. ضعف استدلالهای وی برای توجیه نتایج انتخابات، تنها از شکست و ضعف مفرط موقعیت او در حکومت و در میان مردم حکایت داشت و این - بویژه در این سخنرانی - از چشم هیچکس دور نماند. هر چند او در این سخنرانی با زخم این زرنگی را بخرج داد تا به علی خامنه ای یاد آور شود که او نیز در دور دوم ریاست جمهوری اش ۴ میلیون رأی کمتر از او بود که سرخ همه امور را در دست داشت و خامنه ای حتی زمانی هم که رئیس جمهور بود، نقشی پر دیوار بیش نبود.

### کدام رقم درست است؟

کمیته دولت یا حکومتی را میتوان یافت که برای توضیح یا به واقع برای توجیه سیاست یا سیاستهای معینی به بازی با ارقام نپردازد. لیکن اگر ابتکار در کشورهای پیشرفته یا مهارت و بشکل پیچیده ای صورت میگیرد، در کشورهای جهان سه ناشیانه و غالباً حالت مضحک دارد. آخوند های مانیز از همان اوان جنگ انداختن به قدرت، فراوان از این شگرد استفاده کرده اند و صد البته اغلب هم ناشیانه و عوامانه بوده است. لیکن شاید هیچیک به اندازه آمار مربوط به نرخ رشد جمعیت اینقدر مسخره نبوده است: در فاصله

### ایدز در ایران جدی ترمی شود

با افزایش نسبی شمار بیماران ایدز در ایران، تا بوی سخن گفتن از این بیماری بتدریج در حال شکستن است و رژیم با تکرار اینکه ایدز مختص جوامع غربی است، دیگر قادر به مهار تکرار اینهای عمومی جامعه و ادامه سیاست غیر مسئولانه در قبال سلامت مردم نیست. برگزاری نخستین کنگره بیماریهای آمیزشی در ایران که عمدتاً به بررسی خطرات ناشی از ایدز اختصاص داشت و نیز آغاز تلاش برای جلوگیری از شیوع احتمالی این بیماری را میتوان نشانه ای از برخورد جدی تر نهاد های مسئول در ارتقاء آگاهی جامعه و مصون سازی مردم در قبال ایدز و بیماریهای مشابه دانست. معاون وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سخنرانی خود در کنگره فوق شمار مبتلایان به ویروس ایدز در کل کشور را ۲۲۴ نفر و تعداد بیماران ناشی از این ویروس را ۶۲ نفر اعلام کرده است. وی همچنین از ۴۲ مورد مرگ و میر ناشی از ایدز سخن گفته است. مدیر کل اداره مبارزه با بیماریهای واگیر دار نیز ضمن یک سخنرانی در مراسم افتتاحیه

چهارمین سمینار آموزشی پیشگیری از بیماریهای مسری و بیماریهای ایدز آمار فوق را مورد تایید قرار داده، ولی رقم واقعی افراد مبتلا به ویروس ایدز را سه برابر رقم فوق برآورد کرده است. راست این است که سطح نازل آگاهی عمومی نسبت به بیماری ایدز و جوسازی و تبلیغات منفی رژیم در مورد بیماران ایدز مانع از آن بوده است که همه افراد مبتلا به این بیماری کشف و شناسایی شده و برای درمان آنها چاره اندیشی شود. از این روشمار مبتلایان به ایدز در ایران بسی فراتر از آمارهای رسمی است و کار آگاهگرانه و بهداشتی برای جلوگیری از گسترش آن تلاش و برنامه های جدی تر و وسیع تری را میطلبد. تقریباً همزمان با اجلاس های فوق، کنگره جهانی ایدز نیز در روزهای چهاردهم تا سیزدهم ژوئن در برلین برگزار گردید. در پیوند با این گردهمایی جادارده که یک بار دیگر جنبه های مختلف بیماری ایدز و دستاوردهای نوین دانش پزشکی در مهارت این بیماری را به گونه ای فشرده از نظر خوانندگان گرامی بگذرانیم.

## نتایج ضعیف ایران در دور رفت بازیهای مقدماتی جام جهانی ۹۴

تیم ملی فوتبال ایران با نتایج ضعیف و دور از انتظاری مسابقه های مرحله رفت خود برای راهیابی به مرحله دوم انتخابی جام جهانی ۹۴ را به پایان رساند. این مسابقات بین ۴ تیم ایران، سوریه، عمان و چین تایپه در تهران صورت گرفت. ایران در نخستین مسابقه خود در یک بازی ضعیف و پرانتقاد با تیم عمان صفر بر صفر مساوی کرد. بازی ایران چنان ضعیف بود که مورد اعتراض تماشاچیان قرار گرفت و آنها به تشویق تیم عمان پرداختند. ایران در بازی دوم با نتیجه درخشان ۶ بر صفر چین تایپه را شکست داد و امیدواریهای زیادی را برانگیخت. اما آخرین مسابقه ایران در برابر رقیب اصلی خود سوریه نیز به تساوی یک بر یک کشیده شد. سوریه و عمان هر دو بر چین تایپه غلبه کردند. دیدار این دو تیم نیز مساوی شد. بدین ترتیب در پایان دیدارهای مرحله رفت ایران، سوریه و عمان هر کدام دارای ۴ امتیاز هستند و تیم ایران با تفاضل گل بهتر در صدر گروه قرار داد. اما مسابقات برگشت که در سوریه صورت میگیرد برای ایران بسیار تهدید کننده است. نتایج ضعیف تیم ایران در تهران، صعود تیم ملی به مرحله دوم را در ابهام فرو برده است.

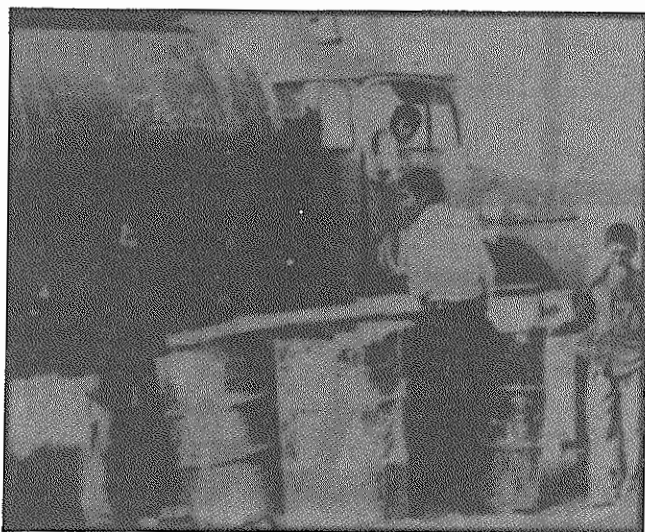
تیم پیروز این مسابقات به جمع تیمهای کره جنوبی، کره شمالی، ژاپن، قطر و عراق خواهد پیوست. از میان این ۶ تیم ۳ تیم برای شرکت در جام جهانی ۹۴ برگزیده خواهند شد.

## از میان رویدادها

### بهای آب هم گران می شود

جلوگیری از کمبود آب اعلام کرده اند. معاون وزیر نیرو در امور آب و فاضلاب شهری هشدار داد در صورت عدم صرفه جویی در مصرف آب تهران دچار کمبود خواهد شد. هرساله با فرارسیدن فصل گرما بسیاری از شهرهای کشور با کمبود آب مواجه میشوند. سال گذشته کمبود آب و قطع پی در پی آن، به ویژه در تهران، مشکلات فراوانی برای مردم ایجاد کرد. در حالیکه سیستم تامین آب در کشور با سخنگوی نیازهای رو به افزایش نیست، مسئولان صرفه جویی در مصرف آب را یگانگانه راه اعلام خواهد شد.

غلامرضا منوچهری، معاون وزیر نیرو در امور آب و فاضلاب شهری هشدار داد در صورت عدم صرفه جویی در مصرف آب تهران دچار کمبود خواهد شد. هرساله با فرارسیدن فصل گرما بسیاری از شهرهای کشور با کمبود آب مواجه میشوند. سال گذشته کمبود آب و قطع پی در پی آن، به ویژه در تهران، مشکلات فراوانی برای مردم ایجاد کرد. در حالیکه سیستم تامین آب در کشور با سخنگوی نیازهای رو به افزایش نیست، مسئولان صرفه جویی در مصرف آب را یگانگانه راه امیدواریهای زیادی را برانگیخت.



در بسیاری از شهرهای ایران، آب هنوز هم به روشهای قدیمی توزیع میشود. صحنه ای از چگونگی توزیع آب در شهرستان دوگنبدان.

### روستائیان کرد عراقی، قربانیان حملات رژیم به کردستان عراق هستند

بر اساس اطلاعات مطبوعاتی دفتر نمایندگی حزب دموکرات کردستان ایران در خارج از کشور، توپ باران بی وقفه مناطق و روستاهای مرزی کردستان عراق توسط نیروهای نظامی رژیم جمهوری اسلامی ادامه دارد. بگفته این اطلاعات، تاکنون مزارع و کشتزارهای وسیعی به آتش کشیده شده و دهقانان کرد عراقی در این فصل برداشت با محصول سوخته

روبرو هستند. بیشترین آسیب به آبادی های منطقه قلعه دزه وارد آمده است. تهاجم نظامی رژیم به مناطق مرزی کردستان عراق که به منظور درهم کوبیدن دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران و پایگاههای آن صورت میگیرد، اکنون سه ماه است که کماکان ادامه دارد.

### آبزیان دریای خزر در خطرند

عدم تعادل و توازن درآمدی اقتصادی را یکی از دلایلی دانست که باعث تشویق افراد و صیادان به صید غیرقانونی آبزیان میشود. به گفته وی بی توجهی به محیط زیست و آلودگی های صنعتی، شهری و کشاورزی تهدید کننده اصلی آبزیان در شمال کشور هستند. سازمان تحقیقات و آموزش شیلات ایران تنها مسئول امر تحقیقات و آموزش شیلات کشور است و حفظ و حراست از دریای آبزیان برعهده نیروهای اجرایی میباشد.

غلامرضا امینی رئیس سازمان تحقیقات و آموزش شیلات ایران اعلام کرد که سیاستهای غیر مسئولانه آبزیان دریای خزر را تهدید میکند. وی به دخالت استانداران و ائمه جمعه در امر صیادی و شیلات به عنوان نمونه ای از این سیاستهای غیر مسئولانه اشاره کرد و گفت: استانداران و ائمه جمعه مجوز غیر قانونی صید ماهی برای اطرافیان خود صادر میکنند. این نوع دخالتهای غیر مسئولانه باعث اضمحلال و از بین رفتن ذخایر دریایی که متعلق به نسلهای آینده است، میشود. وی

### بازار آشفته دارو



در حالیکه مشکل کمبود دارو و گرانی بصورت مشکل لاینحلی درآمده است، مسئولان رژیم به نوبت وعده میدهند که این مشکل به زودی مرتفع خواهد شد. اینبار نوبت به دکتر سعید نمکی معاون بهداشتی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی رسید که وعده دهد: "مشکل کمبود دارو در جامعه به زودی مرتفع میشود. دکتر نمکی در عین حال افزود: نسبت به شاخص های برنامه اول جلوهستیم! مشکل کمبود و گرانی دارو طی ماههای اخیر با دشواری دیگری همراه شده است و آن سرازیر شدن مقادیر فراوانی داروهای غیر

استاندارد به بازار است. تاکنون دهها داروخانه بدلیل عرضه چنین داروهایی که خطرات ناشناخته و بی شماری را برای مصرف کنندگان به همراه میآورند، تعطیل شده اند. آشفتگی شدید در بازار دارو، کمبود و نایابی آن و داروهای ناسالم هرروزه جان بیماران فراوانی را در خطر قرار میدهد. عکس، تجمع مردم در مقابل یکی از داروخانه های تهران نشان میدهد. انبوه مردم برای بدست آوردن داروی مورد نیاز خود باید ساعتها در صف بایستند. هیچ کدام از آنها نمیدانند که آیا موفق به تهیه دارو خواهند شد یا نه؟

## اطلاعاتی در مورد وضعیت روستاهای ایران

به مناسبت هفته جهاد سازندگی روزنامه های کشور گزارشی از وضعیت جامعه روستایی ایران منتشر کردند. و برخی از مشکلات و توسعه سازندگی مشکلات عمران و توسعه روستاها را برشمردند. به گفته معاون عمران و صنایع روستایی وزارت جهاد سازندگی، در سالهای اخیر به طور متوسط سالانه ۳۲ هزار فرصت شغلی در مناطق روستایی کشور ایجاد شده است. به عبارت دیگر، روستاها قادرند سالانه ۱۵۰ هزار نفر از رشد طبیعی جمعیت را در خود نگهدارند (رشد جمعیت روستایی سالانه نزدیک به ۸۰ هزار نفر است). به گفته معاون فوق از ۶۵ هزار روستای کشور در زمان انقلاب تنها ۱۲ هزار روستا از آب آشامیدنی و ۴۳۰۰ روستای کشور از نیروی برق برخوردار بوده اند. در آن زمان ۸ هزار کیلومتر راه روستایی وجود داشته و از هر هزار کودک روستایی ۱۲۰ نفر بدلیل گوناگون از بین میرفتند. طی ۱۵ سال اخیر به بیش از ۲۰ هزار روستا برق داده شده و برای ۱۸ هزار روستا آب آشامیدنی تامین شده است. ۵۱ هزار کیلومتر راه روستایی ساخته شده و تعداد مرگ و میر کودکان به ۳۴ هزار تقلیل یافته است. اما هنوز ۴۰ هزار روستای کشور فاقد برق و ۳۵ هزار روستا فاقد آب آشامیدنی سالم هستند.

## برنج خارجی، بازار برنج داخلی را از رونق انداخته است

وفرانواع برنج های خارجی در مغازه ها و سوپرمارکت های شهرها و روستاهای کشور بازار برنج پر محصول داخلی را از رونق انداخته و تمایل کشاورزان به کشت برنج را کاهش داده است. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در حالیکه انواع برنج تایلندی، امریکایی و پاکستانی به قیمت هر کیلو ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ ریال در سطح خرده فروشی معامله میشود. برنج پر محصول داخلی از جمله آمل ۲، آمل ۳، و هزار کیلویی ۷۰۰ ریال به فروش میرسد.

واردات برنج، برنجکاران ایرانی را با دشواری های بسیاری روبرو کرده است. به گفته کشاورزان شمالی برنجکاران بعضی از کشورها که برنج آنها در بازار داخلی کشور ما به وفور یافت میشود، از واحدهای بزرگ کشاورزی مکانیزه و انواع سوسپسرها برخوردار هستند و در نتیجه محصول ارزانتری وارد بازار میکنند. این در حالیست که کشاورزان برنجکار داخلی با روشهای سنتی خود در قطعات کوچک نمیتوانند در برابر آنان رقابت نمایند.

در گذشته عمده زمینهای زراعی مازندران به کشت برنجهای پر محصول اختصاص داشت، ولی در سالهای اخیر بعلمت مشکلات مختلف و عدم پشتیبانی دولت، از وسعت کشت کاسته شده و بار دیگر کشت انواع ارقام محلی مرسوم شده است. عدم رغبت کشاورزان مازندرانی به کشت برنجهای پر محصول باعث شده است تا اقدامات انجام شده از سوی مراکز تحقیقاتی برنج شمال کشور در جهت معرفی ارقام جدید و پر محصول ناموفق بماند.

## بلیت پروازهای خارجی ۶۴ درصد گران می شود

مدیر عامل هواپیمایی جمهوری اسلامی افزایش بهای بلیت پروازهای خارجی به میزان ۴۶ درصد را مورد تأیید قرار داد. سید حسن شفقتی مدیر عامل "هما" در یک گفتگوی مطبوعاتی با خبرنگاران گفت: افزایش قیمت بلیتهای "هما" مصوبه شورای اقتصاد است و آئین نامه اجرایی آن قرار است توسط سازمان هواپیمایی کشوری وزارت اقتصاد و دارایی تدوین شود. به گفته وی این آئین نامه هنوز به "هما" ابلاغ نشده است، اما به محض ابلاغ قیمت های جدید به مورد اجرا گذاشته خواهد شد.

مدیر عامل هواپیمایی جمهوری اسلامی افزایش بهای بلیت پروازهای خارجی به میزان ۴۶ درصد را مورد تأیید قرار داد. سید حسن شفقتی مدیر عامل "هما" در یک گفتگوی مطبوعاتی با خبرنگاران گفت: افزایش قیمت بلیتهای "هما" مصوبه شورای اقتصاد است و آئین نامه اجرایی آن قرار است توسط سازمان هواپیمایی کشوری وزارت اقتصاد و دارایی تدوین شود. به گفته وی این آئین نامه هنوز به "هما" ابلاغ نشده است، اما به محض ابلاغ قیمت های جدید به مورد اجرا گذاشته خواهد شد.

## هزاران کوچ نشین کرمانشاهی سرگردان مانده اند

سختی راه، جاده و کوههای صعب العبور اکنون به منطقه و دیار خودمان مراجعه کرده ایم، گوسفندان و حیواناتمان بی پناهند، احتیاج به مرع دارند و میبایست مثل سالهای گذشته به مراتع در استان کردستان و یا ایلام مراجعت کنیم. اما مسال سر راه کوچ نشیان در تمامی مناطق مامور گذاشته اند و از حرکت ما جلوگیری میکنند. یکی دیگر میگوید: ۳ نفر از بچه هایمان روی مین رفته اند. شهاب گوسفند هایمان را میزدند، امنیت جانی نداریم، مراتع نداریم، حتی نمیکذارند یک جا اطراق کنیم تا استراحت کنیم. به هر کجا میرویم به ما جواب سربالا میدهند.

هزاران کوچ نشین استان کرمانشاه سرگردان، بی هدف و بدون مرتع، هزاران رأس دام خود را از این سوی شهر به آن سو می کشند. در استان کرمانشاه نزدیک به یک میلیون و پانصد هزار رأس دام و ۱۱۴ پل کوچ نشین وجود دارد که هم کوچ نشینان و هم دامهای آنان در شرایط دشواری گرفتارند. به گزارش یک خبرنگار: اسب و قاطر بی سکتا، هزاران رأس دام که گروه گروه به چوپانها بشارت واگذار شده اند مردانی خسته و زجر کشیده با غمی نمان پست سر آنها و با به پای گله در حرکت به سمت مسیری بی هدف و غمگنانه باندلی پراز شکوایتیه از امور عشایری و دیگر مسئولین، تصویری عمومی از وضع کوچ نشینان استان کرمانشاه است.

یکی از عشایر ایل جمهوری میگوید: ما از منطقه سومار با تمامی

## مخالفت "کمیته بیمه و درمان" با طرح نظام درمان همگانی دولت

"کمیته بیمه و درمان سراسر کشور" که تحت حمایت خانه کارگر میباشد، بدنبال یک گروه همایی با صدور قطعنامه ای عمده ای لایحه نظام درمان همگانی را که از سوی دولت ارائه شده است مورد انتقاد قرار داد و از نمایندگان مجلس خواست این لایحه را "مسکوت" بگذارند. بنظر این کمیته تصویب لایحه فوق موجب از هم پاشیدگی شیرازه سست درمان میشود. در این قطعنامه سازمان تامین اجتماعی بدلیل آنکه تسهیلات مالی تصویب شده توسط شورای عالی تامین اجتماعی را در اختیار بیمه شدگان قرار نداده، مورد انتقاد قرار گرفته است. در قطعنامه هشدار داده شده است: جامعه کارگری مخالفت شدید خود را با دریافت وجهی از آنان تحت هر عنوان اعلام داشته و سازمان تامین اجتماعی میبایستی بعنوان امین بیمه شدگان، سیاست صرفه جویی، برخورد با متخلفین و سوء استفاده کنندگان از دفترچه های بیمه و ارجح دانستن منافع کارگران نسبت به وزارت بهداشت را در سرلوحه برنامه های خود قرار دهد تا این چاه ویل درمان بیش از این سرما به های بیمه شدگان را نیلعد. قطعنامه لایحه نظام درمان را رفع مسئولیت دولت نسبت به مردم نامیده است.

## جامعه ما و مدرنیسم

در شماره ۳۷ ماهنامه "کلک" (فروردین ۷۲) متن مباحثه‌ای به چاپ رسیده که به ابتکار این نشریه میان داریوش آشوری و چند تن از نویسندگان و شاعران معاصر همچون محمد رضا باطنی، بیژن جلالی، بابک احمدی، احمد رضا احمدی، علی اشرف صادقی، ناصر نیرمحمدی، حمید عضدانلو و رامین جهاننگلو انجام گردیده است. در بخش اول این مباحثه آشوری ضمن طرح نظرات خود در باره شکاف بین ما و غرب و یا به عبارت دیگر تاخیر و ناپهنجاری شناخت ما نسبت به دنیای مدرن، از زمینه‌های جهان‌نگر شدن تمدن و ذهنیت عقل‌گرای غرب و چگونگی تبدیل شدن ما به موضوع شناخت غربیان و رابطه و مناسبات ناموزونی که از این رهگذر پدید آمده است، سخن می‌گوید: "این رابطه تعیین‌کننده جایگاه ما به نظر من بسیار مهم است. اینکه آنها در مقام "سوزه رویاروی ما در مقام "ابژه" قرار گرفتند و از آن پس ما برای غلبه بر وضع ابژگی یا شیثیت خود کوشیدیم علم غربی را بگیریم و تبدیل به "سوزه شویم. و هر چه در این جهت پیشتر رفتیم ناگزیر شدیم بیشتر با آنها همانند شویم و با این کوشش است که تاریخ باصطلاح "غربزدگی" ما آغاز می‌شود. مایه آن بستر تاریخی فرهنگی که ذهنیت مدرن از آن برمیخاست تعلق نداشتیم و در نتیجه موانع اساسی روانی فرهنگی مانع از آن بود که ما بر آن چیزهایی که پس پشت مدرنیته قرار داشت، دست پیدا کنیم. ثابت شده است که تکنیک رامی‌شود گرفت، کامپیوتر را هم می‌شود ساخت، ولی آن چیزهایی که پس پشت قضیه است به آسانی دست یافتنی نیست. در نتیجه ما هنوز که هنوز است خودمان را در

برابر آنها به صورت "ابژه" یا شی، نگاه می‌کنیم. همین نگره که مافکر می‌کنیم هر بلایی که به سرمان می‌آید، توطئه آنهاست و اینکه آنها هر لحظه که بخواهند واراده کنند، مثلا "میتوانند یک رژیم سیاسی را ببرند و یک رژیم دیگر را بیاورند، از همین ذهنیت سرچشمه می‌گیرد. " پرسمان غرب زدگی از دهه ۴۰ به این سو یکی از عرصه‌های پژوهش آشوری بوده است. وی علاوه بر نوشتن چندین مقاله در خوراقت‌دار این باره، هم پایه‌ها و مبانی اشتباه کتاب غرب زدگی آل احمد را در دوره رواج و رونق آن به نقد کشید و هم نادرستی اندیشه‌های غرب ستیزانه، باستان پرستانه و گذشته‌گرای شعرهای اخوان ثالث را و ناموده است.

وی در ادامه مباحثه در توضیح "موانع اساسی روانی فرهنگی" مادر راه شناخت مدرنیسم می‌گوید: "یکی از وجوه اساسی نگرش مدرن این است که دنیا و کار جهان را جدی می‌گیرد و انسان در کار این جهان مجاهده می‌کند. به یک نوع TELELOGY یا غایت‌شناسی تاریخی هم باور دارد یا داشته است و باور داشته است که با این کوششها در راه شناخت به سر منزلی میرسیم، این کوششهای عظیم علم در هر زمینه‌ای، این مطالعه سنگ و تپله‌ای، هر چیزی از طبیعت، اینکه زیر میکروسکوپ هر ذره‌ای را مطالعه می‌کند یا با دوربین تمام آسمانها را می‌کاود یا میکروفون در دست تمام زبانها را ضبط می‌کند و چه‌ها و چه‌ها، همه از درون یک نگاه و یک امید انسانی برمی‌آید... اما ما درست متعلق به فرهنگی هستیم که جهان و کار جهان را به هیچ می‌گیرد. این هیچ‌انگاری در ما خود بخود عامل فرهنگی بسیار مهمی است که جهانی‌ا از ارزشها و رفتارها از درون آن بیرون می‌آید. وقتی ما با آن

جدیت و کوشش بی‌امان روبرو می‌شویم، بطبع حکمت "ول کن بابا" و "این نیز بگذرد" نمی‌گذارد با آن همپا شویم و نیز همین ذهنیت و روحیه نمی‌گذارد از ما اجرای گرفتاریهای خود سردر بیاوریم. دکتر علی اشرف صادقی که مجله زیان‌شناسی را در تهران منتشر می‌کند، در برابر نظر فوقی دیدگاه دیگری را مطرح می‌کند و آن اینکه: "اصولا در جامعه ایران یک انقطاع علمی و فرهنگی ایجاد شده، یعنی میشود گفت که بعد از "مغول" این انقطاع به وقوع پیوسته و بعد از آن هیچوقت نتوانسته سر بلند کند. به این معنی که پایه‌های علمی که تا آن زمان بود، آن مدارسی که بود به علت حملات "مغول" و حملات قبل و بعدیش، دیگر نتوانست علم را ادامه دهد، در نتیجه اینها علم در جازد و بعد از قرن هشتم دوران رکود ما است..."

بحث در مورد چگونگی درک و فهم جهان مدرن و تاریخ و فلسفه آن، حاضرین در جلسه راه دو گروه تقسیم می‌کند. کسانی همچون بابک احمدی معتقدند که آشنایی جز به جز و طی مراحل که جهان مدرن طی کرده ضرورتی ندارد و درگیر شدن در بحث اخیر "پست مدرنیسم" که در میان روشنفکران برجسته غرب در زمینه انتقاد به "مدرنیسم" جریان دارد نیز میتواند ما را به شناخت و چندان چون جهان مدرن رهنمون شود: "بحث برای روشنفکر جهان سومی همان است که برای متفکر غربی در جهان پس از مدرنیسم، می‌رسیم: آیا الگوی مدرنیته الگوی درستی بود؟ آیا جهانی که ساخت که در آن گولاگ و آشویتس هم جای گرفت، و در آن کنترل علم از دستمان خارج شد و نیروهای به حرکت درآمد که نتوانستیم همه را

ادامه در صفحه ۸

## دو شعر از حمید رضا رحیمی، برگرفته از کتاب "فانوسی در یاد"

### روابط

جنگل انبوه ابر در میان و جغرافی، در کار اختلال تاریخ. با این همه، خورشید از دوستان قدیمی ست و ماه بانویی ست که هر شب با زنبیلی از خاطره و ترانه و شبم بدیدارم می‌آید...

## روژنه

دل‌امشب صاف است آسمان هم، آرام و هزاران فانوس... \* \* \* باد هم می‌آید و نسیمی زیرک سعی دارد که بفهماند شب مظهر اینهمه تاریکی و دلنگی نیست \* \* \* بگمانم فردا روز خوبی باشد صورت ماه بمن، می‌گوید...

## "معرفی کتاب"

### توضیح درباره "بررسی کتاب"

در شماره پیشین نشریه کار، در نوشته‌ای که به معرفی فصلنامه "بررسی کتاب" اختصاص داشت آدرس این نشریه متأسفانه موقع صفحه بندی حذف شده بود. برای علاقمندانی که می‌خواهند با "بررسی کتاب" ارتباط برقرار کنند، نشانی این فصلنامه را در زیر می‌آوریم:

13327 Washington Boulevard  
Los Angeles, California  
99006 5107 U.S.A

در "معرفی کتاب" نام کتابها، ناشران و اسامی اشخاص به ترتیب حروف الفبایی درج شده است. به گونه‌ای که برای یافتن اطلاعات بیشتر در مورد یک کتاب میتوان به شماره صفحه‌ای که شماره‌اش در جلونام کتاب آمده رجوع کرد و به تاریخ نشر و ناشر آن پی برد. ۳۰ صفحه آخر معرفی کتاب به فهرست نام، اندازه، ناشر و چگونگی انتشار نشریات و مطبوعات خارج کشور اختصاص دارد. برای دریافت "معرفی کتاب" میتوان با نشانی زیر مکاتبه کرد:

M. Mehrabi  
Postfach 102422  
50464 Köln  
Germany

اخیرا کتابی تحت عنوان "معرفی کتاب (مجموعه اول)" منتشر شده است که حاوی نام کتابها و نشریات فارسی منتشره در خارج از کشور ظرف سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۱ می‌باشد. در این کتاب که به کوشش آقای محی‌الدین مجرای تپیه و گردآوری شده، کتابهای فارسی تحت ۸ عنوان کلی کتابشناسی، فهرست، فلسفه، ادیان و مذاهب، علوم اجتماعی، علوم علمی، گاهشماری، هنر، مسائل و ادبیات زنان، فرهنگ، آموزش و پرورش، ادبیات، تاریخ دسته بندی شده‌اند. که هر عنوان خود دارای چندین زیرعنوان است. در کنار نام هر کتاب، تاریخ چاپ و اسم ناشر آن نیز درج گردیده است.

## استالین، سینما و باقی قضایا

زندگی بازمی‌داشت، زیرا پیوسته باید برای اجرای خواسته‌ها و فرامین وی حاضر عراق می‌بودند. وزارتخانه‌ها و همچنین ما تا ساعت دو، سه شب کار می‌کردیم و نزدیکهای سحر عازم خانه می‌شدیم. خود استالین اما تا صبح در اتاق کارش باقی میماند. ف: او چه نوع فیلمهایی را می‌پسندید؟ م: فیلمهای جنایی. در بسیاری از موارد فیلمهایی از این دست را برای وی انتخاب می‌کردیم. بعضی مواقع کوتاه شده برخی از فیلمها که تنها شامل صحنه‌های زد و خورد بودند را جهت ارضای علاقه وی برایش به نمایش می‌گذاشتیم. از فیلمهای ملودرام و سکسی خوش نیامد. یکبار بدون آنکه از وی سوال شود فیلمی با صحنه‌های سکسی برایش به نمایش درآمد که با دیدن یک خانم لخت سخت برآشفته و از کوره در رفت. ف: چه کسی فیلمها را ترجمه می‌کرد؟ م: بولشاکف بدون ترجمه و تنها با توصیف و تفسیر، استالین را در جریان درونمایه فیلمها قرار میداد. استالین از مترجم خوشش نیامد و اصولا از آدمهای جدید و ناشناس هراس داشت. بولشاکف بعضی

سوی آسمان می‌گفتیم که این پیشنهادات از بالا رسیده است، گویی که مستقیما از سوی خدانازل شده باشد. معنی این حرکت پانتومیم برای همه روشن بود. در ابتدا هر کارگردانی برای اولین نمایش فیلمش به حضور استالین میرسید، اما پس از آنکه کوزنیتسوف (کارگردان نامی شوروی-م) در یکی از این نمایشها از هوش رفت، دیگر این کار انجام نگرفت. از آن پس من بعنوان رئیس بخش فیلمنامه نقش اسرار آمیزی میان استالین و دست اندرکاران سینما بازی می‌کردم. ف: استالین در تصحیح و حاشیه نویسی بر فیلمنامه‌ها به چه چیزی توجه بیشتری نشان میداد؟ م: او برای پایان فیلمنامه‌ها اهمیت خاصی قائل بود و اغلب آنها را اصلاح می‌کرد. در مورد نام فیلمها نیز حساسیت و وسواس زیادی داشت. ف: در مورد استالین بعنوان یک تماشاچی چه قضاوتی دارید و اصولا او هر چند گاه فیلم تماشا می‌کرد؟ م: استالین هر هفته دو بار و هر بار یک یا دو فیلم تماشا می‌کرد. نمایش فیلمها معمولا پس از جلسه هیئت سیاسی انجام میشد که معمولا در هنگام بود، ساعت ۱۱ یا ۱۲ نیمه شب. استالین عمدتا شبها کار می‌کرد، که همین امر بسیاری را از

جزیی مربوط میشدند. او حتی ترتیب اسامی هیئت سیاسی را نیز اصلاح مینمود؛ و یا هنگامی که در یک فیلمنامه به نام پوسکریویشف برخورد نمود، در کنار آن نوشت: "منشی رفیق استالین، اوتد کراتش را در حاشیه صفحات مینوشت و در برخی موارد، بویژه در مورد فیلمهای بزرگ برای ارائه پیشنهادات خود از یک کاغذ جداگانه استفاده مینمود. بعضی مواقع حتی در مورد فیلمنامه‌ها نقد هم مینوشت. ف: کارگردانان چگونه از نظرات استالین باخبر میشدند؟ م: فیلمنامه‌ها برای استالین و دریافت آنها به طور مخفی انجام می‌گرفت. بولشاکف (وزیر فیلم شوروی) من را به نزد خود فرا میخواند و میگفت: "فردا به فلان کارگردان تلفن کنید و بگویید که از نظر من فیلمنامه باید در چند جا تغییر کند. اما کارگردانها حدس می‌زدند که تذکرات و پیشنهادات از سوی استالین می‌آید. ما در این باره چیزی بر زبان نمی‌آوردیم و تنها با اشاره به

فرایتاگ" جزئیات بیشتری از دخالت‌های نابکارانه استالین در امور فیلم و سینما را بازگو کرده که اگر برخی از نکات آن هم عاری از حقیقت باشد، باز هم از کراهت و پلشتی دخالت مستبدانه و خور سرانه حکومتها در امر هنر که رژیم جمهوری اسلامی یکی از بدترین نمونه‌های آن در دهه‌های اخیر است، نمی‌کاهد، در زیر این مصاحبه را با اندکی تلخیص می‌خوانیم. فرایتاگ: آیا استالین به فیلم علاقه مند بود و تا چه حد آن را کنترل می‌کرد؟ مریروف: استالین بتدریج سینمای شوروی را تحت کنترل خود درآورد. بدون نظر مساعد استالین هیچ فیلمنامه‌ای تبدیل به فیلم نمیشد و هیچ فیلمی بر پرده سینما نسیرفت. او با دقت ویژه فیلمسازی شوروی را تعقیب می‌کرد و فعالانه در امور سینمایی دخالت می‌ورزید. ف: به طور مشخص دخالت استالین در مسائل و امور سینمایی چگونه بود؟ م: او متن نهایی فیلمنامه‌ها را دریافت می‌کرد و به رغم قرارها و مشغله‌های فراوان آنها را سریع خوانده و موشکافانه مورد بررسی قرار میداد. وی این کار را از همان ابتدای احراز دبیر کلی حزب آغاز

دردوران معاصر پس از هنر تحول اجتماعی و سیاسی، با دمانده نویسی توسط کارگزاران و دست اندرکاران نظام پیشین رواج و رونق ویژه‌ای می‌آید. علت استقبال از این کتابها آن است که خواننده از رهگذر آنها می‌خواهد بداند که گذشته‌اش را چه کسانی و با چه اهداف و انگیزه‌هایی رقم زده‌اند و احتمالا منشأ دگرگونیها و تحولات معاصر چه بوده‌اند. گفتن ندارد که در خواندن چنین کتابهایی باید دقت و هوشیاری ویژه‌ای به خرج داد تا سره از ناسره باز شناخته شود. زیرا معمولا قاعده این است که در این گونه کتابها نویسنده میکوشد تا آنجا که ممکن است از خود سلب مسئولیت کرده و گناه را بیشتر و بیشتر به گردن دیگران و یا یک فرد مشخص بیاندازد و از اینطریق تا حد ممکن از علائق و منافع آنی و آتی‌اش پاسداری کند. این ارزیابی مشمول کتابهای خاطره‌ای که این روزها در روسیه و کشورهای اروپای شرقی انتشار می‌آیند، نیز میشود. اخیرا کتابی با نام "سانسور کرملین" در روسیه انتشار یافته که نویسنده آن گریگوری مریروف میباشد. مریروف در دوران استالین سرپرستی اداره فیلمنامه در وزارت فیلم شوروی را بعد از داشته است. وی در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه آلمانی

## دیدگاهها و آماجهای

### سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در توضیح شورای مرکزی سازمان مندرج در کار شماره ۶۰، پیرامون اسنادی که به کنگره سوم سازمان ارائه می شود، متذکر شدیم که: تدقیق و بازنویسی سند دیدگاهها و آماج های سازمان در دستور بررسی و تصویب شورای مرکزی قرار دارد و پس از تصویب، در نشریه کار چاپ خواهد شد. اینک سند بازنویسی شده که حاوی تغییراتی در اسنادی تا مین رابطه منطقی این سند و دو سند "توسعه" و "خط مشی" است از نظر اعضا و هواداران سازمان می گذرد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از دل جنبش فدائیان خلق که در دهه ۴۰ در پیکار علیه دیکتاتوری شاه با آرمان استقلال، آزادی و سوسیالیسم شکل گرفت، برخاسته است. جنبشی که هدف پایدار آن خدمت به کارگران و زحمتکشان کشور و تأمین آزادی، استقلال و پیشرفت و عدالت اجتماعی بوده است. سازمان مادر طول حیات خود فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر گذاشته، تجارب بسیاری اندوخته و برای تصحیح و تکامل دیدگاهها، برنامه و سیاست خود را به نقد کشیده است. سازمان ما اکنون با درس آموزی از تجارب "انقلاب بهمن" و نقد و مرزبندی یاد دیدگاههایی که منجر به حمایت سازمان از رژیم ولایت فقیه گردید و با بهره گیری از تجارب ناشی از فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم و تحولات چپ در عرصه بین المللی، تلاش میکند برنامه، سیاست و عمل خود را با واقعیات جامعه ما و جهان امروز تنظیم نماید. در دهه اخیر هزاران تن از بهترین فرزندان مردم کشور ما علیه دیکتاتوری و برای آزادی، استقلال، پیشرفت و عدالت اجتماعی و تأمین رفاه زحمتکشان در صفوف سازمان پیکار کرده و رنج ها کشیده و صدها نفر از آنها جان باخته اند. ما سازمان و پیکار آنرا بخشی از جنبش چپ ایران و پیکار تاریخی این جنبش در طول بیش از ۸۰ سال مبارزه در راه آزادی و عدالت اجتماعی می دانیم. ما تاریخ خود را راجع می نویسیم و در راه نوسازی و تکامل مستمر دیدگاههای سازمان میکوشیم.

#### دیدگاهها و آماجها

سازمان ما مداخله حقوق بشر و دمکراسی، توسعه کشور، عدالت اجتماعی و رفاه مردم ایران و خواهان تأمین منافع ملی و استقلال کشور، صلح و ارزش های سوسیالیستی و عموم بشری است. هدف اساسی سازمان ما تأمین پیشرفت و عدالت اجتماعی، رهایی انسان از هرگونه ستم اجتماعی و طبقاتی، تأمین رفاه همگانی و رشد آزادانه و همه جانبه احاد جامعه است. به باور سازمان بنیاد آزادی، آزادی فردی است و فرد باید از حق تعیین سرنوشت برخوردار باشد. ما در راه جامعه ای پیکار میکنیم که در آن تکامل آزاد هر فرد شرط تکامل همگان است. ما حقوق بشر و آزادیهای سیاسی و اجتماعی را جزو ارزش های عموم بشری بشمار آورده و آن را محصول پیکار نیروهای آزادخواه جهان در طی قرنها و مبارزات جنبش کارگری و دمکراتیک در دو قرن اخیر میدانیم.

ما معتقدیم به تحول عمیق فرهنگی در جامعه، طرد سنن و باورهای خرافاتی و عقب مانده و ترویج اندیشه های علمی و فرهنگی پیشرو در کشور هستیم. ما علیه نابرابری حقوق زن و مرد، مردسالاری و ستم ملی،

نژادی و مذهبی، عقیدتی و طبقاتی مبارزه میکنیم. سازمان ما یک سازمان آید نولوژیک یعنی سازمانی که از نظام فکری فلسفی خاصی پیروی میکند، نیست و در تدوین و تنظیم برنامه، خط مشی و امور تشکیلاتی از مجموعه اندیشه و دانش پیشرو و معاصر بهره می گیرد. ما از آزادی افراد در برابر مکتب فلسفی و ادیان و مذاهب مختلف جانبداری می کنیم و از آزادی فعالیت دیگر اندیشان و مخالفین سیاسی دفاع نموده و برای تأمین حقوق دمکراتیک آنها میکوشیم.

سازمان ما حاکمیت و قدرت را ناشی از اراده مردم میدانند و به حاکمیت مردم بر پایه رأی و انتخاب آزادانه در تعیین دولت و به تناوب و انتقال مسالمت آمیز قدرت و به نظام چند حزبی معتقد است.

سازمان ما در چارچوب تحقق این ارزش ها از خواستها و منافع کارگران، زحمتکشان و روشنفکران و همه کسانی که از طریق کار جسمی و فکری گذران میکنند، دفاع میکند. در عین حال ما به اولویت منافع جامعه بر منافع گروه بندی های اجتماعی معتقد هستیم.

ما دمکراسی و عدالت اجتماعی را در پیوند نزدیکی با هم میدانیم. ما مین عدالت پستوانه دمکراسی و مناسبات صلح آمیز در جامعه است و تحقق گسترده عدالت اجتماعی در شرایط وجود و گسترش دمکراسی و حقوق دمکراتیک مردم امکان پذیر است. عدالت اجتماعی بر بستر رشد اقتصادی، رفاه مردم، غلبه بر عقب ماندگی و اعتلا فرهنگی میتواند تأمین شود. ما مین عدالت اجتماعی را روندی طولانی میدانیم و مبارزه در راه تعدیل نابرابریهای اجتماعی و تحقق عدالت اجتماعی را وظیفه دائمی خود میشماریم.

سازمان ما به تأمین منافع ملی و استقلال کشور و پیروزی ایرانی آزاد و مستقل و به شرکت گسترده ایران در روابط بین المللی و برقراری مناسبات با دیگر کشورها در جهان به هم پیوسته کنونی اعتقاد دارد. مبنای برقراری مناسبات با دیگر کشورها، تأمین منافع ملی کشور، اتخاذ تصمیمات مستقلانه و متضمن برابر حقوقی با دیگر کشورها است.

سازمان خواهان صلح پایدار جهانی، زدهایش جنگ از حیات بشریت و خلع سلاح همگانی است. سازمان ما خواستار تضمین حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، استقرار نظم اقتصادی عادلانه و برابر حقوقی در مناسبات بین المللی و امحاء مناسبات نابرابر و غارتگرانه بین شمال و جنوب، پاسداری خردمندانه از محیط زیست در کره زمین، بهره وری دمکراتیک از دستاوردهای علمی و فنی توسط تمام کشورها، القا نژاد پرستی، زدایش فقر و بیسوادی، رعایت بدون قید و شرط حقوق بشر در همه کشورها، زدایش فقر در مناسبات بین انسانها است.

ما مدافع اشکال متنوع همبستگی جهانی در دفاع از صلح، حفظ محیط زیست، مبارزه علیه نظام غیر عادلانه اقتصادی و سیاسی جهان کنونی و در تلاش عمومی برای تحقق دمکراسی و عدالت اجتماعی هستیم.

ما در راه تحقق این ارزش ها پیکار می کنیم و سوسیالیسم را که بیان تجسم چنین ارزش ها و تمایلات انسانی است، آرمان والای خود میدانیم.

## درباره سمت گیری اجتماعی برنامه توسعه

ف. تابان

ملی هیچ گاه نتوانسته است زمینه های عینی و محکمی داشته باشد. تاریخ یکصد ساله اخیر میهن ما در این زمینه نمونه های زیادی دارد. دیرپوز پهلوی ها و سرما به داران وابسته به آنها و امروز فقها و بازاریان و نوکیسه گان و بورکرات های اسلامی بزرگترین خیانتها را به منافع ملی ایران انجام داده اند و همه این خیانتها نیز بنام "منافع ملی" صورت گرفته است. آنچه از اروپا در مورد شکل گیری اراده واحد ملی برای دفاع از منافع ملی مثال آورده میشود، خلاف این ادعاست. در همه جوامع پیشرفته اروپا بی نیز منافع سرمایه داران بزرگ است که در تحلیل نهایی تعیین کننده "منافع ملی" است. تفاوتها بی هست. در اینگونه کشورها بدلا یل بسیار واجه کاهش تضادها می شود و طبقاتی و تأمین نسبی نیازهای عمومی این برتری راحت تر پذیرفته شده است. سبب بر سر آن کمتر است و وجود دمکراسی و نهاد های آن نیز عاملی است در جهت تعدیل این برتری، اما در مواقع بحرانی همواره این منافع است که بنام جامعه سخن میگوید. جنگ خلیج فارس نشان داد که در اروپا و آمریکا چه کسانی به نام ملتها سخن میگویند و "منافع ملی" را تعیین می کنند.

اگر منافع ملی و تفاهم ملی، مفاهیمی است که جهات عمومی آنها در اساس متوجه مقابله با جهان خارج است، تفاهم اجتماعی بیشتر رویه داخل و سازش میان طبقات و گروههای اجتماعی متخاصم دارد. این سازش و تفاهم البته در مواردی شکل می گیرد اما آیا "توسعه" میتواند یکی از این موارد باشد؟

برنامه پیشرفت اقتصادی اجتماعی در هر کشور قبل از آنکه یک کار تخصصی و کارشناسانه باشد، یک سمت گیری اجتماعی معین است. یک برنامه بلند مدت برای سازماندهی جامعه به منظور گذار از یک مرحله تاریخی است. نخستین و کلیدی ترین موضوع در هر برنامه توسعه آن است که منافع کدام نیروهای اجتماعی باید در مرکز توجه قرار گیرد؟ هیچ تجربه ای را در هیچ کشوری توان مثال آورد که جز این باشد. تا کید بر مفاهیمی نظیر منافع ملی، منافع همگانی و نظایر آن نمی تواند پاسخ کامل و واقعی این سوال باشد. زیرا منافع همگانی تعیین کننده مناسبات میان اقشار مختلف جامعه نیست. در جامعه ای که سود یکی در گرسنه نگاه داشتن دیگری است، دستیابی به سمت گیریهای مشترک در مورد توسعه بین این دو کاری است ناممکن و بیهمین جهت است که مدلها و راههای گوناگون توسعه مطرح میشود. این گوناگونی فقط ناشی از برداشتهای متفاوت نیست بلکه سمت گیری های اجتماعی و طبقاتی و منافع مختلفی در آن نهفته است. در جامعه ما تا کنون ۲ مدل رشد از سوی حکومت شاه و جمهوری اسلامی به آزمایش گذاشته شده است. اما هیچکدام از این دو مدل مورد تأیید نیروهای دمکرات نبوده است. یک برنامه توسعه دمکراتیک نیز که هدف خود را دستیابی به عدالت اجتماعی و کاهش تضاد های طبقاتی قرار دهد، نمیتواند پشتیبانی همه اقشار استثمارگر را جلب کند. اما میتواند از پشتیبانی اکثریت

ادامه در صفحه ۸

شورای مرکزی سازمان در ادامه تلاش خود برای تدوین اسناد پایه ای که بتواند اهداف و سمتگیریهای ما را مشخص تر سازد، طرحی را بنام "جهت عمومی برنامه توسعه" انتشار داده است که قرار است در کنگره سوم به تصویب برسد. این طرح علیرغم گوشههای ارزنده ای که برای تهیه آن بکار رفته است دارای نقایص و کمبودهایی است که برخی از آنها را میتوان به حساب شنا بزدگی نوشت و برخی را به حساب پیچیدگی و دشواری موضوع. از جمله این نقایص و کمبودها کم توجهی به لزوم تغییر قدرت سیاسی، کم توجهی به نقش استبداد حاکم و افراط در انتقاد از فرهنگ سیاسی کشور، عدم اشاره به ساختار مختلط اقتصاد توسعه بر پایه بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی و در نتیجه نپرداختن به مناسبات میان این سه، بی توجهی به "جذب تکنولوژی" به مثابه یکی از کلیدی ترین مسائل توسعه، نپرداختن به نقش نفت و جایگاه آن در برنامه توسعه، ناروشن گذاشتن رابطه توسعه کشور با هدف سوسیالیستی و مواردی دیگر را میتوان نام برد.

هدف از نگارش این نوشته پرداختن به همه این موضوعات نیست، که نه در حوصله یک مقاله میگنجد و نه در توان نویسنده این سطور است. این اشاره تنها برای خاطر نشان ساختن این نکته است که طرح پیشنهادی هنوز یک تلاش مقدماتی است و برای تصویب آن به نام سازمان نباید تعجیل کرد. آنچه این نوشته قصد دارد بدان بپردازد، بررسی یکی از بنیادهای ترین اندیشه های طرح شده در "جهت عمومی برنامه توسعه" و نتایجی است که از آن میتوان گرفته شود. این اندیشه، اندیشه "تفاهم اجتماعی" است که طرح مذکور آنرا مترادف با تفاهم طبقاتی و اقشار دمکرات کشور، بلکه به تأکید رفیق بهروز خلیق نویسنده اصلی طرح، تفاهم تمامی اقشار جامعه دانسته و شرط غلبه بر عقب ماندگی کشور اعلام کرده است.

#### درباره "تفاهم ملی" و "تفاهم اجتماعی"

"تفاهم ملی" که تقریباً همه اقشار اجتماعی و بطور مشخص تر احزاب سیاسی خود را بدان دل بسته و متعهد نشان می دهند، در میان این اقشار و طبقات در چند اشتراکاتی را پدید می آورد، اما دارای مفهوم واحدی نیست. در جوامع تقسیم شده به طبقات، "منافع ملی" غالباً بجای آنکه بیان کننده یک هدف و اراده مشترک میان همه مردم و طبقات باشد، به عنوان پوششی جهت دفاع از منافع طبقاتی نیروهای حاکم مورد استفاده قرار گرفته است. این واقعیت است که منافع ملی در مقطعی خاص از تاریخ یک کشور بطور عمدتاً در مواجهه و مقابله با بیگانگان بر ابستی باعث پیدایش اراده مشترکی در کشور میشود. اما چنین مواردی لحظاتی از تاریخ کشورها هستند نه خود تاریخ آنها. چنان منافع ملی که متوجه قدرتمندی، رفاه و سر بلندی یک کشور است، به یکسان مورد توجه نیروهای اجتماعی نیست و بسیار مواردی بوده است که نیروهایی به خاطر حفظ منافع طبقاتی خود با آن دشمنی کرده اند. ایجاد تفاهم عمومی بر سر منافع واقعی

## پیشنهاد اصلاحی در رابطه با طرح موازین مناسبات تشکیلاتی در خارج از کشور

ا. فرهادی

اعضای شورای عالی تعداد باقی مانده از رفقای انتخاب شدگان کنگره و تعداد اعضای تریم شده به کمتر از سه چهارم تعداد تعیین شده توسط کنگره برسد، شورای مرکزی موظف به فراخوانی کنگره است. اعضای شورای عالی در فاصله دو اجلاس مرتباً و مشروحاً از طریق عضو شورای مرکزی مسئول گروه کار مربوطه در جریان کار شورای مرکزی قرار میگیرند. شورای مرکزی مواضع سازمان را در قبال رویدادهای کشور و طرز برخورد با دیگر نیروهای سیاسی را بر پایه مصوبات کنگره تعیین، فعالیت گروه های کار و دیگر ارگانهای سازمان را هدایت و هماهنگ میکند. گروه کار مالی تحت هدایت شورای مرکزی مسئول تنظیم امور مالی سازمان و بکار گیری حسابداری علمی برای ضبط و ربط حسابها و ارائه مرتب گزارش مالی به ارگانهای سازمانی است.

در فاصله بین دو اجلاس شورای عالی مسئولیت کلیه موضع گیریها و فعالیتهای سازمان را بعهده دارد. گروههای کار مجازند همکارانی از بین رفقای داوطلب سازمانی انتخاب کنند. شورای مرکزی مجاز است اعضای همکار گروههای کار را با حق رای مشورتی به اجلاس شورای عالی دعوت کند.

شورای مرکزی در اولین جلسه خود تقسیم کار می کند. مسئولیت هر گروه کار بعهده یک عضو شورای مرکزی میباید. اجلاسهای عادی شورای عالی هر شش تا نه ماه یکبار تشکیل میشود. در صورت درخواست شورای مرکزی یا یک سوم اعضای شورای عالی، این شورا اجلاس فوق العاده برگزار میکند. اجلاس شورای عالی فعالیت شورای مرکزی در همه عرصه های سیاسی، تشکیلاتی و مالی را در فاصله دو اجلاس خود بررسی و کنترل نموده و راسنای فعالیت شورای مرکزی تا اجلاس بعدی شورای عالی را تعیین می کند.

در صورت کاهش اعضای شورای مرکزی، بهر دلیل یا درخواست خود شورای مرکزی، شورای عالی حق تریم و تکمیل اعضای شورای مرکزی را دارد. در صورت کاهش اعضای شورای عالی، بهر دلیل، شورا حق تریم خود را با اکثریت دو سوم آرای یقین اعضای شورا دارد. تریم و تکمیل، بهر تعداد دفعاتی که صورت میگیرد، مجموعاً نباید بیشتر از یک چهارم اعضای انتخاب شده در کنگره را شامل شود. در صورتیکه با وجود حداکثر تریم، مجموع تعداد

کنگره عادی بفاصله دو سال از کنگره قبلی تشکیل میشود.

کنگره فوق العاده به درخواست یک سوم اعضای سازمان، یا شورای عالی تشکیل میشود. اعضای واحد های سازمانی با حق رای مساوی نمایندگان کنگره را انتخاب میکنند.

اعضای شورای عالی و مرکزی بدون انتخاب، مستقیم و با حق رای در کنگره شرکت میکنند. این افراد در انتخاب نمایندگان شرکت نمی کنند. شورای مرکزی شش ماه قبل از تشکیل کنگره نسبت به تعداد نمایندگان کنگره و اعضای تشکیلات را تعیین و به تصویب شورای عالی می رساند.

#### در فاصله دو کنگره

کنگره برای رهبری سازمان تا برگزاری کنگره بعدی، از بین اعضای خود بین پانزده تا بیست و یک نفر را تحت عنوان شورای عالی و از بین اعضای شورای عالی بین پنج تا هفت نفر را تحت عنوان شورای مرکزی برمیگزیند. بقیه اعضای شورای عالی در اولین جلسه شورا در چهار گروه کار - نشریه، روابط عمومی، مالی و تشکیلات - سازماندهی می شوند.

با توجه به شرایط حاکم بر تشکیلات سازمان، من با این نظر که تنها سندی حاوی جهات اساسی مناسبات تشکیلاتی تصویب شود، موافقم. اما حتی در چنین سندی کلی نیز باید به دمکراسی و کنترل ارگانهای اجرایی توجه اساسی مبذول داشت. در حالیکه "طرح" از این نظر کاملاً غیر دمکراتیک بوده شورای مرکزی را در فاصله دو کنگره بدون هیچ کنترلی صاحب اختیار سازمان میدانند. هیچ دلیل و نیت خیر خواهانه نمیتواند توجیه گرایان امر باشد. برای رفع این نقص اساسی پیشنهاد میکنم از بند ۱۳ تا آخری متن پیشنهادی زیر جایگزین شود.

دستگاه رهبری:

#### کنگره

کنگره عالیترین ارگان سازمانی است. کنگره خط مشی، برنامه، اساسنامه و جهات عمومی سیاستهای سازمان را تعیین و تصویب، فعالیتهای سازمان و ارگانهای رهبری آنرا در فاصله دو کنگره مورد بررسی و ارزیابی قرار میدهد و اعضای شورای عالی و مرکزی را برمیگزیند.

# بحران در سوسیال دموکراسی اروپا

ح. بهداد

یکی از شاخص‌های اخیر حیات سیاسی اروپا بحران در احزاب سوسیال دموکرات، ضعف بیش از پیش آنها در ارائه برنامه و کار پای به متناسب با روند های جدید و رویگردانی گاه فزاینده مردم از این احزاب می باشد. اولین نشانه های حادث شدن این بحران در یونان پدیدار گشت. حزب سوسیالیست این کشور پس از ده سال زمامداری، سه سال پیش به دنبال فساد و افقناح مالی با پاندره (نخست وزیر و رهبر حزب) در انتخابات از احزاب راست شکست خورد و از قدرت به زیر افتاد. حزب سوسیال دموکرات سوئد که از سال ۱۹۳۶ به جز در ادواری کوتاه قدرت را در دست داشت، سال پیش به خاطر بحران اقتصادی، افزایش نسبی بیکاری و کاستن از خدمات اجتماعی به انگیزه جذب سرمایه خارجی و عضویت در بازار مشترک اروپا از کسب اکثریت آراء در انتخابات باز ماند و قدرت را به احزاب راست واگذار کرد.

حزب سوسیالیست ایتالیا با صد سال سابقه سیاسی هم اینک در نتیجه رشوه خواری و فساد مالی پستیون کراسی (رهبر حزب) و برخی از یزید پانگان حزبی و نیز به سبب بی برنامهگی در حل بحران اقتصادی و معضل بیکاری در معرض انشعاب فروپاشی قرار گرفته است. سه ماه پیش با استعفای اجباری کراسی، یکی از فعالین اتحادیه های کارگری به نام جرجیونو توتو به جای او برگزیده شد، اما اینک وی با اعلام اینکه حزب سوسیالیست ایتالیا اصلاح ناپذیر نیست و هواداران و کادرهای وفادار به کراسی حاضر به هر گونه تغییر و تحولی در ساختار و برنامه حزب نمیباشند، از رهبری حزب استعفا نموده است. ورشکستگی حزب در نتیجه خروجهای دسته جمعی اعضا و عدم پرداخت حق عضویت ابعاد فاحشی یافته و بدیهیهای آن به حدی است که در صورت تداوم موجودیت حزب نیز به سادگی قابل استهلاک نخواهد بود. در واقع انگیزه بنونیو توتو در کناره گیری علاوه بر آنچه که خود اعلام کرده، همین بدیهیها و مشکلات ملای حزب نیز بوده است. بی برنامهگی حزب در قبال بحران اقتصادی، بیبکاری فزاینده و کسری بودجه دولت نیز سهم بازرزی در فلج شدن نسبی این حزب داشته است. هم اینک جناح چپ و خواهان تغییر رهبری و ساختار حزب از آن بیرون آمده و در پی اتحاد با حزب سوسیالیسم دمکراتیک (حزب کمونیست سابق) می باشد. بخشی از نیروهای بدنه حزب اخیراً در تالشند که خود امر رهبری اصلاحات حزبی را به عهده گرفته و آن را پیش برند.

حزب سوسیالیست فرانسه که دوازده سال پیش در اتحاد با کمونیستها به قدرت رسید، به زودی از متحد خود وایرید و در انجام برنامه ها و قول و قرارهای خود نیز موفقیتی کسب ننمود. بحران اقتصادی، افزایش بیکاری، حذف تأمینات اجتماعی و دوری از اتحادیه های کارگری به ویژه در دوران آخر حکومت سوسیالیستها هم اینک سبب شد که حزب سوسیالیست در انتخابات اخیر تنها ۱۸ درصد آراء را کسب نماید و بدین سان سنگین ترین شکست انتخاباتی دهه های اخیر را متحمل شود. بدنبال این شکست بحران و انشقاق درون حزب که از پیش از انتخابات بالا گرفته بود، شدت بیشتری یافت. لئون فابوس رهبر حزب و از نزدیکان میتران مجبوری استعفا شد و جای خود را به میشل روکار داد که خواهان تغییر آرایش نیروهای چپ و میانه و ایجاد اتحادی از سوسیالیستها، کمونیستها، اصلاح طلب، سبزها و لیبرالهاست. جناح فابوس که به ادامه برنامه و سیاستهای کنونی حزب با بیند است در پی تغییر و تحول اخیر، "رهبری حزب را بیکوت کرده و نلد" از ۲۱ کرسی در رهبری حزب هم اینک تنها ۱۲ کرسی اشغال میباشند. نمایندگان جناحهای دیگر حزبی همچون "سوسیالیستهای چپ" و "یاهواداران زان پیرشوونمان" که برنامه ریزی اقتصادی دولتی و تأکید بر استقلال ملی در برابر روند بیکارچه شدن سرمایه داری اروپا راه برون رفت از بحران میدانند، نیز از همکاری با روکار سرباز زده اند.

بسیارهای از ناظرین سیاسی بعید میدانند که کنگره آتی حزب که قرار است در اول ژوئیه برگزار شود، بتواند به بحران حزب پایان داده و به تجدید سریع حضور فعال آن در صحنه سیاسی بیانجامد. حزب سوسیالیست اسپانیا نیز پس از ده سال زمامداری اینک وارد یکی از بحرانترین دوران حیات خود شده است. بی برنامهگی حزب در قبال دشواریها و معضلات اقتصادی و اجتماعی در پیوند با تنش ها و کشاکشهای درون حزبی از جمله عوامل اساسی این بحران بوده اند. شدت این بحران به حدی است که فیلیپ گونزالس (نخست وزیر و رهبر حزب سوسیالیست) به رغم داشتن اکثریت پارلمانی خواهان برگزاری انتخابات پیش از موعد گردید.

گرچه گونزالس تأکید دارد که علل و عوامل بحران حزب ربط و شباهتی با بحران احزاب سوسیالیست ایتالیا و فرانسه ندارد، لیکن واقعیتها عینی حکایت از آن دارند که همان مجموعه عواملی که در دیگر کشورهای اروپایی منشأ بحران سوسیال دموکراسی شده اند، به ویژه بی برنامهگی در برابر روندها و بحرانهای جدید اقتصادی و فساد مالی و اخلاقی در حیات حزب در مورد سوسیال دموکراسی اسپانیا نیز مصداق دارند.

۲۰ درصد نیروی کار اسپانیا هم اینک فاقد کار است

است و به نتایج انقلاب علمی و فنی مربوط میشود که به جای آزاد کردن بیشتر نیروی کار و تامین فراغت و وقت بیشتر برای کارورزان در جهت رسیدگی به امور معنوی و تفریحی خود، عمدتاً به تشدید بیکاری و ترس از آینده در میان آنها انجام میدهد است. به دیگر سخن با پدید آمدن بحران ساختاری در جوامع غربی دوران اشتغال کامل در آنها به سر آمده و بیکاری فعلی برخلاف بیکاری ادواری با گذار از یک مرحله دوباره جذب فرایند اقتصادی نمیشود. در برخی از کشورها همچون انگلستان، آلمان و فرانسه بخشی از بیکاری ساختاری به بیکاری ماندگاری بدل شده و موجب کاهش مطلق سطح اشتغال در جامعه میگردد. در این میان نظام تأمین اجتماعی نیز پیش از پیش مورد تهاجم سنگین سرمایه داری انحصاری قرار گرفته و میزان کمک به نهادها و بنیادهای کاریابی و آموزش های جدید فنی و حرفه ای پیوسته کاهش می یابد.

یکی از روندهای نسبتاً جدید در جهان سرمایه داری تشدید صد وره چه بیشتر سرمایه به کالا و تبدیل شدن تدریجی قطبهای صنعتی غرب به مراکز فعالیتهای مالی، بانکی و خدماتی می باشد. به دیگر سخن تولید چه بخاطر نیروی کار از ناترووجه برای فرار از مقررات حفظ محیط زیست بیش از پیش به کشورهای پیرامونی منتقل میشود و کشورهای متروپل عمدتاً به درآمد های ناشی از این تولیدات و سود های حاصل از فعالیتهای خدماتی تخصصی در عرصه های همچون بیمه، امور مالی، نرم افزارها و نیز خرید و فروش سهام شرکت ها و کنسرن ها متکی میشوند. هم اینک برخی از صاحب نظران برای نامیدن این روند از اصطلاح "سرمایه داری کازینویی" استفاده میکنند که کنایتی از چند و چون فعالیت بازارهای بورس است. این روند روبره گسترش محللهای کار را پیش از پیش از کارخانه ها به اتاق ها و موسسات انتقال داده و در آمیزش با تومناسیون و بهره گیری بیشتر از دانش انفورماتیک و شبکه های کامپیوتری بیکار شدن بخشهای بیشتری از نیروی کار را موجب خواهد شد. بدینسان قدرت خرید بخشی از جامعه تنزل میابد و بخش دیگری از ترس بیکاری ناگزیر میشود که مشاغل خود را در دوام ننگه داشته و به هنگام تجدید قرارداد های کار از بازار در راه افزایش حقوق و دستمزد بپرهیزد و قسمابه تحمیلات و تضییقات کار فرمایان گردن نهد. همه این عوامل به کاهش توان مالی مردم، کاهش تقاضا، کساد بازارها و تشدید بیکاری و رکود اقتصادی راه میبرند. برای مثال هم اینک تقریباً همه کارخانه های خودروسازی اروپا با کاهش تقاضا دست به گریبانند. کارخانه های معروفی همچون بنز، فولکس واگن، فیات، ولوو... گاه تا ۴۰ درصد از تولیدات خود کاسته اند. این امر به اخراج بخشی از کارگران و باره وقت شدن بخشی دیگر انجامیده است.

کشورهای ثروتمند در حال توسعه نیز که از بازارهای عمده کالا و از موجبات رونق اقتصادی غرب به شمار می آیند نیز به سبب کاهش درآمد های خود (ارز حاصل از نفت، مواد خام و کشاورزی) و افزایش بدیهی بخشی از قدرت خرید خود را از دست داده اند. برای مثال میتوان وضعیت اقتصادی و مالی عراق و یا کشور خودمان را با ۱۰، ۲۰ سال پیش مقایسه کرد. بحرانهای شدید اقتصادی و ناآرامیهای سیاسی و اجتماعی در آمریکای لاتین و آفریقا نیز به کاهش تقاضا و مالا تشدید بحران اقتصادی در غرب کمک کرده اند.

گشایش بازارهای جدید در روسیه و اروپای شرقی (پس از فروپاشی اردوگاه شرق) نیز چندان به واقعیت نیویست. همه این کشورها کم و بیش با بحران اقتصادی و سیاسی فزاینده ای دست به گریبانند. تعطیل بسیاری از کارخانجات چه به سبب فرسودگی و چه به خاطر ناتوانی تولیدات آنها در رقابت با کالا های خارجی به بیکاری گسترده و فراگیر انجامیده که فقر و ناداری و کاهش فاحش قدرت مردم از پیامدهای بارز آن است. افزایش و رقابت و تضاد میان سه قطب عمده صنعتی (ایالات متحده، ژاپن و بازار مشترک اروپا) نیز در تشدید بحران اخیر در کشورهای عمده سرمایه داری بی تأثیر نبوده و نخواهد بود و کشاکش و جالش بر سر امضای مصوبات و دور جدید مذاکرات موسوم به گات (مذاکرات تعرفه و تجارت آزاد بین المللی) که بر کاهش عوارض گمرکی و آزادی هر چه بیشتر تجارت جهانی ناظر است، تا همین اواخر نیز ادامه داشت و تهدید های هر قطب نسبت به قطبهای دیگر در زمینه تحریم کالا ها و تولیدات آنها هنوز هم کماکان ادامه دارد. این تهدیدات اخیراً تا حدودی جنبه عملی نیز یافته اند. بنابه تصمیم دولت آمریکا نهادها، موسسات و شرکتهای این کشور

و بحران ورکود اقتصادی ابعاد فزاینده ای یافته است تا مین نیازهای مالی حزب از راه های نامشروع و غیر قانونی نیز در کنار افزایش ناراضی های مردم از دولت گونزالس از جمله عوامل تشدید بحران درون حزب سوسیالیست بوده اند. این بحران بر بستر تضاد و کشاکش حزب با اتحادیه های کارگری بر سر قانون اعتصابات شدت بیشتری یافته و جناح های معروف به "رادیکال" و "اصلاح طلب" حزب بیش از پیش رودر روی هم قرار گرفته اند. گونزالس، اگرچه جزء اصلاح طلبان بشمار می رود، اما تا چندی پیش توانسته بود با مانور رضایت خاطر هر دو جناح را تأمین نماید، کاری که با تشدید بحران و بی اعتمادی بیشتر "جناح چپ" به گونزالس، دیگر ناشدنی مینماید. گرچه اکثریت مردم اسپانیا در انتخابات اخیر نیز به حزب سوسیالیست رای دادند، اما به باور بسیاری از ناظران این موفقیت بیشتر از آنکه به پذیرفتگی سیاست های حزب در نزد مردم مربوط باشد، از ترس و تجربه تاریخی آنها از راست ناشی میشود. در واقع خاطر تلخ مردم از دوران فرانکو هنوز هم آنها را از اعتماد گسترده به احزاب راست باز میدارد. با اینهمه حزب سوسیالیست که این بار بخشی از آراء خود را از دست داد و دیگر از اکثریت مطلق پارلمانی هم برخوردار نیست، بعید است که بتواند از پس بحرانهای اجتماعی و اقتصادی بر آید و خود را نیز از چنبره بحران برهاند.

حزب سوسیال دموکرات آلمان که اکنون ۱۳۰ مین سالگرد خود را جشن میگیرد نیز وضعیت چندان بهتری ندارد. این حزب از سال ۱۹۸۲ اپوزیسیون قرار داشته و در هر دوره انتخابات کوشیده است از طریق هماهنگی و نزدیکی بیشتر با مواضع نیروهای راست به اکثریت آراء پارلمانی دست یابد، تلاشی که تا کنون ناموفق بوده است.

راست این است که احزاب راست حاکم در آلمان از رفتن به راه تاجرورگان و اجرای سیاستهای نئولیبرالی و شدیداً ضد اجتماعی پرهیز کرده و سیاست معتدل تری را پیش گرفته اند، لیکن با سقوط دیوار برلین و انحلال آلمان شرقی که به توبه خود در برخی زمینه های اجتماعی آلتزنا تپوها و الگوهای مناسبی ارائه کرده بود، هم اینک نیروهای راست با جسارت بیشتری در راه باز پس ستاندن دستاوردهای اجتماعی گذشته تلاش میکنند. سوسیال دموکراتها که خود از نیروهای عمده کسب این دستاوردها بوده اند نیز گام به گام در مقابل این یورش عقب نشسته و به این یان آن نحوه ی حذف آنها رضایت میدهند.

عدم مقابله جدی با حذف بخشی از امکانات بهداشتی و درمانی، گردن نهادن به تجدید حقوق پناهندگی، موضع ناپیگیر در قبال عدم بیکاری ارتش آلمان در نزاعهای سلطه جویانه بین المللی، ستیز خصمانه و انحصار طلبانه با دیگر نیروهای چپ و... از مهمترین تصمیمات و سیاستهای منفی حزب سوسیال دموکرات آلمان در سالهای اخیر بوده اند.

این تصمیمات و سیاستها بر بستر فقدان شخصیت های پر نفوذی همچون ویلی برانت که تا حدودی تعادل را در حزب ثابت نگه میداشت، هم اینک به جالشها و کشاکشهای درون حزبی شدت بیشتری بخشیده است. رهبر سابق حزب که در ضمن نخست وزیر یکی از ایالات آلمان بود، چندی پیش به خاطر کاربست شیوه های نادرست در انتخابات ایالتی مجبوری استعفا شد. چنین استعفایی در حزب سوسیال دموکرات آلمان کمتر سابقه داشته است. پس از این رویداد بر بستر کشاکشها و جدلیهای درون حزبی، بر خلاف دفعات پیشین ورد استانی تأمین دموکراسی بیشتر درون حزبی، بجای یک نفر سه نفر خود را کاندید رهبر حزب کردند. رهبری حزب در یک اقدام بی سابقه تصمیم گرفت که پیش از کنگره همه اعضای حزب در یک همه پرسی نظر خود را درباره کاندید پرترازا ناما یند. بیشتر آراء به نفع کاندید دارای نظرات و دیدگاههای راست به صندوق ریخته شد. وی نیز همچون در رقیب بازنده اش دارای برنامه و سیاست مشخصی برای مرحله فعلی تکامل جامعه آلمان و غلبه بر بحرانهای آن نمیباشد.

راست این است که بحران تنها منحصر به احزاب سوسیال دموکرات اروپا نیست و تقریباً همه احزاب سنتی (چه چپ و چه راست) را در بر گرفته است. در پیدایش این بحران به ویژه در صفوف سوسیال دموکراتها، زمینه ها و دلایل متفاوتی نقش داشته اند که ذیلاً به گونه ای فشرده به طرح آنها میپردازیم:

بحران اخیر در کشورهای سرمایه داری به لحاظ شدت و ابعاد و ماهیت قسماً با همه بحرانهای پس از جنگ جهانی دوم متمایز است. بخشی از این بحران ساختاری

اجازه عقد قرارداد و خرید از کارخانجات و شرکتهای مخا براتی اروپای غربی را ندادند، بازار مشترک اروپا ورود اتوموبیل های ژاپنی را محدود ساخته است و... علاوه بر آن هر کدام از این قطبهای اقتصادی میکوشند با ایجاد بازارهای منطقه ای و فرامنطقه ای حریم خاص خود را بوجود آورده و از نفوذ رقبا به آن جلوگیری کنند. قرارداد اخیر میان آمریکا، کانادا و مکزیک (موسوم به نفتا)، قرارداد ژاپن با کشورهای عضو آسه آن و حوزه اقیانوس آرام، ورود آمریکا به سومالی به قصد حضور فعال و رازمدت در قاره ای که نسبتاً حیات خلوت اروپا به شمار میرفت و... از جمله این تلاشها به حساب می آیند.

این روندها که به سر آوردن گرایش های ناسیونالیستی نژاد پرستانه در اروپا نیز نمادی از آن به شمار می آید، تا حدودی ناقض روند های اصلی دهه های اخیر یعنی درایش به تجارت آزاد بین المللی و کم رنگ شدن قطبهای اقتصادی و به نوعی یاد آور تشدید تضاد میان قطبهای اقتصادی در دوران پیش از جنگ جهانی دوم است. اما با جهانی شدن جریان سرمایه، گسترش بحران محیط زیست که در مرزها نمیگنجد و پیوند خوردن هر چه بیشتر سرنوشت شمال و جنوب، بعید است که روندها و اهرمهای یاد شده پاسخهای مناسبی برای معضلات و ضرورت های نوین باشند.

باری، در مواجهه با بحرانی که جنبه های آن فوقا مورد اشاره قرار گرفت سوسیال دموکراسی اروپا از آمادگی و پیش بینی لازم برخوردار نبود.

انترناسیونال سوسیالیستی در کنگره خود (۱۹۸۹) ضمن اشاره به روندهای فوق راه حل های عمومی را اینگونه جمع می بندد:

در قبال این مسائل اصولی انترناسیونال سوسیالیستی همچون گذشته، دمکراتیزه کردن ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس جهانی را در مقابل خود قرار میدهد. انترناسیونال مبارزه مستقیم به خاطر آزادی، عدالت و همبستگی را با پدیداری عینی به امر صلح و حفظ محیط زیست و رشد و توسعه جنوب در هم می آمیزد. همه این مسائل پاسخ های عام می طلبند و انترناسیونال سوسیالیستی با این اهداف در جستجوی حمایت همه آنها می است که در این اصول و تعهدات باوی شریک و سهم هستند.

اما در عمل کمتر حزبی را در جرگه سوسیال دموکراسی میتوان یافت که این رهنمودها را به طور مشخص و در حیطه فعالیت خود پیاده کرده و از رهگذر ارزیابی و تبادل نظر با سایر نیروهای تحول خواه به برنامه و سیاستی جامع دست یافته باشد. این ضعف در پیوند با دو، سه روند منفی در فعالیت سوسیالیستها هم بحران درون آنها و هم رویگردانی نسبی مردم از آنها را تشدید کرده است:

یکی از ویژگیهایی که در دهه های پیش به محبوبیت سوسیال دموکراتها در میان مردم کمک میکرد، سلامت اخلاقی آنها و دوری از فساد و رشوه خواری بود. اما همانگونه که گفته شد حضور کمابیش پیوسته این نیروها در قدرت و توهم درباره تداوم این وضعیت، آنها را به سوء استفاده از قدرت، فساد و اختلاس و رشوه خواری و... سوق داد. اگر تا پیش از پایان جنگ سرد این انحرافات و تخلفات به خاطر حفظیات سیاسی و عدم سوء استفاده دشمن (اردوگاه شرق) و نیز ملاحظه جناحهای چپ و راست نسبت به یکدیگر و تا به تبعیت نسبی نهاد های قضایی از دستگاههای اجرایی قسماً در برده میماند، هم اینک یک به یک افشا گشته و در جریان قضاوت و افکار عمومی قرار میگیرند.

از دیگر ضعف ها و نارسائیهای سوسیال دموکراسی رابطه آن با قدرت بود. در سه، چهار دهه گذشته هدف عمده و قسماً تنها هدف سوسیال دموکراسی تسخیر قدرت و کم توجهی به وظیفه دفاع از جامعه مدنی و حقوق اجتماعی مردم در بیرون از پارلمان و باتکیه بر بسیجهای توده ای بوده است. در واقع یکی از تمایزات تاریخی چپ و راست همین درک و نگاه نسبت به قدرت، چگونگی رابطه با مردم و به کارگیری نیروی آنها در پیبردن سریعتر اهداف اجتماعی، اقتصادی و... بوده است. سوسیال دموکراسی اروپا در این زمینه تا حدود زیادی به سطح احزاب راست تنزل کرد و فعالیت خود را به حوزه پارلمان (بعنوان اپوزیسیون) و یا در اقدامات و بخشنامه های دولتی (در هنگام قدرت) محدود نمود.

باری همانگونه که پیشتر گفته شد بحران سوسیال دموکراسی در کلیت خود با ذاتی از بحران عمومی جهان و به بن بست رسیدن مدل های مختلف رشد جامعه در دوران معاصر است. این تنها مدل شوروی رشد نبود که به ورطه بحران افتاد و سرانجام با تحریک و تشدید فشار از خارج به نیستی گرا شد، بلکه جهان سرمایه داری نیز چه در مراکز عمده اش و چه در حواشی فقر و فلاکت زده است با بحران بیسابقه ای روبروست. لازمه برون رفت از این بحران نگرشی بازتر به در هم پیچیدگی همه روندهای جهانی، عنایت بیشتر به در هم آمیختگی سرنوشت شمال و جنوب و نیز توجه افزونتر به سعادت و منزلت انسان و زیستبوم اودر متن برنامه ها و کارها به های سیاسی است. چنین مهمی تنها در بر توهم اندیشی، رایزنی و اندیشه مشترک همه نیروهای تحول خواه امکان پذیر است. سوسیال

## درباره سمت گیری اجتماعی برنامه توسعه

ادامه از صفحه ۶

مردم جامعه سواز جمله بورژوازی دموکرات برخوردار باشد. ضرورت تفاهم نیروهای اجتماعی دموکراتیک در این موضوع نه جای بحث است نه محل تردید. زیرا این تفاهم از یک پایه واقعی و محکم برخوردار است. پایه ای که از دبستگی این نیروها به توسعه واقعی و انسانی پر می‌خیزد و آنها را در جهات عمومی به تفاهم می‌رساند. بدون چنین تفاهمی بدیهی است که موفقیت هیچ برنامه ای قابل تصور نیست.

اما مشکل فقط در ایجاد چنین تفاهمی نیست. توسعه انسانی، دشمنی غارتگران و سرمایه داران بزرگ و در کشور ما غارتگرانی همچون سرمایه داری تجاری و نوکسهاگان و بوروکراتهای اسلامی را بر خواهد انگیزد. این نیروها هر چند از نظر کمی زیاد نیستند، اما قدرت اقتصادی مالی و سیاسی عظیمی دارند که غلبه بر آن یکی از مشکلات بزرگ هر برنامه توسعه دموکراتیک است. سلب این امتیازات (سلب قدرت سیاسی و محدود کردن قدرت اقتصادی آنان) از پیش شرطهای توسعه و اقدامات گریزناپذیر برای کسب منابع لازم به منظور پیشرفت‌های بعدی است. اما این نیروها داوطلبانه از امتیازات خود صرف نظر نمی‌کنند.

### لزوم باز تقسیم ثروت‌های ملی و اجتماعی

جهات عمومی برنامه توسعه "خواهان حل مسئله فقر گسترده و تعدیل شکافهای طبقاتی و تامین زندگی انسانی برای زحمتکشان است. اما متأسفانه بدلیل آنکه می‌خواهد در عین حال مدافع تفاهم اجتماعی با همه باقی بماند، پیشنهادهایی که برای حل مشکلات فوق‌ارایه میدهد، پیشنهاداتی کم دامنه و کم اثر است.

سخن اصلی برنامه توسعه این است که برای غلبه بر فقر باید کشور توسعه یابد. این اندیشه درستی است که مبارزه با فقر و گرسنگی و تامین رفاه و عدالت اجتماعی از طریق پیشرفت‌های اقتصادی و صنعتی امکان پذیر است. اما این تنها یکسوی قضیه، هر چند سوی مهم قضیه، است.

روی دیگر سکه آن است که فقر گسترده خود یکی از مهمترین موانع توسعه است. بسته به آنکه توسعه از کدام دیدگاه اجتماعی مورد توجه قرار گیرد، با سخنهای مختلفی به این موضوع داده میشود. آقای رفسنجانی و همکاران وی، تشدید فقر گسترده در جامعه ایران را مانع عمده‌ای در برابر توسعه نمی‌دانند و معتقدند که با دستیابی به پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی این معضل بتدریج بر طرف خواهد شد. در مقابل بسیاری از اقتصاد دانان و نظریه پردازان توسعه در ایران با این ادعا مخالفت و برنامه‌هایی را که به تشدید فقر مردم منجر میشود ضد توسعه میدانند. یکی از دلایل این همان دلیلی است که در جهات عمومی برنامه توسعه "بارها مورد اشاره قرار گرفته اما بدان توجه کافی نشده است. تشدید فقر عامل اصلی بی‌ثباتی و عدم تعادل در جامعه است و بی‌ثباتی و عدم تعادل هر برنامه توسعه را هر قدر هم که واقعی باشد دچار شکست میکند. مبارزه با فقر را نمی‌توان به آینده و توسعه کشور محول کرد. فقر و گرسنگی بهیچ روی تنها نتیجه عقب ماندگی نیست. نتیجه توزیع نابرابر ثروت‌های ملی، نتیجه استثمار و حشیا نه زحمتکشان و توده مردم نیز هست. دست کم در مورد کشوری چون ایران که دارای منابع غنی و ثروت‌های فراوانی است با قوت تمام میتوان ادعا کرد که فقر و فاقه بی سابقه کنونی نه فقط بدلیل عقب ماندن از کاروان توسعه، بلکه بدلیل تقسیم به شدت ناعادلانه ثروت‌های اجتماعی است.

مقایسه کشور ما با کشورهای نظیر بنگلادش مقایسه درستی نیست. بنگلادش که آینده کشور ما را در صورت ادامه وضع موجود به آن تشبیه میکنند، کشوری به راستی فقیر و عقب مانده است. در چنین کشوری حتی اگر توزیع

عادلانانه ثروت‌ها نیز صورت گیرد فقر گسترده باقی میماند زیرا که کشور فقیر و عقب مانده است. اما در مورد ایران چنین نیست. توزیع ناعادلانه ثروت‌ها و تجمع آن در دست عده‌ای قلیل نقش بزرگی در شکل گیری فقر گسترده در کشور ما دارد. باز تقسیم ثروت‌های جامعه و باز گرداندن حقوق به ناحق غصب شده اکثریت مردم به آنان، نه تنها خواست طبیعی و مشروع توده‌های مردم، بلکه گامی بزرگ در مبارزه با فقر، کاهش فاصله‌های طبقاتی و گام‌های بعدی بسوی توسعه است. تصریح این نکته از شاخص‌های یک برنامه اقتصادی - اجتماعی دموکراتیک است که می‌خواهد بطور واقعی در جامعه فقر زدایی کند.

متأسفانه "جهات عمومی توسعه" در این زمینه بهیچ وجه صراحت ندارد و اقداماتی را که بر می‌شمارد بیشتر متوجه آینده است. گویی قرار است برای دستیابی به تفاهم، گذشته و بطور مشخص ۱۵ سال غارت و حشیا نه مردم به فراموشی سپرده شود و به رسمیت شناخته شود. برنامه ما باید به روشنی اعلام دارد که خواهان باز تقسیم ثروت‌های جامعه و دارایی‌های ملی بر پایه عادلانانه است. سیاست‌های مالیاتی و ضوابط کنترلی و نظارتی که در طرح تقریباً بعنوان تنها روشها از آن یاد شده است، نمی‌تواند چنین باز تقسیمی را عملی سازد و بیشتر متوجه آینده است. چرا برنامه ما نباید طرفدار مصدوره ثروت‌ها و سرمایه‌های نامشروع باشد؟ برخورد درست با این مسئله اهمیت تعیین کننده دارد. زیرا به احتمال قوی یک تحول دموکراتیک، جامعه ما را با این موضوع درگیر خواهد کرد و نمیتوان نسبت به آن بی‌تفاوت ماند.

ما باید کوشش کنیم برای باز تقسیم ثروت‌های اجتماعی راه‌هایی هر قدر رمنعطف تر و قابل کنترل تر آرایه دهیم، اما همه تجارب نشانگر آن بوده است که مصدوره‌ها یکی از موثرترین وسیله این باز تقسیم بوده‌اند. مصدوره سرمایه‌ها و ثروت‌های غارتگران و استثمارگران بزرگ، همواره با تأثیرات دوگانه‌ای همراه بوده و اثراتی مختلف بر رشد آن جامعه که از چنین راهی رفته‌اند باقی گذاشته است. در هر جا که جنبش مصدوره‌ای در گرفته علی‌رغم اثرات مثبت خود در ایجاد تعدیل‌های اجتماعی و طبقاتی و فراهم آوردن امکانات بیشتری برای جامعه و دولت، اثرات منفی و مخرب نیز بر جای گذاشته که عمده‌ترین آنها یکی خارج شدن این جنبشها از کنترل و چهارچوب اولیه خود و سوزاندن "تروخسک" با هم و دومی فرار سرمایه‌های بسیار بوده است. در مورد اول هر چند بسیاری عدم کنترل و مهارناپذیری را از ویژگیها و خصایص هر جنبش مصدوره‌ای می‌شمارند، اما چنین نظری اثبات شده نیست. تئوری‌ها، نظرات و اعتقاداتی که به ویژه در کشورهای سوسیالیستی سابق در مورد سوسیالیسم، بورژوازی، خرده بورژوازی و... وجود داشت، عامل تعیین کننده‌ای در آن بود که جنبش مصدوره‌ای یقه هر خرده‌های فقیری را نیز بگیرد. در این زمینه اگر هوشیاری و انعطاف وجود داشته باشد میتوان تعدیل‌های جدی ایجاد کرد. اما در مورد دوم و فرار سرمایه‌ها و سرمایه داران بزرگ متأسفانه چنین است. آنجا که مصدوره وجود دارد. سرمایه‌ها اگر بتوانند می‌گریزند و این برای امر توسعه یک دشواری بزرگ است.

اینجا قبیل از هر چیز سخن از یک انتخاب ناگزیر است. انتخابی که به این نکته بازمی‌گردد: برنامه توسعه می‌خواهد منافع کدام اقشار را مورد توجه قرار دهد و چه نیروهای ای تکاء کند؟ هر تلاشی که برای تعدیل تضاد پیش گفته صورت گیرد به قسمی که سرمایه‌های هر چه بیشتری در خدمت توسعه دموکراتیک کشور قرار گیرند در عین حال باز تقسیم ثروت‌ها هر چه عادلانه‌تر عملی شود و با فقر و گرسنگی مردم مقابله شود، تلاشی قابل تأیید است. اما چنین تلاشی نمیتواند اصل تضاد را که مشخصه مرحله‌ای از توسعه است از میان بردارد. دو

جهت وجود دارد و بین این دو وجهه انتخاب ناگزیر است. چنین انتخابی در عین حال با مسئله دموکراسی و آینده آن پیوندی جدانشدنی دارد.

### دموکراسی در همه جهات

"جهات عمومی طرح توسعه" مدافع توسعه دموکراتیک ایران است. اما متأسفانه چنین بنظر میرسد که در این طرح نیز مانند بسیاری نوشته‌هایی که امروزه آنها موجه ایم مفهوم دموکراسی به طور عمیق مورد توجه قرار نگرفته است. اگر طرح فوق نقطه عزیمت خود را واقعیات جامعه ما قرار داده بود، آنگاه میبایست به بحران کنونی که کشور ما در آن گرفتار است توجه بیشتری میکرد. هیچ برنامه توسعه واقعی نمیتواند به این واقعیت بی‌توجه بماند که جامعه ما با سرعت حیرت آوری در حال تجزیه است. تجزیه به دو قطب فقر و ثروت که فاصله میان آنها به نحوی خطرناک افزایش میابد. اقلیتی همه امکانات جامعه را در دست خود متمرکز کرده و بخشهای بزرگ جامعه را روزی روزگاری محروم تر، تنگدست تر و گرسنه تر می‌سازد. این شکاف عظیم و ناعادلانه به وسیله استبداد مخوفی پاسداری میشود. وضعیت فوق که سالهاست ادامه دارد انرژی عظیمی را در پشت دیوار استبداد ذخیره ساخته که در انتظار ترک برداشتن و فرو ریختن این دیوار است.

اگر زمانی، زمان تحولات دموکراتیک در جامعه ما صرف نظر از شکلی تحقق آن فرارسد این موج عظیم به حرکت در خواهد آمد. به دلیل خواستهای متنوع و بسیار حاد توده‌های وسیع مردم، دموکراسی بهیچ وجه نمیتواند در سطح آزادی‌های سیاسی نظیر آزادی احزاب و مطبوعات باقی بماند. توده‌های تنگدست و فقرزده کار، مسکن، نان و زمین میخواهند. دموکراسی برای آنها حق برخورداری از این نیازهای اولیه است. کاملاً قابل انتظار است که بدنبال یک تحول دموکراتیک جنبشی که هدف آن باز تقسیم مجدد ثروت‌های جامعه است و مصدوره‌ها در آن نقش بارزی دارند بعنوان نخستین و کنش برای دستیابی به خواسته‌های فوق در کشور ما درگیرد. بیرون ماندن یک حزب سیاسی چپ از چنین جنبشی امکان پذیر نیست. یا باید با آن بود، آنگاه به رسمیت شناخت و از این طریق در جهت کنترل جنبه‌های مخرب و ویرانگر آن نیز برآمد و یا در برابر آن ایستاد. متأسفانه در سازمان ما مدت‌هاست که نمی‌خواهیم به این واقعیت بماند بشیم. موضوع مرکزی دموکراسی در جامعه ما لااقل برای یک دوره - چگونگی برخورد به این روند است. طبیعتاً چنین روندی اگر کنترل و هدایت نشود، روندی کور و مخرب خواهد ماند. در اینجا نیز همچون بسیاری دیگر از روندهای اجتماعی با تناقضاتی خارج از اراده ما روبرو هستیم. باید قنایت چنین جنبشی را به رسمیت شناخت و در عین حال در صدد کنترل، مهار و هدایت آن به مجرای صحیح برآمد. این مجرای صحیح نه حرکت از موضع تفاهم اجتماعی با غارتگران محروم مردم بلکه وفادار ماندن به اصل باز تقسیم ثروت‌های جامعه در جهت تعدیل فقر و کاهش تضادهای طبقاتی است.

پیوند عمیق میان آزادی‌های سیاسی و دموکراسی اقتصادی و اجتماعی در تحولات آینده ایران را نباید ناچیز شمرد. آنچه که تهدید کننده تر بنظر میرسد آن است که یک استبداد نوین از سرکوب جنبش‌های توده‌ای که خواستار عدالت اجتماعی و اقتصادی هستند، آغاز کند. چنین خواسته‌هایی در میان جامعه روشنفکری و فعال ایران بهیچ روی شان و ارزش آزادی‌های سیاسی را ندارد. اما یک حزب چپ باید در این مورد دارای موضع روشن طبقاتی باشد. اگر روند باز تقسیم ثروت‌های جامعه و توزیع عادلانه تر درآمدها به سرانجامی نرسد، بسیار نا محتمل است که بتوان به استقرار دموکراسی در جامعه و ایجاد ثبات و تعادلی که طرح به درستی آنها را پیش شرطهای توسعه دموکراتیک خوانده است، امیدوار بود و به طور مطمئنی گام در راه تحقق این هدف والا نهاد.

## بحران در سوسیال دموکراسی اروپا

ادامه از صفحه ۷

دموکراسی که از سقوط نظام شوروی در اروپای شرقی و سرایت بحران به همه احزاب کمونیست سابق قسماً به وجد آمده بود و در سرخیال خالی شدن صحنه از رقیب را می‌پرواند، اینک با واقعیت بحران در صفوف خود و به آخر رسیدن بخش بزرگی از ظرفیتهای و امکانات برنامه‌ها و سیاست‌های پیشین خود روبروست. این تجربه شاید انگیزه‌ای باشد که سوسیال دموکراسی را به مباحثه و رایزنی بیشتر با سایر نیروهای چپ و تحول خواه جامعه و هم کاری و همراهی گسترده‌تر با آنها رهنمون شود.

تجربه بحران عمومی معاصر و نابسامانی در صفوف سوسیال دموکرات‌ها برای نیروهای چپ و ترقی خواه ایران نیز حاوی درس‌های ارزشمندی است. بخشی از چپ ایران پس از شکست تجربه شوروی و اشاعه بحران در احزاب و سازمان‌های کمونیستی سابق راه نجات را در گرویدن به اندیشه‌های ملی‌گرایانه و نفی یکسره پیشینه خود و نیز انکار ضرورت حضور نیروی چپ در جامعه یافت. بخش دیگری از این نیرو که بر تداوم ماندن خود در اردوی چپ اصرار داشت نیز برای معاف کردن خود از آند بشیدن دریدر به دنبال سیستم نظری جامعی در طیف چپ می‌گشت تا آن را جایگزین سیستم نظری پیشین سازد.

این نیرو سوسیال دموکراسی را مطلوب خویش یافت و بدون نظر کردن در تاریخ و شرایط رشد و تکامل آن و نیز بی اعتنا به بحران فزاینده در این جنبش، با همان شور و حرارتی که از نظم فکری پیشین دفاع میکرد به حمایت از سیستم نظری نویافته کمتریست، بحران کنونی اما می‌آموزد که تجویز به ایده‌ها و آندیشه‌های نوین در راه دگرگونی جامعه نه در نفی و تائید جزئی و ناستنجدیه این یا آن نظرگاه فکری و سیاسی، بلکه در آند بشیدن بیشتر، ژرفکاو و فروتر، تبادل نظرهای سازنده تر در سطح جهانی عنایت هر چه بیشتر به واقعیت‌های عینی و مرحله رشد و تکامل جامعه خودی نهفته است.

## سخنانی که در حاشیه ...

ادامه از صفحه ۳

اهمیتی به حرکتش نمیدهد. چرا که می‌خواهیم مثلاً راجع به انقلاب مشروطه صحبت نکنیم. دکتر مصدق یک مصلح اجتماعی بود. درست که خودش هم هیچ ادعایی نداشت و انقلاب بی‌هم نبود. اما یکسری کارهای انقلابی کرد که خیلی از انقلابیون هم چنان کاری نکردند. ما او را بطور کلی حذف کردیم و دیگر شریعتی را هم به همین ترتیب می‌خواهیم چه بگوئیم؟

### عباس عبدی: با یک معتدل باشیم

عباس عبدی سردبیر روزنامه سلام در یک سخنرانی در دانشگاه تبریز، به تشریح افراط و تفریط در سیاست پرداخت. وی ضمن انتقاد، از روشهای برخورد افراطی در روابط فردی، خانوادگی و سیاسی، فقدان پایه تئوریک و دکماتیسیم را مورد نقد قرار داد و گفت: "دکماتیسیم بودن یک ویژگی افراطی است. وقتی انسان دکم باشد و روی یک سری چیزها به شدت ایستادگی کند، وقتی فشار به آن مسایل زیادی شود می‌شکند. وقتی هم که شکست به قول معروف و می‌دهد و بر او یاس متولی میشود. به عقیده وی بین دکماتیسیم و اصولگرایی باید تفاوت قابل شد. وی سرسختی برای تحمیل برخی سلاطین خاص و تغییر برخی از عناصر فرهنگ ملی کشور در طول حکومت جمهوری اسلامی را بعنوان سبب بی‌توجهی به واقعیات زندگی بعنوان یکی دیگر از نشانه‌های افراط نامید و گفت: "آلان پس از یک دهه و نیم از انقلاب شاید بیشتر برای دوستان روشن شده باشد که بعضی واقعیتها در فرهنگ، جامعه و اقتصاد ما است که بدین سادگیها قابل تغییر نیست و اگر ما بخواهیم این واقعیات و مقدرت‌ها را نادیده بگیریم و صرفاً بر اساس آرمانها و اهدافی که در ذهنمان هست تصویر یک جامعه ایده آل را در ذهن بسازیم و بخواهیم پیاده‌اش کنیم، در عمل قطعاً موفق نمی‌شویم." او در ادامه بحث خود روش سیاه و سفید دیدن واقعیات و افراد را نفی کرد و گفت: "بسیار آن هم کمابیش مشکلاتی داشته‌اند، ما که جای خود داریم. وی سپس به تشریح رابطه خشونت با افراط پرداخت و گفت: هر نوع عمل افراطی نوعی خشونت را ملازمه خود دارد و شما هر جا خشونت ببینید در واقع میتوانید بگوئید که ریشه‌هایی از عمل افراطی در آنجا مشاهده میشود. . . اصولاً اصلاح امور اجتماعی با خشونت امکانپذیر نیست. حداقل اصلاح باید از چنین نیست. عبدی در سخنان خود میان رادیکالیسم و افراطی‌گری تفاوت قابل شد و گفت: "الزاماً این طور نیست که مثلاً افراد محافظه کار معتدلند و مثلاً رادیکالها افراطی‌اند. رادیکالیسم میتواند ربطی یا افراطی‌گری نداشته باشد."

## جامعه ما و مدرنیسم

ادامه از صفحه ۵

کنیم و بعد نتوانستیم همه را کنترل کنیم اصلاً جهان خوبی بود؟ اینجاست که بحث از خرد و فلسفه سیاسی فراتر میرود. در این زمینه خاص آزادی، حکومت قانون، برابری شهروندی، دولت استوار به نمایندگی، دولت مسئول در برابر همگان البته مهم است و به یقین خواست سیاسی ماست. اما نکته اینجاست که بحث فراتر از این هم میرود. سویه منفی مدرنیته را باید دید. چون بحران آنقدر عمیق است، آنقدر جهانی است که دیگر ما و آنها نمیشناسد، عقب افتاده و پیشرفته یکسان یا آن روبرو میشوید، ناگزیرند با هم مکالمه، بحث و چاره جویی کنند.

در برابر این نظر برخی از شرکت کنندگان در بحث همچون ون رامین جهاننگلو و ادویش آشوری نظر دیگری دارند. جهاننگلو بر ضرورت شناخت بی‌واسطه مدرنیسم (ونه از نگاه هست مدرنیسم) تاکید کرده و میگوید: "بست مدرنیته را نمیتوانیم مطرح کنیم، مگر آنکه مدرنیته را بشناسیم. ما مدرنیته را هنوز نمیشناسیم و نمیتوانیم هر دو را همزمان بشناسیم، یعنی هم بخواهیم دستاورد های مدرنیته را بشناسیم و به اجرا بگذاریم هم همزمان آنها را نقد کنیم. برای من اولویتی اینجاست وجود دارد، به ویژه در بعد فلسفه سیاسی مدرنیته که بسیار مهم است. . . مسئله دولت مدرن برای ما حیاتی است. مسئله دموکراسی برای ما حیاتی است. بست مدرن‌ها جامعه دموکراتیک غرب را نقد میکنند، ولی ما هنوز به آنجا نرسیده‌ایم و نمیتوان بدون دستیابی به دستاورد های مدرنیته از روی آن جهش کرد. من با شناخت انتقادی موافقم، ولی با جهش عجولانه و فکر نشده مخالفم. . . و آشوری در همین راستا میگوید: "فلسفه در ذات خودش عبارتست از هم سخنی میان فیلسوفان و فرق میکند با علم. علم را مستقل از تاریخ علم میشود آموخت، ولی فلسفه به یک معنا مستقل از تاریخ فلسفه نیست. . . کسی که گوشه‌ای از این گفت و گور خارج از ممتن میشود، نمیتواند به درستی بداند که در این میدان چه گذشته. فلسفه را در متن تاریخ فلسفه هنگامی میشود فهمید که همه عناصر سر جای خود شان و سر تجای درست مکانی و زمانی و در ارتباط منطقی خود شان قرار بگیرند. . ."



## پیرامون انگیزه‌های نشریه "اتحاد کار"

وحید

در شماره ۴۲ نشریه اتحاد کار مقاله‌ای تحت عنوان "اکثریت و یاد بود ۱۹ بهمن؟" چاپ شد. متقابلاً نشریه کار به آن مقاله پاسخ داد. به نشریه کار این انتقاد وارد است که نخواست به انگیزه‌های نشریه اتحاد کار اشاره‌ای بکند.

گردانندگان نشریه اتحاد کار به خوبی میدانند که سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، بخشی از جنبش فدائیان (بخش بزرگ آن) است. نمی‌توان سازمان اکثریت را بر اساس اتخاذ یک خط مشی سیاسی در یک دوه معین از تاریخش از جنبشی کنار گذاشت، که بخشی از اعضای آن جزو نسل نخستین این جنبش بوده‌اند و هم اکنون نیز در صفوف سازمان فدائیان (اکثریت) فعالیت میکنند. سازمانی که همچنان به آرمانهای بنیانگذاران خود یعنی صلح، آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم وفادار است. اتحاد کار سازمان ما را به تحریف تاریخ جنبش فدائیان متهم میکند. باید به گردانندگان اتحاد کار گفت همه میدانند که سازمان فدائیان (اکثریت) چه تاریخی را از سرگذرانده است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) جزو معدود (و شاید هم تنها) جریان‌های جنبش فدائیان است که طی سالهای اخیر صادقانه تلاش کرده است گذشته جنبش فدائیان را آنگونه که هست انعکاس دهد. برای درک این موضوع خوب است که گردانندگان اتحاد کار یک بار دیگر اسناد کنگره

اول سازمان ما و کتاب کنگره (مباحثات کنگره اول) را مطالعه بکنند. ولی خود سازمان فدایی-ایران چگونه به وجود آمد؟ چرا و چگونه از اقلیت انشعاب کردند، به گروه آزادی کار تبدیل شدند و در صدد برآمدند علیه تاریخ ۹۰۸۰ ساله جنبش کارگری در ایران همه چیز را از نو بوجود آورند؟ چگونه به وحدت نافرجام با سازمان فدائیان ایران دست زدند و بالاخره چگونه به سازمان فدایی-ایران تبدیل شدند؟ راستی چرا فداکاران ادعای میرانداری جنبش فدائیان را کرده‌اند؟ موضوع خیلی روشن و واضح است. سازمان فدایی-ایران بحث وحدت با سازمان انقلابی کارگران ایران (راه کارگر) را دارد. یکی از انگیزه‌های اصلی گردانندگان اتحاد کار از نوشتن این مقاله مقابله با هژمونی طلبی راه کارگر می‌باشد. رفقای سازمان فدایی ایران هنوز این واقعیت را نپذیرفته‌اند و یا نمی‌خواهند بپذیرند که در هر حرکت سیاسی و اجتماعی هر نیرویی به اندازه نیروی خود نقش بازی میکند. با توهین و پر خاش به سایرین نه میتوان واقعیت خود را تغییر داد و نه میتوان در واقعیت‌ها تحولی ایجاد کرد.

رفقای اتحاد کار به جاوبی جا تقریباً در تمامی نوشته‌های خود علیه سازمان ما اشاره به نامه‌ای میکنند که یکی از اعضای سازمان ما با امضای شخصی چند سال پیش به جرج بوش رئیس جمهور آمریکا نوشت. رفقای اتحاد کار این

بیرون آید؛ واقعیت‌ها را آنگونه که هست ببیند؛ واقعیت‌ها را با ذهنیت خود تطبیق دادن و بر مبنای آن ذهنیت‌ها حرکت کردن به جنبش چپ آسیبهای فراوانی رسانده است. به آنچه که بر جنبش ما در مقیاس جهانی و داخلی گذشت نظری بیاندازد. تصادفی نیست که روزی به اراده استالین، تروتسکی که از رهبران جنبش چپ روسیه بود از جنبش کنار گذاشته میشود، و روز دیگر رهبر و تئوریسین نامدار جنبش چپ روسیه، بوخارین و رفقای او از جنبش کنار گذاشته میشوند و به تبع آن هزاران کمونیست برجسته و شرافتمندی که از روی جزیره‌های زحمتکش و پیروزی سوسیالیسم نداشتند به چوبه‌های دار آویخته میشوند. یقیناً استالین نیز در آن لحظه که آن تصامیم وحشتناک را میگرفت، اعتقاد راسخی به آنچه که آرمانهای کمونیستی‌اش مینامید داشت و فکر میکرد آنچه که میکند برای تحکیم پایه‌های سوسیالیسم است. تنها چیزی که استالین را واداشت تا واقعیتها را نبیند، منافع حقیقی گروهی خودش بود. آنروز اگر استالین حقایق را آنگونه که بود میدید، یقیناً امروز ویرانه‌های سوسیالیسم و کشورش را کسان دیگری هم چون سران کشورهای امپریالیستی قهقهه سر نمیدادند و جنبش نیز متحمل چنین شکستی نمیشد. گردانندگان نشریه اتحاد کار که مدعی‌اند با استالینسم مرز دارند، در عمل این فاصله را چگونه نشان میدهند؟

## از ایده آلیسم تا واقعیت گرایی

(بیانی مختصر در مورد متدولوژی انسان مصلح)

محمد رضایی

کارا ترو مفید تر استفاده میکرد. در مرحله رفتار عصبانی و سطحی-احساسی انسان مصلح، پاسخ به سئوالات کوتاه و مطلقند. سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی بطور درستی و کلی مورد قضاوت قرار نمیگیرند و این قضاوت به سهولت به انسانهای سهیم در این سیستم‌ها تعمیم داده میشود و به انسانها مارک زده میشود.

انسان مصلح و عدالتخواه از راه تجربه و خطا و با تناسب به قوه تعقل خود، بتدریج پی میبرد که جهان و مکانیزمهای عمل کننده در آن پیچیده تر از آن هستند که بتوان مشکلات و مضامین اساسی موجود در آنرا با پاسخهای کوتاه و ساده حل کرد این پروسه آگاهی مدعاورد و رنج و برای هوانسانی متفاوت است، چه بسات کسانی که هیچگاه خود را از این تعلقات احساسی خود نسبت به قضایای پیشین رها نمیکند و کماکان سحتی صادقانه و با حسن نیت از فرمولهای ساده‌نا کارا دفاع میکنند.

در این پروسه بلوغ بتدریج از بار احساسات تند و برخورد های لحظه‌ای کاسته میشود و با مطالعه نتایج نگاه بسیار درد آور حاصله، انسان به دنبال فرمولبندیهای جدیدی میرود. طبیعی است که در بهترین فرزندان این مملکت جان خود را در حالی از دست دادند که شاید اگر جنبش ما در سطح بالا تری از بلوغ میبود، از آنها بسیار موثرتر،

انگاف بلوغ انسان مصلح وابسته به درجه رشد فرهنگی جامعه‌ای که او خود به آن تعلق دارد، میباشد. عموماً در کشورهای جهان سوم و بویژه در کشورهای آمرانه به شدت در رفتارهای گوناگون جامعه، از محیط خانواده تا مدرسه و کار و دانشگاه اعمال میشود، فرآیند بلوغ شخصیتی انسانها نسبتاً به کندی و همراه با فراز و نشیبهای عمیق به پیش میرود. طبیعتاً انسان مصلح نیز با همین کمپلکسهای شخصیتی به جنبش ترقیخواهانه میپیوندد و اینگونه تربیت اجتماعی تأثیر خود را بر اسلوب نگرش او میگذارد.

بت سازی از رهبران سیاسی که در تمام سازمانهای سیاسی ایران رایج بوده و هنوز هم متأسفانه نسبتاً رایج است و دفاع از فرمولبندیهای از پیش تعیین شده و غیر قابل تغییر، خود ریشه در تربیت فرهنگی و اجتماعی ما دارد. کم نبودند افراد انقلابی و جسور و حتی زندان رفته‌ای که در مقابل رهبران حزب توده زانوی عبودیت به زمین میزدند و به خود اجازه هیچگونه انتقادی نسبت به آنها را نمیدادند. (۳)

جهان مرتباً در حال دگرگونی و تکامل، وظایف مرتباً نو را در پیش پای انسان، ترقیخواه قرار میدهد که انجام آنها تنها با ذهن انتقادی میسر است. انسانی که مرتباً شالوده و شاخص‌های ارزشی خود را مورد بررسی قرار نمیدهد و دارای قابلیت

تصویر زبانی تولد و حیات چریکها را متوان از زبان رحمان هاتنی (حیدر مهران) در مقدمه کتاب "تاریخ حزب توده ایران از آغاز تا ۱۳۵۷" خواند.

کتابی که به فیلم سفر سنگ از مسعود کیمیائی

اینکه آنها اکثر انسانهای نیک سرشت و ترقیخواهی بودند دلیل اسطوره سازی از آنها نمی‌شد.

## استالین، سینما و باقی قضایا

ادامه از صفحه ۵

دفاع در دوران خروش و شرف (م) را در فیلم ببیند.

ما بخاطر عدم ستایش کافی از استالین در فیلمها پیوسته زیر فشار وی بودیم: "اینجا از من خوب ستایش نشده، آنجا نقش من ناچیز جلوه داده شده... ما میبایست در این فیلمها وی را بعنوان یک طراح نظامی بزرگ نشان دهیم. فیلمهای مستند را او به تنهایی تمام میکرد و هنگامی که سربازان در فیلم برای استالین فریاد و هلهله سر میدادند، او سخت به وجد میآمد.

در باره ضرورت ساخت فیلمهایی که باید از استالین ستایش میکردند، خود وی تصمیم میگرفت. فیلمهای بسیاری ساخته شدند که تعدادی از آنها مثل "نوربر فراز روسیه" (ساخته یوتوکیچ) که در باره گسترش شبکه برق رسانی در روسیه بود مورد قبول استالین قرار نگرفتند. وقتی استالین این فیلم را دید با ناخشنودی از آن بعنوان یک خطای سیاسی یاد کرد، چرا که خود استالین در آن حضور نداشت و در عوض لنین به عنوان پدر برق رسانی به روسیه مورد ستایش قرار میگرفت. برای جلوگیری از بیگانگی شدن فیلم ما یکسال تمام در آن دستکاری کرده و صحنه‌های جدیدی را به آن اضافه نمودیم؛ اما باز هم مورد پسند استالین واقع نشد. برعکس فیلم "سقوط برلین" (که در پایان آن استالین با جامه سفید به شکلی خدایی ظاهر شده و پیام صلح و خرد را به گوش جهانیان میرساند. م) سخت طرف توجه وی قرار گرفت.

ف: برخورد استالین با فیلمهای موسیکال شوروی، برای مثال ساخته‌های پر یوف و الکساندروف چگونه بود؟

م: استالین از این گونه فیلمها بسیار لذت میبرد و الکساندروف در نزد او کارگرانی محبوب و تراز اول بود. علاقه استالین به این گونه فیلمها محدود و مرزی نداشت، به گونه‌ای که این فیلمها و بویژه فیلم "ولگا، ولگا" را چندین بار تماشا کرد. او بعداً برای مهمانان بلند پایه، همچون روسای کشورهای رهبران احزاب نیز این فیلم را به نمایش میگذاشت و هر صحنه را پیشاپیش برای آنها بازگو میکرد. در واقع او اقتدار این فیلم را تماشا کرده بود که از الف تالی آن را از سر میدانست. یکبار، هنگامی که هوپکینز نماینده روزولت برای گفتگو درباره امور متفقین به کرملین آمده بود، استالین دستور داد که ما یک صحنه خوب از فیلم "ولگا، ولگا" تهیه کرده و بعنوان هدیه برای روزولت به او بدهیم. هوپکینز به خود اجازه نداد که درباره حکمت هدیه یک فیلم موسیکال به رئیس جمهور آمریکا از استالین سوال کند و استالین هم توضیحی در این باره نداد و تنها خواست که هدیه به روزولت برسد.

هنگامی که هدیه به کاخ سفید رسید، فوراً روزولت، چند تن از مشاوران سازمان سیا و ارتش و کارشناسان دیگر به تماشای آن نشستند. در کاخ سفید تصویر بر آن بود که فیلم احتمالاً حاوی پیام رمز آمیزی است. اما از تماشای فیلم کسی چیزی دستگیرش نشد؛ برخی ها حدس و گمان‌هایی را مطرح کردند، لیکن همه آنها بی اساس بود.

بر گرفته از هفته نامه آلمانی "فرایتاگ" ۱۲-مارس

مواقع درونمایه فیلمها را درست و گهگاه هم غلط توضیح میداد که به این خاطر پیوسته مورد تمسخر بریا قرار میگرفت. استالین از فیلم "الس بزرگ" (ساخته دووی ویه کارگردان مشهور فرانسوی-م) خیلی خوشش آمد، به گونه‌ای که پس از دیدن آن از بولشا کف پرسید: "چرا ما هیچ فیلم موسیکالی نداریم؟"

ف: برخورد استالین با فیلمهای داخلی چگونه بود؟

م: بولشا کف تنها وقتی به استالین فیلم روسی نشان میداد که او را سرکیف میدید. اما اگر استالین شاداب و سر حال نبود و در همان لحظه خواستار تماشای فیلم روسی میشد، بولشا کف عزامی میگرفت، چرا که هیچگاه نمیشد پیش بینی کرد که استالین پس از دیدن یک فیلم جدید چه واکنشی نشان خواهد داد. او در همان حین نمایش با حرکات و گفته‌های خویش برداشت خود از فیلم را بازگو میکرد و بولشا کف تمام آنها را یادداشت مینمود. وی همان شب به دفتر خود باز میگشت و تذکرات استالین را برای تایپ به منش اش دیکته میکرد. بولشا کف دیگر میدانست که هر سرفه و "آها و آهوم" گفتن استالین چه معنایی دارد.

ف: آیا استالین هنرپیشه‌هایی را که در نقش وی ظاهر میشدند، خود تعیین میکرد؟

م: خود استالین هنرپیشه برجسته‌ای بود. در ابتدا میخائیل گلووانی در نقش استالین ظاهر میشد، اما لهجه گرجی وی مورد پسند رهبر نبود. وی یکبار از بولشا کف پرسید: "چرا در فیلمها رهبر خلق همیشه لهجه گرجی دارد؟ مگر لهجه گرجی من مشخص است؟ در واقع لهجه استالین خیلی غلیظ بود و گلووانی میکوشید که تا حد ممکن آن را تقلید کند. وی شباهت عجیب به استالین داشت؛ وقتی که در راهرو استودیو فیلمبرداری راه میرفت، خیلی از همکاران وی را با استالین اشتباه گرفته و در جا میخکوب میشدند. پس از تذکر استالین شدت آنف و بولشا کف وظیفه یافتند که هنرپیشه دیگری را برای ایفای نقش رهبر پیدا کنند. آنها هنرپیشه معروفی به نام اسکیدی را نامزد این کار نمودند. هنگامی که ایفای نقش استالین به دیکی پیشنهاد شد، من آنجا بودم و دیدم که او به هر طریق میکوشد از قبول این نقش طفره رود. او با التماس از بولشا کف و شدت آنف میخواست که از این پیشنهاد درگذرند، اما آنها دست بردار نبودند.

اولین فیلمی که "دیکی" در آن در نقش رهبر ظاهر شد، مورد پسند استالین قرار گرفت. او میل داشت که عظمت رهبر را در چهره و اندام هنرپیشه باز ببیند و دیکی از انجام این کار خوب برمی‌آمد. وی از غلظت لهجه روسی خود در فیلمها میکاست، اما به لحاظ ظاهر هیچ شباهتی به استالین نداشت.

ف: آیا استالین فیلمهای مستند را هم می‌پسندید؟

م: بله، بعضی‌را. برای مثال فیلم "تارومار نیروه‌های آلمان در پشت دروازه مسکو" را تقریباً خود وی مونتاژ و متن نویسی کرد. فیلمی که ابتدا تهیه شده بود مورد پسند وی نیفتاد، زیرا خودش در آن دیده نمیشد و برایش سخت بود که تنها زوکف (فرمانده برجسته ارتش شوروی در جنگ جهانی دوم و وزیر

## پاسخ به نامه‌ها

خواننده عزیز آقای عرفانی از آلمان  
از ابراز لطفی که مبذول داشته‌اید، متشکریم، امید که دوش بدوش هم در جهت خوشبختی و سعادت مرم زحمتکش ایران گام‌های استوار برداریم.

خواننده گرامی آقای علی از هلند  
از کارت ارسالی تان که حاوی پیام‌های دوستانه به همه کارکنان نشریه کار است صمیمانه سپاسگزاریم.

دوست عزیز آقای رضا از آلمان  
اولاً، سپاسگزار از اینکه نوشته‌اید: "کار چشم و چراغ ماست". نشریه کار بسیار باید بکوشد تا شایسته چنین محبت‌هایی باشد.

ثانیاً، باز متشکر از ارسال ترجمه مصاحبه آقای رفسنجانی با نشریه تایم، پرسیده‌اید که آیا ارسال چنین ترجمه‌هایی مفید است و آیا جادارد که به چنین کارهایی ادامه بدهید یا نه؟ باید بگوئیم که هم مفید است و هم لازم، هر گاه که مترجم عزیز عامل زمان را در درج چنین مصاحبه‌هایی در نظر بگیرد، انتخاب سریع و صحیح موضوع، ترجمه بلافاصله آن و ارسال آن حتی المقدور از طریق فاکس به نشریه، دست‌ما را برای درج بموقع یک ترجمه مفید در نشریه باز می‌گذارد، و طبیعی است که ما چشم‌براه تداوم همکاری شما باشیم و سوم اینکه، پرسیده‌اید چرا نشریه کاربین دو آلترا تیبو نشریه‌ای خیری و نشریه‌ای سیاسی دست‌به‌انتخاب قطعی نمی‌زند، این پرسش البته آنجا که به یک تقسیم‌بندی متعارف بر میگردد، پرسش درست و بجایی است، این موضوع برای هیئت تحریریه کار هم مطرح بوده است، ولی ما با در نظر داشت همه جهات امر و بویژه پیروید کنونی نشریه (دو هفته یکبار) به این نتیجه رسیده‌ایم که نشریه را چنان سازمان دهیم که صفحاتی از آن به نیازهای خبری سیاسی پاسخ دهد و صفحاتی نیز به مطالب سیاسی-تحلیلی و نظری اختصاص یابد. ساختار نشریه کار، بر محور این نتیجه‌گیری شکل گرفته است.

دست‌ما را به گرمی می‌فشاریم دوست گرامی خانم سیمین از سوئد  
سلام ما را بپذیرید، سروده تان به مناسبت روز جهانی کودک را دریافت کردیم، اما آن زمان که شما صفحه تخصیص یافته به این روز را در نشریه کار دیده بودید.

امید اینکه، شعرا رسالتی تان به وقت خود در نشریه چاپ شود و انتظارا اینکه، باز هم برای ما شعرو مطلب بفرستید، موفق باشید.

همکار عزیز آقای بابک از دانمارک  
سلام از ماست، دو مطلب ارسالی شما درباره: بابک خرم‌دین جریانی سؤال برانگیز، و گفتگوی آقای رجوی و سخنی با خودمان را دریافت کردیم، مطمئناً در نشریه کار سخن ما پیرامون عملیات تخریبی مجاهدین در لوله‌های نفتی خوزستان را خوانده‌اید و سخن و موضع خود را در آن یافته‌اید.

از دقت نظر شما در مورد مواضع سیاسی نشریه کار و کوشش تان برای رفع کاستی‌های سیاسی تان جدا ممنونیم، در انتظار تذکرات و مطالب بعدی شما هستیم، زنده باشید.

آقای بهمنی ارجمند از فرانسه  
ضمن سلام متقابل، دریافت نامه‌ای از سوی شما مبنی بر بخش مقاله‌ای از نشریه کار در راه‌پوی "صدای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای ایران" را متقابلاً به آگاهی می‌رسانیم و از بخش این مقاله با ذکر منبع آن، سپاسگزاریم.

آقای خواننده گرامی خانم مهناز از آلمان  
نامه مفصل شما را دریافت کردیم، از نشریه کار انتقاد کرده‌اید که چرا در نشریه کار شماره ۶۰ (۵ خردادماه ۷۲) به معرفی ماهنامه چیستا اقدام کرده در حالیکه یکی از قلمزنان این نشریه از نظر سیاسی عنصر نامطلوبی است، البته ما مدارک و اسناد منضم نامه شما را نیز دیدیم، در پاسخ به شما خواننده محترم باید بگوئیم که اولاً معرفی نشریات و کتب در نشریه کار، نه بهیچوجه بمعنی تأیید همه مندرجات آن از طرف ماست، و بیشتر از آن نه هرگز بدین معنی است که ما اعتبار یا عدم اعتبار سیاسی افراد قلمزنان آن نشریه را در ترازوی سنجش قرار

## کمک‌های مالی

از کلن آلمان ۵۰ ماری  
از بروکسل بلژیک، کمک به نشریه  
بهرام ۱۰۰۰ فرانک  
س ۱۰۰۰ فرانک  
س پ دلارام ۳۵۰ فرانک  
رضا ۵۰۰ فرانک  
ب پ ۵۰۰ فرانک  
پایاد شهید فدایی اسدالله پژمان ۳۰۰ فرانک  
فرزاد ۵۰۰ فرانک  
همایون ۵۰۰ فرانک  
بهرام ت ۵۰۰ فرانک  
فرامرز ۵۰۰ فرانک  
پیمان ۱۰ ماری  
از هامبورگ آلمان ۵۰ ماری  
دست یاری همه دوستان را به گرمی می‌فشاریم.

## انتشار کتاب "ایران و دموکراسی"

"ایران و دموکراسی" عنوان کتابی است به قلم آقای منوچهر صالحی که اخیراً انتشار یافته است. نویسنده در بخش‌های هفتگانه کتاب دیدگاه‌های خود را درباره پرسامان‌هایی همچون نبود دموکراسی در ایران، ساخت دولت، ریشه‌های تاریخی استبداد، زمینه‌های دموکراسی، عقب‌ماندگی و دموکراسی و تمامیت ارضی تبیین و تشریح میکند. صالحی در اثبات نقطه نظرات خود اینچا و آنچا به اسناد و آمار رجوع کرده و کوشیده است که به مقالات خود تا حد ممکن جنبه تحقیقی بدهد. کتاب "ایران و دموکراسی" ۱۰۶ صفحه است که برای دریافت آن میتوان با آدرس زیر مکاتبه نمود:

Postfach 630148  
22311 Hamburg  
Germany

سیاسی دانمارک وجود دارد که به گمان ما اطلاع خوانندگان نشریه کار از آنها مفید است. پیشنهاد ما اینست که در این زمینه مطلب جامع‌تری را البته با رعایت اصل حجم کمتر، تهیه کنید و برای درج در نشریه بفرستید. چشم‌براه همکاری شما با نشریه هستیم.

## گالیه سال ۲۰۰۰

واقعیت گردش زمین به دور خورشید همانقدر میسرست که اینک رهبران کشورهای اسلامی از برابری زن و مرد می‌ترسند.

مرنیسی از برخورد رسانه‌های غربی با بنیاد گرایان در کشورهای اسلامی انتقاد کرده و میگوید: "این رسانه‌ها تنها تصاویر اقدامات تروریستی بنیاد گرایان را به جهان مخابره میکنند و به صحنه‌های قهر و خشونت در کشورهای اسلامی بیشتر توجه دارند تا مسائل مربوط به حقوق بشر."

مرنیسی قدرت‌گیری خمینی را نتیجه کودتای آمریکا بر علیه مصدق و حاکم کردن استبداد پهلوی بر ایران دانسته و درباره دوروی غرب در زمینه حقوق بشر به جنگ آمریکا و عراق بر سر کویت اشاره کرده و میگوید: "غرب همچون برادری بزرگ شتابان به کمک شیوخ آمد، و این در حالی است که زنان عربستان و دیگر کشورهای شیخ نشین در حجاب اند، پیوسته تحقیر میشوند، اجازه ندارند که بوزن و از حق استاد شدن محرومند حتی اگر مدرک دکترا داشته باشند و فراتر از آن حق رای هم ندارند."

فاطمه مرنیسی پروفیسور جامعه‌شناسی در دانشگاه رباط (مراکش) و یکی از چهره‌های برجسته جنبش زنان در کشورهای شمال آفریقا میباشد. وی در مورد جایگاه زن در اسلام دیدگاه ویزهای دارد و معتقد است که در صدر اسلام زنان تقریباً هم‌تراز مردان بوده‌اند و همراه با آنها درباره عمده‌ترین مسائل اجتماعی نظر میداده‌اند. مرنیسی با پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده که سکینه نوه حضرت محمد یکی از مبارزین اولیه حقوق زنان بوده که از پوشاندن چهره‌اش سر باز زده، فرمانبرداری از همسر خود را نگی کرده و با حق چند همسری مردان از در مخالفت درآمده است!

مرنیسی جنبش زنان در جهان عرب را از عمده‌ترین موانع نیروگیری بنیاد گرایان میدانند. وی بر آن است که اگر در سال ۲۰۰۰ گالیه دیگری پیدا شود، کسی جز زنان کشورهای اسلامی نخواهد بود، چرا که زنان در این کشورها همان نقشی را بازی میکنند که گالیه در زمان خودش ایفا میکرد. آنها از پذیرش ایدئولوژی رسمی سر باز میزنند و از این رهگذار اقتدار حکومت و مذهب رازیر سوال میبرند. در واقع کلیسای

## وضعیت فاجعه‌بار آموزش عالی

۶ درصد به موقع فارغ التحصیل شده‌اند. به گفته این نماینده وضعیت فوق بین ۱۰ تا ۱۰ میلیارد تومان جرابر بودجه دانشگاه تهران. اتلاف انرژی و مالی به همراه دارد. در آنچه که نماینده تهران بدان اشاره کرده گوشه‌هایی از فاجعه آموزش عالی کشور ماست، عوامل بسیاری دخالت دارد. اما بی‌تردید اختصاص ۴۰ درصد سهمیه دانشگاهها به وابستگان رژیم که اکثر فاقد سطح علمی ضروری برای ورود به دانشگاه‌ها هستند، بزرگترین عامل شکل‌گیری این فاجعه است. اخراج هزاران استاد و کادر علمی دانشگاهها در جریان انقلاب فرهنگی، اختصاص امکانات ناچیز دانشگاههای دولتی به بخش خصوصی و گسترش بی‌رویه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی بدون تأمین کادر و تجهیزات مورد لزوم از عوامل دیگر بروز این فاجعه هستند. و بالاخره همانگونه که وزیر مربوطه تصریح می‌کند مشکلات هر دم فزاینده دانشجویان برای تأمین معاش، اثرات غیر قابل انکاری در سقوط سطح آموزش عالی در ایران بر جای گذاشته و میگذارد.

ادامه از صفحه ۳  
شد که کیفیت آموزش عالی در ایران از رشد چشمگیری برخوردار است. نماینده تهران در پاسخ به وزیر، اطلاعاتی را ارائه داد که گوشه‌های بیشتری از فاجعه آموزش عالی در ایران را روشن می‌کند. به گفته وی ورودی‌های سال ۶۸ یکی از دانشگاهها که نام آن از سوی سخنگو برده نشد. پس از ۴ ترم توانسته‌اند بطور متوسط ۴۴ واحد درسی بگذرانند. یعنی بطور متوسط ۱۱ واحد و اگر وضع بخواد بهمین ترتیب ادامه یابد ورودی‌های سال ۶۸ این دانشگاه ۷ سال برای گرفتن لیسانس وقت لازم دارند. معدل متوسط ۴ ترم این دانشجویان ۱۲/۸ است. ۷۷ درصد از آنها یک ترم از ۴ ترم مشروط شده‌اند. ۲۹ درصد ۲ ترم و ۸ درصد ۳ ترم مشروط شده‌اند. به گفته وی در دانشگاه دیگری در رشته فنی مهندسی از ورودی‌های سال ۶۶، پس از ۵ سال تنها ۲۵ درصد فارغ التحصیل شده‌اند. بقیه هنوز در دانشگاه مانده‌اند و گروهی نیز انصراف داده و رفته‌اند. از ورودی‌های سال ۶۷، رشته فنی مهندسی همین دانشگاه تنها

## با اشتراك «کار» ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

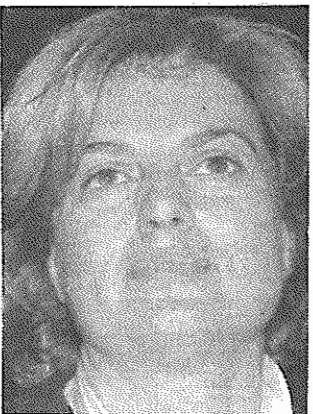
|  |          |  |         |        |               |         |                     |          |  |
|--|----------|--|---------|--------|---------------|---------|---------------------|----------|--|
| <p>فرم اشتراك</p> <p>برای اشتراك نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمایید.</p> <p>مایلیم نشریه کار را برای مدت شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/> مشترک شوم. معادل</p> <p>بهای اشتراك بصورت حواله بانکی <input type="checkbox"/> تمبر پستی <input type="checkbox"/> همراه نامه است.</p> <p>آدرس: _____<br/>(لطفاً خوانا بنویسید)</p> <p>Name: _____</p> <p>Address: _____</p> |          | <p>بهای اشتراك نشریه کار</p> <table border="1"> <tr> <td>شش ماهه</td> <td>یکساله</td> </tr> <tr> <td>اروپا ۴۵ ماری</td> <td>۹۰ ماری</td> </tr> <tr> <td>سایر کشورها ۵۲ ماری</td> <td>۱۰۴ ماری</td> </tr> </table> <p>مطالبی که با امضای فردی در کار درج می‌شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.</p> | شش ماهه | یکساله | اروپا ۴۵ ماری | ۹۰ ماری | سایر کشورها ۵۲ ماری | ۱۰۴ ماری | <p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p> <p>حساب بانکی: M.ABD<br/>NR_35263011<br/>37050198<br/>کدبانک: Stadtparkasse Köln<br/>GERMANY</p> <p>آدرس: Ruzbeh<br/>Postfach 1810<br/>52020 Aachen<br/>Germany</p> <p>fax: 00 49 - 221 - 3318290</p> |
| شش ماهه  | یکساله   |  |         |        |               |         |                     |          |  |
| اروپا ۴۵ ماری  | ۹۰ ماری  |  |         |        |               |         |                     |          |  |
| سایر کشورها ۵۲ ماری  | ۱۰۴ ماری |  |         |        |               |         |                     |          |  |

## پیروزی اپوزیسیون در انتخابات مراکش

برخی از کشورهای همچون غنا، موریتانی، زیمبابوه و... گذار به نظامهای دموکراتیک تر با آرامش و در جوی نسبتاً سالم طی نموده اند. هفته گذشته مراکش شاهد انتخابات پارلمانی بود. در این انتخابات ۲۰۳۴ نماینده برای رقابت پرداختند. پارلمان مراکش مجموعاً ۳۳۳ نماینده دارد که ۱۱۱ نماینده آن را قانوناً شوراهای شهر، اتحادیه های کارگری و نماینده اتاقهای اصناف انتخاب میکنند. جبهه ائتلافی اپوزیسیون متشکل از حزب استقلال و اتحادیه سوسیالیستی نیروهای مردمی توانستند با کسب مجموعاً ۹۱ کرسی پارلمان به اکثریت نسبی آرا دست یابند. اتحادیه سوسیالیستی بیشتر در میان روشنفکران، اتحادیه های کارگری و مراکز صنعتی صاحب نفوذ است و حزب استقلال بیشتر در اقصای محافظه کار و روستاها از پایگاه و نیرو

گذار آفریقا به سوی دموکراسی ظرف دو سال گذشته یا کش و قوس های فراوان و قسما جنگ و خونریزی توأم بوده است. فقر و عقب ماندگی سیاسی و اجتماعی و گردن نهادن بخشی از دیکتاتورهای و نیروهای اپوزیسیون به نتایج انتخابات از جمله عوامل تخریب روندهای دموکراتیک در کشورهای قاره سیاه بوده اند. سرسختی و عناد دیکتاتورهای مالی، کنگو، نیجریه و... در پذیرش شکست انتخاباتی خود و نیز عدم تمکین نیروی مخالفی همچون یونیتا در آنگولا به رای مردم کشورهای فوق را مجموعاً دستخوش بی ثباتی و تنشهای سیاسی و قسما جنگ و خونریزی نموده است. نفوذ و رشد بنیادگرایان اسلامی و پیروزی آنها در برخی از کشورهای منجمله الجزایر نیز که به لغو نتایج انتخابات انجامید، صحنه سیاسی این کشورها را با تلاطم ها و تنشهای بیشتری مواجه ساخته است. در این میان

## دولت جدید ترکیه تشکیل شد



روز جمعه چهارم تیرماه، خانم نسوچیللر نخست وزیر جدید ترکیه ترکیب کابینه ائتلافی خود را اعلام کرد. حزب محافظه کار راه راست به رهبری چیللر و حزب سوسیال دموکرات مردمی به رهبری اردال این دو معاون نخست وزیر، بار دیگر بر اصول توافق های دو حزب برای تشکیل دولت ائتلافی در نوامبر ۱۹۹۱، تاکید ورزیدند.

به گفته خانم چیللر، اهداف اصلی دولت عبارت خواهند بود از مبارزه علیه تروریسم، اجرای یک سیاست خارجی "امروزی"، علنیت کامل کاردولت و در آغوش محبت گرفتن مردم منطقه "کردستان". در عین حال، احزاب تشکیل دهنده کابینه ترکیه بر وفاداری خود به "تمامیت ارضی خدشه ناپذیر" ترکیه تاکید ورزیدند و بدینگونه، مخالفت خود را با خواست خود مختاری کردها اعلام کردند. خانم چیللر میگوید مبارزه علیه حزب کارگران کردستان (پ. کا. کا.) را با قاطعیت ادامه خواهد داد.

توافق نامه ائتلاف دو حزب حاکم ترکیه پیش بینی می کند برای دموکراتیزه کردن این کشور، قانون اساسی مورد اصلاحات گسترده ای قرار گیرد. همچنین قرار است قانون احزاب لیبرالیزه شود. احزاب حاکم ترکیه قول داده اند محدودیت های آزادی مطبوعات را لغو کنند و به دانشگاهها که تا کنون تحت کنترل اکید دولت قرار داشتند، آزادی بیشتری بدهند. ائتلاف حاکم ترکیه، وعده تحقق کامل آزادی های اساسی و حقوق بشر را داده است.

در عرصه اقتصادی، دولت ترکیه میخواهد مشی خصوصی کردن را ادامه دهد. سوسیال دموکراتها کوشیده اند برای کاستن از عوارض اخراج های دسته جمعی که در

انتخاباتی اپوزیسیون بودند. دولتی که این نیرو تشکیل خواهد داد باید کارشناسان و متخصصینی که حول ملک حسن گرد آمده و برای خود یک "ما فوق دولت" تشکیل داده اند، دست و پنجه نرم کند. چگونگی تلاش این دولت در زمینه پایان دادن به نقض حقوق بشر نیز از شاخص های جدیت آن در پابندی به شعارهای انتخاباتی خواهد بود.

مراکش بر خلاف سایر کشورهای مغرب عربی همچون الجزایر و تونس با خطر رشد و قدرت گیری نیروهای اسلامی روبرو نیست. در واقع ملک حسن علاوه بر مقام پادشاهی بالاترین مرجع مذهبی کشور نیز به شمار میرود و نیروهای اسلامی کم و بیش از وی تمکین و شتابی دارند. همین امر سبب گردید که آنها به عنوان حزب و یا گروه سیاسی در انتخابات شرکت نکرده و تنها به حمایت از این یا آن حزب سیاسی بسنده کنند.

برخوردار است. نیروی رقیب ائتلاف فوق جنبش ملی منفردها تحت رهبری رئیس پارلمان و داماد ملک حسن بود که بخشی از کرسیهای خود در مجلس را از دست داد. ناظران امکان ایجاد یک دولت ائتلافی از دو نیروی رقیب را منتفی نمیدانند.

در انتخابات مراکش برای اولین بار دوزن به مجلس راه یافتند و چپ های رادیکال نیز شمار نمایندگانشان خود را از ۶ نفر افزایش دادند. به رغم آنکه سرنوشت صحرائی باختری و ادامه تسلط مغرب بر این منطقه هنوز روشن نیست، با اینهمه دولت آنتبارا نیز مشمول انتخابات پارلمانی نمود و به همه پرسو آتی سازمان ملل درباره آینده سیاسی این منطقه عملاً واقعی نهاد.

مبارزه با بیکاری و رشوه خواری، ایجاد تعادل میان بخش خصوصی و دولتی و تقویت بنیانهای دموکراتیک دولت از جمله شعارهای

## مخالفت با تحریم های ...

ادامه از صفحه ۱۲

است، در مزارع بجای تراکتوراز گاو و وحش استفاده میشود و همه مایحتاج عمومی جیره بندی شده اند. هاوانا ۷ ساعت در شبانه روز از داشتن برق محروم است و کمبود کاغذ بسیار از فعالیت های مطبوعاتی و فرهنگی را تعطیل کرده است. بروز برخی از بیماریها که از سو تغذیه ناشی میشوند نیز سلامت مردم کوپا را به مخاطره انداخته اند. دولت کوپا برای غلبه بر معضلات اقتصادی و کسب درآمد ارزی لازم اقدامات فشرده و گسترده ای را در پیش گرفته است که گسترش صنعت توریسم، قرارداد های پای یک با شرکت های خارجی، تلاش برای کشف و استخراج نفت و مواد خام دیگر، خود گردانی بیشتر موسسات و کارخانجات دولتی و نیز احیای رابطه های اقتصادی با پاره ای از کشورهای سوسیالیستی سابق از آن جمله اند.

بسیاری از محافل سیاسی ضمن تاکید بر غیر انسانی بودن تحریمهای اقتصادی بر علیه کوپا، آن را بی ثمر و فاقد کارایی می دانند، چرا که اکثریت مردم کوپا جای مقصر دانستن دولت در ایجاد وضعیت کنونی، انگشت اتهام را متوجه ایالات متحده میکنند.

فروردین ماه، در استان بزرگاری فرزندم روسیه، برده از فساد برخی از مقامات دولت یلتسین برداشت بدنبال این افشای گری، یلتسین معاون خود را از مقام ریاست کمیسیون مبارزه با فساد برکنار کرد.

جمهوری استونی با تصویب قانون جدیدی در مورد اتباع خارجی، نیم میلیون شهروند سابق این جمهوری را که اصل و نسب روس دارند، اتباع بیگانه اعلام کرد. طبق این قانون روس هایی که پس از الحاق استونی به شوروی در سال ۱۹۴۰ به این جمهوری رفته اند و نیز فرزندان و نواده های آنها، خارجی محسوب می شوند و اگر نتوانند طی دو سال اجازه اقامت بگیرند، از استونی اخراج خواهند شد.

اقدام استونی، واکنش شدید روسیه را برانگیخت. روز سوم تیرماه، روسیه جریان گازه استونی را قطع کرد. پارلمان روسیه طی بیانیه ای خاطر نشان نمود حقوق انسانی بانصد هزار نفر اقلیت روس استونی، مسئله داخلی این جمهوری نیست. باریس یلتسین رئیس جمهور روسیه، سیاست استونی را یک سیاست آبارتاید نامید و مسئولیت عواقب آن را بر عهده رهبری استونی دانست.

## ادامه کار کنفرانس قانون اساسی روسیه

### به تعویق افتاد

کنفرانس قانون اساسی روسیه که قرار بود روز شنبه پنجم تیرماه با تصویب طرح قانون اساسی جدید این کشور به کار خود خاتمه دهد، با ردیگر ادامه کار خود را به تعویق افکند. به گفته سخنگوی یلتسین رئیس جمهور روسیه، به ویژه مسئله حقوق جمهوری ها و مناطق خود مختار روسیه هنوز مورد اختلاف است.

از سوی دیگر، شورای عالی (پارلمان) روسیه در روز چهارم تیر ماه اعلام کرد تا زمانی که سیاستمداران فاسد، در کار کنفرانس قانون اساسی شرکت دارند، حضور نمایندگان کنگره در جلسات کنفرانس غیر ممکن است. اشاره بیانیه شورای عالی، به ولادیمیر شومیکو معاون نخست وزیر و میخائیل پوتنورائین رئیس مرکز اطلاعاتی روسیه است که طبق تحقیقات پارلمان، مبالغ هنگفتی از هردو سیاستمدار، در کار کنفرانس قانون اساسی روسیه شرکت دارند.

پارلمان به شومیکو و پوتنورائین را ی عدم اعتماد داده و از یلتسین خواسته است آنها را برکنار کند. طرح اتهامات فساد علیه این دو نفر، به ابتکار الکساندر روتسکوی معاون یلتسین بازمی گردد که در اواخر

## کنفرانس جهانی حقوق بشر

### به کار خود پایان داد

ادامه از صفحه ۱

تداومی علیه نسل کشی در یوسنی-هرزه گوین اتخاذ کند. در آستانه گشایش کنفرانس وین، محمد جواد ظریف معاون وزیر خارجه و رئیس هیات جمهوری اسلامی در این کنفرانس گفته بود: "جهان اسلام و جهان سوم اجازه نخواهند داد تا یک اهرم سیاسی در زیر نقاب حقوق بشر، به وسیله شورای امنیت یا هر نهاد دیگر بین المللی بر آنها تحمیل شود."

نماینده جمهوری اسلامی مهمترین و اصلی ترین رسالت کنفرانس جهانی حقوق بشر را ایجاد مکانیسمی برای جلوگیری از سوء استفاده از حقوق بشر خواند.

بیانیه پایانی و کل نتایج کنفرانس به خطر نیافتد. طرح کشورهای اسلامی مورد مخالفت کشورهای غربی و برخی از کشورهای آفریقای قرار داشت که معتقد بودند طرح کنفرانس اسلامی حاوی استراتژی های نظامی و سیاسی خارج از چارچوب کنفرانس حقوق بشر است.

کنفرانس اسلامی در توجیه ارائه طرح قطعنامه، چنین موضع گرفت که فراخوان رئیس کنفرانس وین در مورد رعایت حقوق بشر در یوسنی، کفایت نمیکند. کنفرانس حقوق بشر وین از شورای امنیت سازمان ملل خواست

## تجزیه بوسنی - هرزه گوین رسمیت می یابد

ادامه از صفحه ۱۲

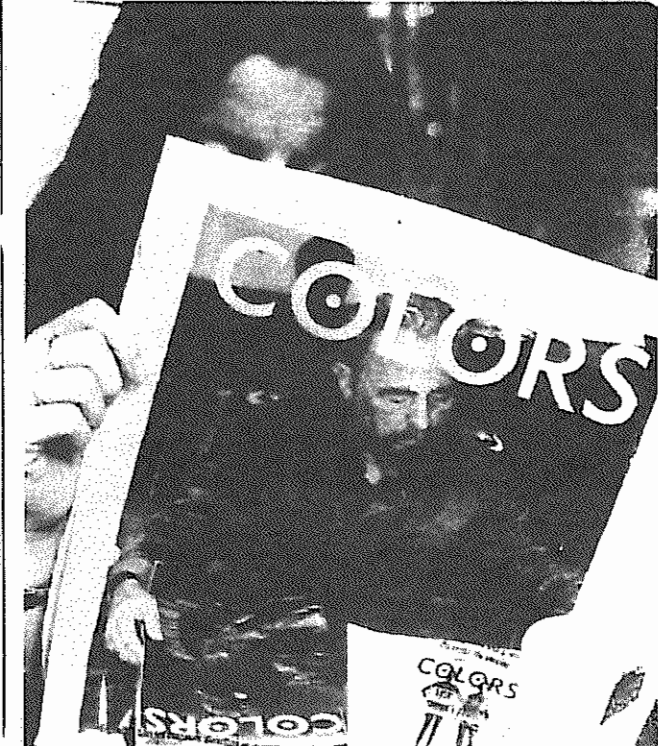
کارینگتون میانجی وقت جامعه اروپا مبنی بر اینکه شناسایی زود رس کرواسی و سلوونی، جنگ راه بوسنی-هرزه گوین خواهد کشاند، واقعی نهادند؟ و تانیا چرا دولت کلینتون بگونه ای بسیار ناخردانه، در طول هفته ها دم از دخالت نظامی در بالکان زد؟ آیا غیر از این بود که دو سال پیش، میان قدرتهای اروپایی بر سر آینده بالکان، معامله ای صورت گرفت که در آن، جامعه اروپا به سادگی یک طرف معادله قدرت در بالکان، یعنی روسیه را فراموش کرده بودند؟ و آیا تردیدی وجود دارد که دولت کلینتون به بالکان به عنوان میدانی برای تمرین ایفای نقش ژاندارمی جهان می نگریست و تنها با نوبدی از جلب موافقت روسیه برای تبدیل لشکر کشی آمریکا به لشکر کشی سازمان ملل بود که از این سیاست دست کشید؟

اکسون، قربانیان اصلی معاملات جدید قدرت های بزرگ در بالکان، مسلمانان خواهند بود. آنها هستند که در مذاکرات، بیش از هر طرف دیگر تحت فشار میانجیها قرار خواهند گرفت. از سوی دیگر، ضرورت قطع خونریزی در بوسنی-هرزه گوین ایجاب میکند که رهبری این کشور به مذاکرات بپیوند و به جای امید بستن به لغو تحریم تسلیحاتی، بکوشد از طریق بسیج هر چه موثرتر افکار عمومی جهان و راههای دیپلماتیک، از ابعاد فزون طلبانه طرح تقسیم این جمهوری بکاهد.

به حمایت از صرب ها و با کروات ها گرایش دارند. در نتیجه، در رهبری جمهوری بوسنی-هرزه گوین نیز فکر پیوستن به مذاکرات تجزیه، تقویت شده است.

وارن کریستوفر وزیر خارجه آمریکا در موضع گیری کم سابقه ای علیه یکی از وفادارترین متحدان این کشور، آلمان را متهم کرد که بخش مهمی از مسئولیت اوضاع کنونی در بالکان را بر عهده دارد. کریستوفر گفت آلمان با افزایش بر شناسایی

زود رس استقلال سلوونی و کرواسی در سال ۱۹۹۱، باعث گسترش جنگ صرب ها و کروات ها به بوسنی-هرزه گوین شد. رولان دوم وزیر خارجه پیشین فرانسه نیز که در جریان کشمکش ها در جامعه اروپا برای به رسمیت شناختن یا نشناختن سلوونی و کرواسی در سال ۱۹۹۱، مسئولیت دیپلماسی فرانسه را بر عهده داشت، اخیراً مشابه وزیر خارجه آمریکا موضع گرفته است. در مقابل، آلمانی ها مدعی اند شناسایی استقلال دو جمهوری یوگسلاوی پیشین از سوی جامعه اروپا، نقشی در گسترش جنگ بالکان نداشته است. هر چند انتقاد کریستوفر دو ماهه موضع هژمونی طلبانه آلمان در اروپا بجاست، اما این دو سیاستمدار توضیح نمی دهند که: "اولاً چرا فرانسه و سایر اعضای جامعه اروپا در اواخر سال ۱۹۹۱ و اوایل سال ۱۹۹۲ به باج خواهی دولت هلموت کول در مورد شناسایی دو جمهوری تجزیه طلب یوگسلاوی تن داده و در این مورد حتی به هشدارهای لرد



## دشواری‌های دهمین دور مذاکرات خاورمیانه

### تجزیه بوسنی - هرزه گوین رسمیت می‌یابد

ترجیح می‌دادند، بطور سستی هر دو طرف تمایل به گسترش منطقه نفوذ خود از طریق تقسیم بوسنی-هرزه گوین دارند. مثلاً پیش از جنگ دوم، صربها و کرووات‌ها می‌خواستند جمهوری بوسنی-هرزه گوین را بین خود تقسیم کنند و مسلمانان را تابع یکی از دو منطقه نفوذ نمایند. طرح‌هایی که اینکار ارائه شده است، تنها در ظاهر عادلانه تر است. هر چند قرار است به مسلمانان یک منطقه مستقل کوچک داده شود، اما مسلمانان ساکن مناطق تحت کنترل صرب‌ها و کرووات‌ها از محل سکونت خود اخراج خواهند شد. آنچه برای مسلمانان باقی خواهد ماند، دو منطقه کوچک در مرکز بوسنی و نیز در شمال غربی این کشور، در پیرامون شهر بیهاچ خواهد بود. حضور نمایندگان جامعه اروپا و سازمان ملل در مذاکرات ژنو، و انتخاب عنوان "کنفدراسیون" برای نحوه تنظیم رابطه میان سه بخش آبی بوسنی-هرزه گوین، تنها پوششی است برای تن دادن به گرایش‌های تقسیم طلبانه کرووات‌ها و صرب‌ها. هدف کرووات‌ها در مذاکرات، پس گرفتن زمین‌هایی است که طی هفته‌های اخیر در جنگ با مسلمانان از دست داده‌اند. در عوض، فرایند توجمان رئیس جمهور کرواسی پیشنهاد کرده است به مسلمانان یک بندر آزاد کوچک در کنار دریای آدریاتیک داده شود. اما تا وقتی این پیشنهاد شامل کریدوری برای دسترسی آزادانه مسلمانان به این بندر نیست، نمی‌توان این پیشنهاد را جدی گرفت.

علت اصلی چرخش در تحولات دیپلماتیک در ارتباط با جنگ بالکان، تغییر سیاست دولت آمریکا است. دولت کلینتون که در ماه‌های نخست زمامداری وی، پیوسته از ضرورت دفاع از موجودیت بوسنی-هرزه گوین و دفع تجاوز صرب‌ها سخن می‌گفت، چند هفته پیش ناگهان تغییر موضع داد و اعلام کرد قصد دخالت نظامی در بالکان را ندارد. به نظر می‌رسد مسلمانان، چاره‌ای جز پذیرفتن طرح تجزیه ندارند. از کشورهای اسلامی کاری جز تبلیغات پرسر و صد و رقابت با یکدیگر در دفاع آتشین لفظی از بوسنی-هرزه گوین بر نمی‌آید. سه عضو دائمی شورای امنیت یعنی روسیه، انگلیس و فرانسه مخالف لغو تحریم تسلیحاتی یوگسلاوی پیشین در مورد بوسنی-هرزه گوین اند. قدرت‌های بزرگ جهان و اروپا بیشتر ادامه در صفحه ۱۱

دیوید اوئن میانجی‌جامعه اروپا در جنگ بالکان، طرح مشترکش با ساریوس ونس نماینده دبیر کل سازمان ملل برای نحوه اداره بوسنی-هرزه گوین در آینده را شکست خورده اعلام کرد. طبق این طرح، قرار بود بوسنی-هرزه گوین به عنوان یک کشور واحد باقی بماند و به مشابه فدراسیونی از ده منطقه سازمان یابد. اما طرح مزبور به ویژه با مخالفت صرب‌های بوسنی-هرزه گوین مواجه شد. دیوید اوئن با اعلام شکست طرح خود، اظهار داشت: "باید واقعات را پذیرفت". در اجلاس سران جامعه اروپا در کپنهاگ نیز سخن از "اوضاع جدید" در بوسنی-هرزه گوین به میان آمد. این اجلاس، پیشنهاد آلمان در مورد لغو تحریم تسلیحاتی بوسنی-هرزه گوین را رد کرد. اکنون دیوید اوئن مامور شده است در ژنو مذاکرات پیرامون تقسیم بوسنی-هرزه گوین به سه دولت مستقل، میانجی‌گری کند.

مذاکرات برای تجزیه بوسنی-هرزه گوین، دو هفته پیش آغاز شد. سلو بودان میلیوویچ و فرانکو توجمان روسای جمهور صربستان و کرواسی، در ژنو پیشنهادهای خود را برای چگونگی تقسیم اراضی بوسنی-هرزه گوین مطرح کردند. رادوان کاراجیچ رهبر صرب‌های بوسنی نیز طرحی برای مبادله اراضی با مسلمانان ارائه کرده است. در حالی که صربها و کرووات‌ها بر سر اصل تقسیم بوسنی-هرزه گوین به توافق رسیده‌اند و از آغاز در مذاکرات ژنو شرکت کردند، علی‌عزت بیگ اویچ رئیس جمهور بوسنی-هرزه گوین در اعتراض به اینکه اکنون درباره تجزیه کشورش مذاکره به عمل می‌آید، از پیوستن به گفتگوها سر باز زد. به جای او، یک هیأت از شورای ریاست جمهوری بوسنی-هرزه گوین وارد ژنو شد. قرار است شورای ریاست جمهوری بوسنی-هرزه گوین به بررسی طرح‌های صربها و کرووات‌ها برای تقسیم این کشور بپردازد. در دوران رهبری بوسنی-هرزه گوین، موضع سرسختانه مخالفت عزت بیگ اویچ با تجزیه این کشور، شامل همه اعضای شورای ریاست جمهوری نمی‌شود. برخی از اعضای این شورا، به شدت با موضع عزت بیگ اویچ و فرماندهان نظامی مسلمانان مخالفند و معتقدند باید در مورد تجزیه کشور با صرب‌ها و کرووات‌ها مذاکره کرد.

صرب‌ها و کرووات‌ها از آغاز تقسیم بوسنی-هرزه گوین را به ادامه موجودیت دولت واحد این کشور

اردن و نوار غزه را در محاصره نظامی گرفته و ارتباط این دو منطقه را با قلمرو خود، قطع کرده است. شیمون پرزویز برای خارجه اسرائیل پیشنهاد کرد اسرائیل، فلسطینی‌ها و اردن، کنفدراسیونی مانند اتحادیه بنلوکس (بلژیک، هلند و لوکزامبورگ) ایجاد کنند. وی افزود هم اکنون کارشناسان اقتصادی اسرائیلی و اردنی به همراه متخصصان فلسطینی، سرگرم تهیه طرحی برای اقتصاد آبی مناطق اشغالی پس از برقراری خودمختاری فلسطینی‌ها هستند. به موجب این طرح، قرار است فلسطینی‌ها بدون طی یک دوره گذار، مسئولیت اقتصاد مناطق خود را به عهده گرفته، تجارت آزاد با اردن و اسرائیل را مجاز اعلام کنند.

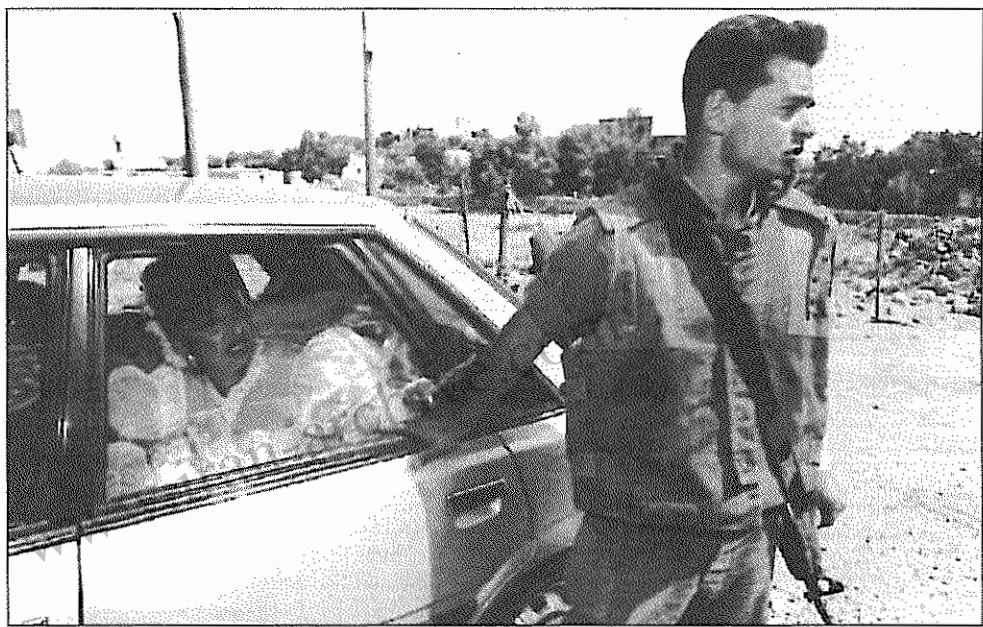
۳۹۶ فلسطینی تبعیدی در منطقه مرزی جنوب لبنان، صلیب سرخ را فرا خواندند ۲۸ تن از ساکنان اردوگاه تبعیدیان را که بیمارند، از این اردوگاه به مکان دیگری منتقل کند. این سخنگوا افزود در اردوگاه مزبور مجموعاً بیش از ۶۰ نفر بیمارند. معاون وزیر دفاع اسرائیل اعلام کرد این کشور در صدد است در امتداد مرزهای خود با مناطق اشغالی، سیم خاردار بکشد. بر وجه این پروژه بالغ بر ۱۳ میلیون دلار است و کشیدن سیم خاردار، در درونادرو شهرک‌های یهودی نشین مناطق اشغالی نیز، انجام خواهد شد. هم چنین در امتداد این مرزها، گشتی‌های اسرائیلی تردد خواهند کرد. از تاریخ نهم فروردین، اسرائیل درواکش نسبت به عملیات چریکی فلسطینی‌ها، کرانه غربی رود

م طرح کرده بودند. در حالیکه حنان عشراوی سخنگوی فلسطینی‌ها خواستار فعال‌تر شدن ایالات متحده شده بود، نمایندگان اسرائیل معتقدند دلیلی برای مداخله آمریکا وجود ندارد. اسرائیل، پیشنهاد آمریکایی بر عقب‌نشینی از مابقی ارضی از نوار امنیتی تحت اشغال خود در جنوب لبنان به منظور بررسی آمادگی و توانایی ارتش لبنان در جلوگیری از حملات نظامی به شمال اسرائیل را رد کرد. اواری لوبرانی رئیس هیأت اسرائیل در مذاکرات بالکان گفت کشورش حاضر به پذیرش هیچ آزمایش و تجربه جدیدی نیست. وی افزود تنها یک قرارداد صلح با بیروت است که می‌تواند امنیت اسرائیل را تضمین کند. روز چهارم تیر ماه یک سخنگوی

دهمین دور مذاکرات صلح خاورمیانه که چهار هفته پیش در واشنگتن آغاز شد، با دشواری‌هایی روبرو گردید که مانع هرگونه پیشرفت در گفتگوها شده است. خانم حنان عشراوی سخنگوی هیأت فلسطینی در مذاکرات، اسرائیل را مسئول کندی روند گفتگوها دانست و گفت نمایندگان اسرائیل ناگهان "سرسخت" شده‌اند. متقابلاً، اسرائیل فلسطینی‌ها را متهم کرد که با طرح مسئله بیت المقدس شرقی، مذاکرات را به بن‌بست کشانده‌اند. اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل روز سوم تیر اعلام کرد که در مورد آینده بیت المقدس هیچ امتیازی به فلسطینی‌ها نخواهد داد. وی افزود بیت المقدس "قلب روح ملت یهود" است و در این مورد، سازشی وجود نخواهد داشت. به گفته رابین، کل بیت المقدس همواره متعلق به اسرائیل و پایتخت این کشور خواهد بود.

یکی از اهداف فلسطینی‌ها، استقرار دولت مستقل خود در بیت المقدس شرقی است که طی جنگ ۱۹۶۷ به اشغال اسرائیل درآمد و سپس اسرائیل آن را به خاک خود ملحق کرد.

وارن کریستوفر وزیر خارجه ایالات متحده، تقاضای اعراب برای ایفای نقش فعال‌تر از سوی آمریکا در گفتگوها را رد کرد و گفت گمان نمی‌کند لازم باشد بحثی در باره نحوه پیشبرد مذاکرات در گیرد. بدنبال آشکار شدن موانع پیشرفت گفتگوها، موفق علاءالدین رئیس هیأت سوریه از آمریکا خواسته بود اصول مذاکرات را عوض کند و به عنوان ناظر گفتگوها، به دخالت مستقیم‌تری اقدام نماید. فلسطینی‌ها نیز چنین خواستی را



زندگی روزمره در مناطق اشغالی

## پارلمان آذربایجان ایلچی بیگ را برکنار کرد

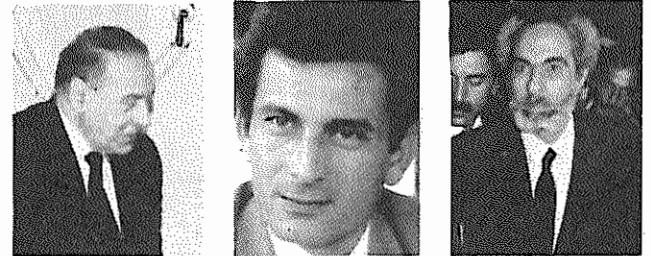
جمهوری آذربایجان برای مدتی صورت گیرد که او در خارج از باکو به سر می‌برد. توفیق قاسم‌اف وزیر خارجه دولت ایلچی بیگ، برکناری رئیس جمهور را غیرقانونی خواند و گفت ایلچی بیگ با فرارندومی که در آن، نظر مردم در باره رئیس جمهور خواسته شود، موافقت کرده و اگر ای مردم منفی باشد، حاضر به استعفاست. ایلچی بیگ زمانی که شورشیان به رهبری صورت حسین اف به باکو نزدیک شدند، به نخجوان گریخت و اعلام کرد زمانی که با کوبا می‌گردد که مخالفانش، از باکو دور شوند. صورت حسین اف، روز دوم تیر ماه هرگونه مذاکره با ایلچی بیگ را رد کرد و به پارلمان اطلاع داد که کماکان خواهان استعفای رئیس جمهور است. تلاش حیدر علی‌اف برای حصول توافق میان ایلچی بیگ و حسین اف، به نتیجه نرسید.

کردند. در ایگیری برای برکناری رئیس جمهور آذربایجان، ۳۷ نفر از ۵۱ نماینده پارلمان این جمهوری شرکت کردند. از این تعداد ۳۳ نفر به برکناری ایلچی بیگ رأی موافق، سه نفر رأی مخالف و یک نفر رأی ممتنع دادند. پس از رأی پارلمان، علی‌اف اختیار دارد دولت تشکیل دهد، وضعیت جنگی اعلام کند و به بسیج عمومی اقدام نماید. پارلمان، فرماندهی کل نیروهای مسلح را نیز به علی‌اف سپرده است. علی‌اف موظف به دفاع از قلمرو آذربایجان در برابر ارمنستان است. قبل از رأی گیری در پارلمان، طرفداران ایلچی بیگ کوشیدند از این رأی گیری ممانعت کنند. برخی از آنها پیشنهاد کردند برکناری رئیس

شامگاه پنجشنبه سوم تیر ماه، پارلمان جمهوری آذربایجان به برکناری ایلچی بیگ رئیس جمهور متواری رأی داد و اختیارات رئیس کشور را به حیدر علی‌اف عضو پیشین دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تفویض کرد. در آستانه نشست پارلمان، ایلچی بیگ طی فرمانی، تنها بخشی از وظایف خود را به علی‌اف که چند هفته پیش به ریاست پارلمان انتخاب شده بود، واگذار نمود. پارلمان، فرمان ایلچی بیگ را مغایر قانون اساسی دانست. قانون اساسی آذربایجان، پیش‌بینی می‌کند در صورت ایجاد خلا قدرت، رئیس پارلمان موقتاً ریاست جمهوری را بر عهده گیرد. ایلچی بیگ، برکناری خود را یک کودتا خواند. خبرگزاری ترکیه به نقل از یک سخنگوی ایلچی بیگ نوشت رئیس جمهور، منتخب مردم است و تنها مردمند که می‌توانند او را برکنار کنند. و از این رو برای برکناری وی یک referendum لازم است. برخی گزارش‌ها حاکی است ایلچی بیگ شب پنجشنبه سوم تیر از جمهوری نخجوان که با پیشروی مخالفانش بدانجا پناه برده بود، به ترکیه گریخته است، اما دستیاران ایلچی بیگ این خبر را تکذیب

## مخالفت با تحریم‌های آمریکا علیه کوباشدت بیشتری می‌گیرد

با تشدید تحریمها و فشارهای اقتصادی آمریکا بر علیه کوبا که به قصد بی ثبات کردن پایه‌های حکومت این کشور صورت می‌گیرد، اقتصاد کوبا با دشواری‌ها و بحران‌های بیشتری مواجه شده است. تا پیش از فروپاشی اتحاد شوروی، کوبا توانسته بود از رهگذر روابط تجاری گسترده با بلوک شرق و بهره‌مندی از کمکهای شوروی از تاثیر تحریمهای اقتصادی آمریکا بکاهد و در زمینه بهداشت و آموزش عمومی قسماً از ایالات متحده نیز پیشی بگیرد. متوسط سن انسانها در کوبا به ۷۵ سال میرسد و درصد مرگ و میر کودکان از ۱۰/۷ در هزار فراتر نمی‌رود. این در حالی است که آمریکای ثروتمند هم هنوز به چنین سطحی نرسیده است. دوام نسبی محبوبیت کاسترو و دولت او در میان مردم نیز عمدتاً به همین پیشرفت‌ها و دستاوردها بازمی‌گردد. با اینهمه با تشدید بحران اقتصادی شدید فعلی و کمبود نفت و سوخت‌های دیگر، بسیاری از فعالیتهای اقتصادی را کما مانده ادامه در صفحه ۱۱



ایلچی بیگ صورت حسین اف حیدر علی‌اف

## درگیری مجدد در کابل

حکمت یار، بر سر راه خود به دومین جلسه هیأت دولت، موقتاً توسط نیروهای احمد شاه مسعود دستگیر شدند و تنها زمانی که برهان‌الدین ربانی رئیس جمهور خواستار آزادی آنها شد، نیروهای مسعود این عده را رها کردند. برای نخستین بار پس از دو ماه، اوایل تیر ماه سازمان ملل یار دیگر محموله‌های کمک‌های میان‌آوارگان توزیع کرد.

طی زد و خورد های مجدد بین گروههای مجاهدین در کابل، حداقل هشت نفر کشته و بیست تن مجروح شدند. درگیری، میان نیروهای "شورای نظار" و حزب وحدت اسلامی (شیعیان) روی داد. شورای نظار، تحت کنترل احمد شاه مسعود و زیر دفاع سابق افغانستان است و حزب وحدت اسلامی، مدتی است که با گلبدین حکمت یار متحد است. ده وزیر کابینه جدید افغانستان به ریاست